شماره مخصوص انقلاب سفید ایران

فیلم و هنر

شماره ۴۱۹ ـ ۵ بهمن ماه ۱۳۵۱ ـ ۱۵ ریال

همراه با ۲ تابلوی رنگی
از جین باری و امین امینی

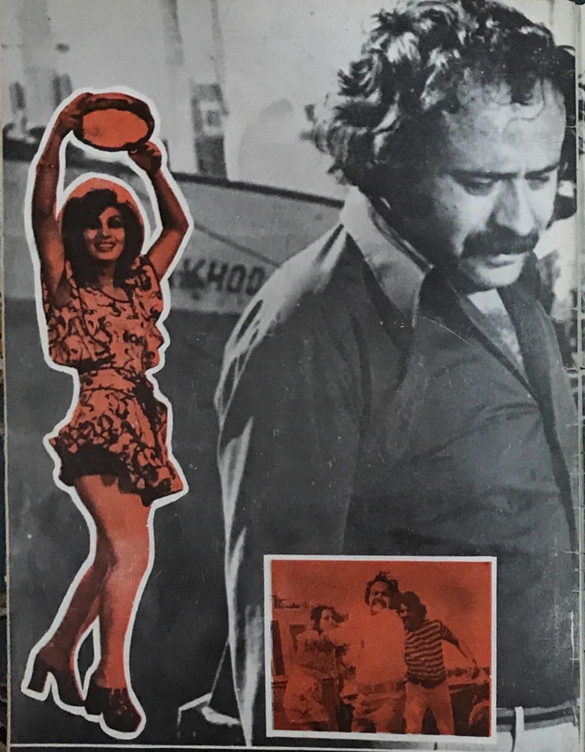
این شماره در ۷۲ صفحه منتشر
و بها همان ۱۵ ریال



ناصر ملک‌مطیعی و منوچهر وثوق
در فیلم عاصی



ناصر ملک مطیعی
مرجان
و... امین امینی
درفیلمی از نظام فاطمی
مردان
خلیج
باشرکت :
بهروز رامتین ـ قدکچیان
نادره ـ ایران قادری
حمیدی ـ مهدوی فر
و با معرفی چهره جدید
پرستو
مخصوص عید
سینماهای
آسیا ـ شهوند ـ رکس ـ زنگین کمان ـ لیدو ـ دیانا ـ نپتون



ژاله - المپیا - شرق - پاسارگاد - توسکا - فیروزه و در ایوین سینمای ونک



درزندگی هرملت روزهای درخشانی وجوددارد که جاودانه درتاریخ آن پرفروغ میماند و ششم بهمن ماه روز بزرگ تاریخ میهن ما است . فرا رسیدن این روز پر شکوه بهمه ملت ایران گرامی باد .

مدیر ، سردبیر وشورای نویسندگان فیلم وهنر

انقلاب سفید ششم بهمن نقطه عطف در تاریخ ایران

روزششم بهمن‌سال ۱۳۴۱ بار دیگر تاریخ ایران‌ورق خورد و برگ زرین دیگری برآن افزوده گردید . در دوران سلطنت پهلوی کشور ما در راه پیشرفت و ترقی دگرگونیهای متعددی را دیده است اما تحولی که روزششم بهمن بنیانگذاری گردید بقول شاهنشاه درواقع مبداء جدیدی برای تاریخ ایران شمرده میشود .

در تاریخ کشورها هرکجا با انقلاب برمیخوریم همپای آن کشتارها ، ستمها ، تجاوزها ، فقر و بدبختی راهمراه مییابیم اما انقلاب سفید ایران بدون آنکه بقول معروف خون از دماغ کسی فروریزد ثمرات بزرگی ببار آورد .

تقسیم اراضی مالکین بزرگ بین کشاورزان انقلاب بزرگی بود که درجامعه کشاورزی و دهاقین بعمل آمد . مشکل بتوان قبول کرد که باچنین انقلابی بدون خونریزی و آشوب و آشفتگی بعمل آید اما در سایه تدبیر شاهنشاه ایران این انقلاب عملی گردید وامروز آثاری از مالکین کشاورزی و ارباب رعیتی سابق بچشم نمیخورد .

سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها ، ملی کردن جنگلها ، ایجاد سپاهی دانش و بهداشت و ترویج آبادانی ، ایجاد خانه‌های انصاف ، ملی کردن منابع آب و همچنین انقلاب اداری از جمله اصول دوازده گانه انقلاب سفید ایران است که چهره ایران را در طول ده سال گذشته بکلی عوض و دگرگون کرده است .

این یک واقعیت است ، عینی است ، دشمنان مملکت نیز ناگزیرند به آثار و نتایج شگفت‌انگیز آن اعتراف نمایند . خوشبینی توان آنرا داد . نظری به ده سال گذشته بیافکنیم راه دوری نیست همه آنهائیکه حداقل ۲۵ سال دارند میتوانند حوادث ده سال گذشته را بخاطر آورند ومرور کنند . کشورما برای پیشرفت همواره تلاش کرده است اما جهش ده ساله اخیر آن چیز دیگری است . در طول ده سال برابر یکقرن پیشرفت کار کوچکی نیست مهمتر آنکه این هنوز اول کار است وما آینده‌ای بس روشن و تابناک در پیش داریم .

ملت ما باهوشیاری فوق‌العاده بایستی از هر فرصت استفاده کند . باید تلاش بیشتری کرد ، برای پیشبرد هدف باید دست بدست یکدیگر دهیم ، تلاش کنیم ، کار کنیم ، کاری فوق‌العاده زیرا کشور ما امروز تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهر نیاز مبرمی به کار و کوشش دارد ، اراده جوانان و دستهای کارگران ماست که بایستی هدفهای بزرگ شاه و ملت را جامه عمل بپوشد .

با استفاده از ثمره انقلاب سفید ایران است که بقول شاهنشاه :

«... ما در زمینه ساختن زیربنای استوار اقتصادی ، تنظیم و اجرای برنامه‌های صنعتی کردن کشور ، عقد قراردادهای بسیار مهم صنعتی و بازرگانی و فنی ، ایجاد صنایع سنگینی مانند ذوب آهن و آلومینیوم وصنایع پتروشیمی ، تقویت صنایع داخلی تهیه بازارهای تازه فروش و بسیار موارد دیگر به موفقیت‌های وافتخارات بی‌سابقه‌ای ... توانسته‌ایم نائل آئیم .»

واین برنامه‌ها در آینده همچنان باید با وسعت وگسترش بیشتری بمرحله اجرا وعمل درآید . اینجا است که باید گفت نسل جوان ایران وظیفه‌های بس سنگین وحساسی را در مقابل دارد امااین را هم باید گفت که در قبال آن آینده‌ای بس روشن و تابناک نیز در پیش دارد که بس افتخارآمیز و غرورانگیز خواهد بود .

انقلاب سفید ایران تنها به تحولات شگرف داخلی اکتفا نکرده بلکه درسیاست خارجی ایران نیز تحت رهبری شاهنشاه آریامهر که باسیاست مدبرانه خود مورد احترام و تجلیل کلیه بزرگان وسیاستمداران جهان میباشند تأثیر بسزائی گذارده است و برای توجیه سیاست خارجی ایران نیز بذکر قسمتی از بیانات شاهنشاه آریامهر اکتفا میکنیم : «بنابراین خطوط اصلی سیاست بین‌المللی ما بر پایه اصل مشخص صلح‌جوئی صمیمانه ، همزیستی و تفاهم باکلیه کشورها و جوامع ولو باسیستمهای حکومتی و ایدئولوژیهای متفاوت ، طرفداری از هرگونه کوششی برای استقرار و تقویت عدالت اجتماعی چه در سطح ملی وچه در سطح بین‌المللی ، پشتیبانی از هرگونه تلاش جهانی برای تعدیل فاصله بین جوامع غنی و فقیر ، همکاری بین‌المللی درمبارزه با بیسوادی و گرسنگی و بیماری و سایر بلایای اجتماعی عصر حاضر طراحی شده است و بر اساس همین خطوط اصلی است که ما در هر مورد با قاطعیت و بدون تردید و تزلزل میدانیم در مسائل مختلف بین‌المللی چه راهی را باید پیش گیریم و از چه اصول وموازینی باید دفاع کنیم .»

پیروی از این سیاستهای مدبرانه داخلی وخارجی است که ملت ایران را در موقعیت اجتماعی خاص فعلی قرار داده است واینک موقع آن فرا رسیده است که بدون کوچکترین تردید با همکاری وهماهنگی و یکپارچگی راهی راکه باهدایت و راهنمائیهای پیشوای گرانقدر خود در پیش داریم ادامه دهیم . عقب ماندگیهای گذشته را جبران نمائیم کشور وملت خود را در زمره بزرگترین کشورهای مترقی جهان درآوریم . با منابع گرانقدری که طبیعت بملت ایران ارزانی داشته و با نیروی مغز و جسمی ملت ایران این آرزوها دور نیست و مطمئناً جامه عمل خواهد پوشید . بامید آن روز .

عبدالمجید رمضانی

سیمای سینمای ایر

بررسی کاملی از آنچه درزمینه سینما در

● نمیتوان گفت که سینما در کشورما ، همگام باتحولات چشمگیری که درجامعه‌مروی داده‌است نبوده ، زیرا اگر این پدیده بزرگ قرن‌ما ازسطوح مختلفش بررسی گردد ملاحظه‌میگردد که در سیر تاریخی خوددردهه اخیر بیش‌ازهرزمانی باگسترش وپیشرفت خود معرف‌فرهنگ وتمدن کنونی سرزمین‌ما بوده است هرچند که شایدبعلت ریشه‌های عمیق‌مذهبی ، جامعه‌ما نتوانسته‌است ، سینمارا بعنوان یك‌وسیله متحول وموثر درپیشرفت اخلاق‌اجتماع‌بداند .

نگاهی‌بکلیه محصولاتی که درطی ۲۵سال اخیر در کشور ما درزمینه تهیه‌فیلم‌های داستانی ، ساخته‌شده‌است نشان‌میدهد که‌قریب ۷۰ درصد آن‌درطی ده‌سال‌اخیر و۳۰ درصد آن‌در طول ۱۵ سال قبل‌از آغاز انقلاب‌سفید ایران‌تهیه شده‌است .

آمارو‌ارقام نشان‌دهنده این‌واقعیت است که‌پیوسته سینما در ایران ازجهت تهیه‌فیلم وگسترش بازار روبتزاید داشته‌اشت‌وعقب نشینی در آن‌وجود نداشته‌واین پیشرفت‌بموازات پیشرفت‌های‌دیگر اجتماع در سایر زمینه‌ها بوده‌است .

اینك‌بدنیست قبل از آنکه‌ازجهت اقتصادی بسیرتحولات‌نوین سینمای ایران‌درده‌سال گذشته نظر افکنیم ، آماری ازتهیه ونمایش فیلم ایرانی‌را درده‌ساله‌انقلاب مطالعه کنیم

دوماهه پایان ۴۱	۷ فیلم
سال ۱۳۴۲	۳۱ فیلم
سال ۱۳۴۳	۳۶ فیلم
سال ۱۳۴۴	۴۰ فیلم
سال ۱۳۴۵	۵۱ فیلم
سال ۱۳۴۶	۵۱ فیلم
سال ۱۳۴۷	۷۱ فیلم
سال ۱۳۴۸	۴۹ فیلم
سال ۱۳۴۹	۵۸ فیلم
سال ۱۳۵۰	۸۱ فیلم
سال ۱۳۵۱ (تا بهمن‌ماه)	۷۰ فیلم
مجموع	۵۲۵ فیلم

ارقام‌فوق نشان‌میدهد که بطورمتوسط درطی هرسال ۵۳فیلم درایران تهیه‌وببازار عرضه گردیده است‌واگر بطورمتوسط برای تهیه‌هر فیلم‌حدمتوسطی ۵میلیون‌ریال درنظر بگیریم‌وبا توجه‌بفیلم‌های نمایش‌داده‌نشده که‌تهیه‌شده‌است این‌رقم‌به ۶۰۰فیلم میرسد که‌مجموع سرمایه‌گذاری‌دراین کاربه(۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰) سه‌میلیارد‌ریال‌بالغ میگردد وجالب آنکه این‌سرمایه‌گذاری بصورت راکدنبوده‌وپیوسته درجریان وتولیدشغل‌های تازه‌وکارهای تازه‌نموده‌است .

ازجهت‌اقتصادی شایدیکی ازمهمترین بخشهای خصوصی و عمومی‌باشدکه تااین حددرآن سرمایه‌گذاری گردیده‌است و این سرمایه‌گذاری دائم‌بصورت تزایداست . پیشرفت‌وگسترش سینمادر ایران که همپایه باده‌ه‌انقلاب سفیدایران است‌اگر ازجهات مختلف موردبررسی قرارگیرد میتواند اهمیت‌واقعی خویش‌رانمایان‌سازد

الف : ایجاد کار

برای‌هرفیلم ایرانی که ساخته می‌شود تعدادی مابین بیست تاپنجاه‌نفر بکارخواهندپرداخت که معمولا حدمتوسط آغازوانجام این‌کار بین‌شش تا۸۰اماه‌است واین تنها مربوط بزمان تهیه‌فیلم از شروع کار تازمان نمایش‌است زیرا بعدازآماده‌شدن فیلم برای نمایش گروه دیگری بکارخواهندپرداخت تاآنرا بنمایش گذارده وتوزیع نمایند .

بنابراین در هرسال جهت تهیه‌فیلم ایرانی‌حدود۲۵۰۰۰ نفر بکارمی‌پردازند که‌این رقم‌بااحتساب کلیه عوامل انسانی که‌در این‌زمینه کارمیکنند بیکصدهزارنفر میرسد ، بدین‌ترتیب سینمای ایران‌ازجهت‌تولید کارهرساله‌برای‌یکصدهزارنفرتولید شغل می کند.

ب : جلوگیری ازخروج ارز

مطالعه دقیق‌درمورد ، ورودفیلمهای خارجی درقبل از دهه انقلاب وزمان کنونی نشان‌دهنده این‌حقیقت است که سینمای ایران همزمان بابارورشدن خودتوانسته‌است کاملا یك‌سپردفاعی کامل‌برای جلوگیری ازخروج ارزازکشورباشد .

یك‌ارقام تائیدنشده نشان‌میدهد که قبل‌از دهه‌انقلاب‌هرساله برای‌ورود پانصدتاششصد فیلم‌خارجی بایران معادل هفتصد وپنجاه میلیون‌ریال ارزازکشور خارج میگردیده‌است واکثر وجوهی که برای‌خرید فیلم‌خارجی پرداخت‌میگردیده است‌باعث‌ورودفیلمهای معمولی ومبتذل خارجی‌میشده‌است امابموازات گسترش کار سینمادر ایران وتهیه‌تعداد بیشتری فیلم‌درایران اینك‌این‌رقم به دویست و پنجاه‌میلیون ریال‌رسیده است‌ودرحقیقت سالی‌پانصد میلیون ریال جلوگیری‌ازخروج ارزرا‌ایده پیشرفت سینمادردهه‌انقلاب بوده‌است.

ج : ورود ارز

باآنکه‌فیلم‌ایرانی‌وصنعت‌سینمای ایران‌یك‌سینمای‌ناشناخته

ان در دهه انقلاب

دهسال اخیر رویداده است

درسراسر جهان است وازآن نامی درهیچ یك ازنشریات ومطبوعات سینمائی جهان برده نمی‌شود ، معهذا تلاش تهیه کنندگان برای فروش محصولات خود بسایر کشورها نتایج سودبخشی داشته ودرطی سالهای اخیر توانسته‌اند بازارهای فروش تازه‌ای علاوه بر بازارداخلی بدست آورند . هرچندکه درآمد ارزی که ازراه فروش فیلم بکشورهای خارج رقم بسیارقابل ملاحظه‌ای راتشکیل نمیدهد ، اما خوشبختانه این ارقام روبتزاید است و هرسال افزایش می‌یابد ، معهذا نباید نادیده انگاشت که هرساله رقمی مابین ده تا پانزده میلیون ریال از راه فروش فیلم‌های ایرانی بخارج وارد کشور میگردد .

د : اشباع بازار داخلی

توفیق مدام فیلمهای ایرانی دربازار داخلی موجب گردیده است که این بازار بطورکامل دراختیار فیلم ایرانی قرارگیرد و سینمای ایران بتواند بازارداخلی را اشباع کند . آمار تهیه شده نشان میدهد که هرساله بطور دائم مابین ۶۰ تا ۷۰ درصد کلیه سینماهای ایرانی بنمایش فیلم ایرانی میپردازند واین رقم را اگر بارقم ۵ درصدی که قبل ازآغاز دهه انقلاب تشکیل میداد مقایسه کنیم ، می‌توانیم مشخص کنیم که چه پیشرفتی دراین میان حا ل گردیده است.

ه : پیروزیهای جهانی

دردهساله اخیر بموازات گسترش فیلم درایران ازجهت کمیت، ازجهت کیفیت نیز بمدارجی عالی دست یافته است واین توفیق از ۵ سال قبل که زمزمه ایجاد یك سینمای تازه درایران پدیدآمدوسینمای ایران بیك جوانگرائی نوجویانه دست زده آغازشد بطوریکه در یکی دوسال اخیر فیلمهای فیلمسازان جوان توانسته است درفستیوال‌های جهان بکسب توفیقهای عظیم نائل شود وجوایزی نخست دربعضی ازفستیوالها ، کارگردانان ، بازیگران و فیلمهای ایرانی بدست آورند که دراین زمینه میتوان ازگاو ، هالو ، پستچی ، آرامش در حضوردیگران ، بی‌تا ، داش آکل وچندین فیلم کوتاه دیگر نامبرد. همین فیلمها نیز سبب گردیده که برای فروش بکشورهای بزرك فروخته شود .

و : پیشرفت تکنیك

سینمای ایران دردهسال اخیر از جهت تکنیکی بموفقیتهای بزرگی دست یافته است ومتخصصین و تکنسین‌های کارآزموده‌ای اینك درصنعت سینمای ایران بکارمشغولند که توانسته است ازجهت ایجاد یك تکنیك برتر ـ تاحدامکان ـ سینمای ایران راهمپایه کشورهای بزرك فیلمساز نمایند بطوریکه میتوان گفت درخاورمیانه بعدازژاپن وهندوستان ایران تنها کشوری است که ازجهت تکنیکی سینمای پیشرفته‌تری دارد . مهم‌تر آنکه بجز وسائل جدیدی که درسینما اختراع میگردد وامکان تهیه آن در ایران میسرنیست ، بسیاری ازدستگاههای موردلزوم استودیوها ومراکز فیلمسازی در ایران ساخته میگردد .

ز : افزایش دانش عمومی

سینمای ایران دردهه انقلاب بموازات پیشرفت وگسترش خود در کشور سبب بدست آوردن تماشاگران زیادتری برای فیلم شده است این تماشاگران بموازات دیدن فیلم ، بدون تردید ازطریقه سمعی و بصری بکسب دانش عمومی وآگاهی‌های اجتماعی خویش پرداخته ودرراه تنویر افکار خود برآمده‌اند وبتدریج از طریق سینما توانسته‌اند دانش کلی خودراگسترش دهند که بیگمان هیچ وسیله‌ای جزسینما نمیتوانسته است دراین مورد موثر واقع گردد .

ح : جلوگیری ازفرار مغزها

دگرگونی سالهای اخیر سینمای ایران که سرمنشاء آن همانا ایجاد انقلاب سفید ایران بوده است ، سبب گردیده بسیاری ازجوانان علاقمندی که درزمینه سینمادرخارج ازکشور تحصیلات عالی داشته‌اند هنگام بازگشت بکشور بتوانندکار دلخواه خویش را دنبال کنندودر خدمت سینمای ایران درسطوح مختلف آن بکارمشغول شوند بخصوص اینکه این همکاری وهمفکری بااندیشمندان جوان درزمینه تهیه فیلمهای داستانی زیادتربوده وازاین طریق نیزسینمای ملی ایران توانسته است دربسیاری مواردازفرار مغزها جلوگیری نماید.

ط : افزایش درآمد عمومی

درطول دهه انقلاب بعلت ایجاد زمینه برای تولیدفیلم و افزایش کار و پیروزیهای چشمگیر مالی فیلمها باعث شده است که دستمزدهای هنرمندان ، اکیپ فنی وسایردست اندرکاران سینماهزار درصدترقی کند ودرحدود ده برابر شود . تااواسط دهه گذشته حداکثر دستمزدهنرپیشگان رقم دویست هزارریال راتشکیل میداد درحالی که اکنون بمرز دووسه میلیون ریال رسیده است همچنین سایرمسائل مربوط بتهیه فیلم. بدینطریق سینمای ایران دردهه انقلاب توانسته است باافزایش دستمزدها موجب رفاه عمومی زندگی عاملین این کار

● سه‌میلیارد ریال درده‌سال اخیر در کار تهیه فیلم سرمایه‌گذاری شده است

● درهر سال ۲۵۰۰۰ نفر در کار فیلمسازی بفعالیت مشغولند

● در ده‌سال گذشته درهر سال بطور متوسط ۵۲فیلم در ایران تهیه شده‌است

رافراهم آورد ، مهمتر ازهمه آنکه جلب تماشاگر بیشتر وفروش زیادتر فیلمها سبب گردیده است درآمدهای عمومی دولت از این طریق بنسبت قابل توجهی افزایش یابد و بموازات اضافه گردیدن دستمزدها ، دریافت مالیات‌ها نیز قوس صعودی را طی نماید .

●

بررسی سطوح فوق نشان‌دهنده این واقعیت است که سینما درایران همگام باهمه موازین اجتماعی وپدیده‌های انقلاب اساسی ایران پیشرفته‌است وتوانسته است خودرا باانقلاب سفید ایران همگام وهمراه سازد . اگر اینك کشور ما یك سینمای متفکروخوب بوجود آورده . این سینمادارد ازبطن سینمای قدیمی وکهنه ایران متولد میشود وهرساله برشدخود ادامه میدهد وباارائه فیلمهای خوب ، فکر تماشاگر رانیز پرورش داده‌او رابعوض آنکه درسطح فکر کند ، بعمق میکشاند وبهمین سبب است که اینك ، درپایان نخستین دهه‌انقلاب دیگر آثار کسانیکه خودرا بازمان هم‌آهنگ نمیسازند خریداری ندارد وبتدریج سینمای ایران بدست فیلمسازان جوان و صاحب‌فکر می‌افتد واین‌همان مسئله‌عمده‌ای است که هدف اساسی انقلاب درزمینه ارتقاءسطح‌دانش‌عمومی بوده‌است . درده‌سال گذشته علاوه برعواملی که موجب‌رشد فکری فیلمساز وارزش‌های معنوی فیلمها شده‌است عوامل‌دیگری نیزدرپیشرفت سینمای ملی ایران موثربوده‌است . این‌عوامل ازدوجهت میتواند موردتوجه‌قرار گیرد یکی ازجهت مطبوعات که درچندسال اخیرسبب شده‌است که بیش از پیش بسینمای جوان‌ایران توجه‌عمیق معطوف دارند وبحمایت از فیلمسازان صاحب‌سبك وفکور بپردازند وبانالیدها ، تشویق‌ها ، انتقادات خود موجب پیشرفت کار گردند وازسوی دیگر ایجاد جشنواره‌های داخلی (جشنواره سلطنتی فیلم ایرانی- جشنواره سپاس) عامل موثردیگری درپیشبرد سینما درایرانی‌بوده‌است و فیلمسازان اینك بیش‌از هرزمان برای کسب جوایز جشنواره‌های داخلی به‌ارائه کارهای باارزش‌تری می‌پردازند .

گسترش سینمادرایران تنهاازجهت تهیه فیلمهای طویل و داستانی نبوده‌است ، درجوار ساختن فیلمهای‌ایرانی ، ایجادکانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان که قسمتی ازفعالیت آن‌درزمینه تهیه‌فیلمهای کوتاه‌مدت است‌وهمچنین مرکزسینمائی وزارت‌فرهنگ وهنر وسازمان رادیوتلویزیون ملی‌ایران که تمام آنها ازپدیده‌های انقلاب‌سفیدایران‌است ، توانسته‌اند مکتبی‌برای فیلمسازی‌جوانان باشند وبپرورش استعدادهای درونی افراد بپردازند‌ودر مجامع جهانی‌موفقیت‌های‌زیادی بدست آورند .

ازجهت‌دیگر‌ی‌مطبوعات‌سینمائی ایران که قبل‌ازدهه‌انقلاب باتیراژ محدودوعدم‌امکانات‌بسیارمحدود منتشرمیگردیدند همزمان بادهه‌انقلاب بسوی‌توفیق‌های اجتماعی بسیار تاخته‌اند . هرچند اینك بجز‌دونشریه سینمائی در کشور منتشرنمی‌گردد، معهذا همین دونشریه توانسته‌اند درپیشبرد افکار عمومی نسبت‌بسینما و دانش سینمائی‌جوانان کشور موثرومفید واقع گردند .

برگزاری فستیوال‌های مختلف در کشور نیز توانسته است درمعرفی سینمای‌ایران بجهان‌موثر واقع‌افتد وآثار فیلمسازان ایرانی‌را درمعرض‌قضاوت داوران بین‌المللی قراردهد .

درحال‌حاضر ۵ فستیوال فیلم‌درایران برگزارمیگردد که سه‌جشنواره آن جنبه جهانی وبین‌المللی دارد ودو جشنواره جنبه داخلی .

بدین‌ترتیب مشاهده‌میگردد که فیلم‌ایرانی نیز همپایه‌سایر تحولات اجتماعی درحدخود توانسته‌است موفقیت‌های بسیار بدست آورد واگردر آن حدکه دولت بسایر صنایع توجه‌میکند‌بسینمای ایران نیزتوجه میشود چه‌بسا فیلمسازان‌ایرانی میتوانستند که‌هر ساله‌میلیونها ریال‌ارز ازراه‌فروش فیلمهای خود ببازارهای جهان بکشورسرازیر نمایند .

امیدآن‌است باتدارك‌وسیعی که دولت کنونی برای حمایت ازصنعت سینمای ملی‌ایران دیده‌است ودربرنامه عمرانی‌پنجم نیز آنرا گنجانده است‌سینمای ایران‌بتواند دردهه آینده راه‌ببازارهای کشورهای بزرگ‌جهان پیدا کند واز این راه فیلمسازان ایرانی بتوانند معرف‌فرهنگ وتمدن کشور کهنسال ما بجهانیان‌باشند .

نشریه هفتگی ، فیلم و هنر
صاحب امتیاز و مدیر : عبدالمجید رمضانی
آدرس اداره : ابتدای روزولت - شماره ۲ - آپارتمان شماره ۱۰ - شماره صندوق پستی : ۱۹۴۷
تلفن اموراداری : ۸۳۹۹۷۱ تلفن هیئت تحریریه : ۹۳۲۶۳۵
چاپ تهرانمصور (تلفن ۳۱۵۱۸۰)
گراور از : جواهری (تلفن ۳۱۴۳۱۱ — ۳۹۲۴۱۱)
روی جلد: ملك مطیعی و وثوق هنرمندان‌فیلم «عاصی»
تابلوها : امین‌امینی — جین‌باری

بزرگ شهریارا

جشن پرشکوه بزرگداشت دهمین سالگرد انقلاب
سفید شاه و ملت را که چون گوهری بر تارک
پرافتخار دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران
میدرخشد به پیشگاه مبارک آن رهبر خردمند و
عدالت گستر تبریک و تهنیت عرض نموده و آمادگی
خود را در راه جانبازی و خدمت برای بثمر رساندن
اصول انقلاب مقدس اعلام میدارند .

اعضاء اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران

ازمیان کوره راه‌های زمان، خورشید فروزانی بر پهن دشت این سرزمین بزرک تابیدن گرفت ودر بهمن‌ماه ۱۳۴۱ با انقلاب بزرک و عمیق خویش فصل پرشکوه و تابنده‌ای بتاریخ پرافتخار کشور افزود.

پایان نخستین دهه انقلاب را گرامی میداریم و فرارسیدن ششم بهمن‌ماه، روز پرشکوه ملت را بهمه‌شادباش میگوئیم.

شرکت استودیو پارس‌فیلم

جاوید و جاویدان بودن ، زنده و پایدار بودن و پیش رفتن ، اینست رمز بقاء ملت کهنسال ما و اینك که آغاز تمدن بزرك ملت فرامیرسد و تاریخ کهنسال ما اوراق زرینی بصفحات خود میافزاید سپاس میگوئیم رهبر خردمندی راکه با منشور دوازده گانه خود ، ایرانی متمدن و آباد بوجود آورد و پاسدار بقاء و موجودیت نژاد آریا شد.

نخستین دهه انقلاب را گرامی داشته و ششم بهمن ماه روز بزرگداشت انقلاب سفید ایران را بهمه هموطنان عزیز تبریك میگوئیم .

(تینا فیلم)

شاهنشاها...

پایان نخستین دهه انقلاب را گرامی میداریم و فرارسیدن ششم بهمن ماه را بپیشگاه آن پدر تاجدار صمیمانه تهنیت میگوییم.

آرزومندیم رهبری آن شاهنشاه عظیم الشأن باالهام از اصول دوازده گانه انقلاب سفید ایران همه مردم میهن ما از سعادت و خوشبختی کامل برخوردار گردند.

شرکت سینما تئاتر رکس

انقلاب سفید شاه و مردم که در ششم بهمن‌ماه هزار وسیصد وچهل ویك شالوده آن ریخته شد کشور مارا آنچنان دگرگون و متحول نمود که درمدت ده‌سال اخیر ، بیش از یکقرن گامهای بلندی بسوی تمدن بزرك خود برداشته است .

صنعت سینمای ملی ایران نیز در ده سال گذشته توانسته است همگام با سایر تحولات و پیشرفت‌های همه‌جانبه‌ای که‌درصنایع کشور پدیدآمده ، بصورت یك‌صنعت فعال، زنده وپیروزمند منعکس کننده جلوه‌های درخشان انقلاب بوده و در فستیوالهای بزرك جهانی موفقیت‌های عظیمی کسب‌کند .

استودیو نقش جهان مفتخر است صمیمانه ترین تبریکات خود را بمناسبت آغاز ششم بهمن ماه بپیشگاه شاهنشاه آریا مهر رهبر خردمند خودتقدیم داشته وجاودانگی وبقاء سلطنت دودمان پهلوی را آرزو نماید .

استودیو نقش‌جهان

با کمال خرسندی و افتخار پایان نخستین دهه انقلاب سفید ایران و فرارسیدن ششم بهمن ماه را شادمانه گرامی میدارد و آرزومندست ملت نجیب ایران تحت رهبری‌های خردمندانه شاهنشاه آریامهر به ترقی و تعالی بیشتری دست یابد

استودیو کاسپین

پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر

فرارسیدن ششم بهمن ماه را که همزمان با پایان نخستین دهه انقلاب سفید ایران است، بحضور اقدس ملوکانه تهنیت میگوید و دوام و بقای سلطنت آن رهبر عظیم الشان را مسئلت دارد.

سازمان سینمائی تخت جمشید

فرارسیدن ششم بهمن ماه را که طلیعه گشایش دریچه‌های سعادت و خوشبختی بروی ملت ایران است، به پیشگاه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و عموم ملت ایران تبریک میگوید و آرزومند است جامعه هنرمندان ایران در سایه توجهات رهبر خردمند خود، برفاه و تعالی بیشتری دست یابد.

سازمان سینمائی سپنتا

عالیترین احساسات ملی و میهنی سالروز تاریخی ششم بهمن ماه را که تجلی بخش مظاهر عظیم انقلاب شاه و مردم در کلیه شئون ملی و اجتماعی کشور میباشد به پیشگاه شاهنشاه آریامهر رهبر بزرگ انقلاب و ملت ایران تبریک و تهنیت عرض مینمائیم.

شرکت آریاپاکس

شکوهمند جشن دهۀ انقلاب سپید را که به یمن آن مردم این سامان بعالیترین مرحله سعادت و نیک بختی رسیده است؛ بعموم ملت ایران تبریک گفتهٔ و دوام سلطنت شاهنشاه آریامهر را ازخداوند متعال خواستاراست.

اسکار فیلم

باقلبی سرشار از شوق و شعف نخستین دهه انقلاب سفید ایران
را که سبب تحول و دگرگونی عظیم در کلیه شئون فرهنگی، اجتماعی و
هنری کشور گردیده است به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تهنیت
میگوید.

شرکت یزدفیلم

ششم بهمن، روز درخشان انقلاب سفید ایران و سرآغاز تاریخ
نوین ملت ایران را که باعث تحولات عمیق اجتماعی کشور است،
صمیمانه به پیشگاه شاهنشاه آریامهر و هم میهنان عزیز تبریک میگوید.

(هلن فیلم)
سازمان تهیه و توزیع فیلم

فرا رسیدن ششم بهمن ماه ، روز انقلاب سفید ایران، روز تجلی پیوند عمیق شاه و ملت، روز آغاز زندگی نوین جامعه، و روز پرشکوه و تابنده تاریخ کشور را بهمه هموطنان عزیز تبریک میگوئیم.

سازمان سینمائی مشعل (آرمان)

ده سال قبل ، ملت ایران باپاسخ مثبت بندای رهبر خردمند خویش دوران سیاه زندگی خودرا بفراموشی سپرد و تمدن بزرگ خودراکه در آن رفاه عمومی و سعادت جامعه سرمنشأ بود ، آغازکرده اینک که نخستین دهه آن پایان می‌یابد و روز فرخنده ششم‌بهمن فرامیرسد ، صمیمانه خودرا درشادی بزرگ هموطنان شریک میدانیم و جاودانگی سلطنت شاهنشاه آریامهر رااز درگاه خداوند خواستاریم

شرکت فیلمکو فیلمز

رویدادها



ناصر ملك مطیعی و گرشا رئوفی درصحنه‌ای ازفیلم «سراب»

صحرای تاتارها « هنرمندان ایرانی وخارجی‌در برابرهم»

● ژان‌لوئی برتوچلی کارگردان نوجوی فرانسوی که قبلا فیلم«باروهای کاهگلی» را که برنده‌جوایز متعدددرفستیوالهای جهانی است ساخته است ، بزودی با سرمایه‌گذاری ایرانی وفرانسوی فیلم‌صحرای‌تاتارهارا درایران باشرکت هنرپیشگان خارجی وایرانی خواهدساخت.

پیترفینچ وژاك‌پرن‌ازجمله هنرپیشگان خارجی این فیلم و بهروزوثوقی، تقی‌مختار ، آرمان وسعید راد از جمله هنرپیشگان ایرانی این فیلم خواهند بود. مذاکرات اولیه برای ساختن فیلم انجام شده و بزودی نتیجه قطعی معلوم خواهد شد.

سراب رو باتمام

● فیلمبرداری صحنه‌های داخلی فیلم«سراب»، که صحنه‌های خارجی آن‌در اندیمشك‌فیلمبرداری شده چند روزی است در تهران آغاز گردیده وهم‌اکنون آخرین مراحل آن طی می‌شود. درسراب که محصولی است از سازمان سینمائی زورك و بکارگردانی فریدون‌زورك توسط‌احمدشیرازی فیلمبرداری میشود ناصر ملك‌مطیعی ، مرجان، گرشا ، شهلا، حسین‌گیل ، قدکچیان و میری شرکت دارند.

نمایش مستاجر

● فیلم مستاجر محصول سازمان سینمائی مشعل بعد از تعطیلات محرم ازروز بیست‌وهفتم بهمن‌ماه بروی اکران میآید. دراین فیلم که بکارگردانی آرمان توسط قاسمی‌وند فیلمبرداری‌شده است ارحام‌صدر، آرمان، پروین ملکوتی ، سیمین ، پژوهان و آقاجانی شرکت دارند. مستاجر را آرمان تهیه نموده.

برهنه تاظهر با سرعت

● خسروهریتاش سازنده‌ی فیلم«آدمك» تاکنون نیمساعت از دومین فیلم‌طویل خودراموسوم به «برهنه‌تاظهر باسرعت» که‌محصولی است از استودیومیثاقیه کارگردانی کرده‌است.دراین‌فیلم که‌فیلمبردار آن «هوشنك‌بهارلو» است‌فرامرز صدیقی ، ایرن ، فرشته جنابی ، جنتی‌شیرازی‌وبهروزبه‌نژادشرکت دارند. فرامرزصدیقی که‌رل‌نخست این فیلمرا بعهده دارد قبلا نقش کوتاهی ازفیلم «زن باکره»را بازی کرده است . وی‌هنرپیشه تئاتر است‌که اخیراً همراه‌فرزانه تائیدی‌پیس «مادموازل ژولی» را بازی‌نموده‌بود.

تکرار شد

● قضیه عدم استقبال مردم جنوب‌شهرازفیلمهای‌نصرت کریمی که قبلا با فیلمهای درشکه‌چی ، محلل، حکیم باشی وحسن‌سیاه ثابت شده بود بار دیگر بافیلم «تختخواب‌سه‌نفره» تکرار شدودر حالیکه سینماهای بالای‌شهر این فیلم خوب کار میکنند سینماهای جنوب‌شهربطرزمحسوس‌ازی‌بدکار میکنند.

خوش غیرت

● پرویز نوری که اکنون فیلم«عیالوار» راباشرکت نصرت کریمی و پوری‌بنائی آماده‌نمایش دارد واحتمالا عیدنوروز به روی اکران خواهدآمد از هفته‌آینده کارگردانی‌فیلم تازه‌ای را آغاز خواهد کردموسوم به«خوش‌غیرت» که در آن همایون، نوری کسرائی، پرویز فنی‌زاده، تحدد ، شهناز، شرازه ، تهرانچی وعده‌ای دیگر شرکت دارند. سناریوی‌این فیلم را که توسط همایون ازجمله فیلمبرداری خواهد شدنوچهر جوانفر نوشته‌است‌وتهیه کننده‌آن روبیك‌منسر کیهان‌تهیه کننده فیلم عیالوارمیباشد

مونتاژقصه ماهان‌تمام شد

● این هفته مونتاژ فیلم «قصه ماهان» توسط جوادطاهری سازنده‌ی‌آن دراستودیو فیلمکار بپایان رسید. دراین فیلم که اولین محصول سازمان سینمائی مهرا‌ست و بکارگردانی جواد طاهری توسط علی صادقی در ماهان کرمان فیلمبرداری شده شیرانداعی، کامی کسروی، محمد علی‌کشاورز ، امرالله صابری و چهره جدید نوش آفرین شرکت دارند. سناریوی قصه ماهان را ایرج رضائی نوشته و تهیه‌کننده آن حسنعلی شریفی است

دوبله ستارخان‌به‌ترکی

● هفته‌گذشته بعد ازاتمام صدابرداری فیلم‌ستارخان‌به‌زبان فارسی این فیلم‌دراستودیوهاملت فیلم به زبان ترکی نیز نمایش داده شد. ستارخان قراراست بعد ازتعطیلات محرم در گروه‌آسمان ترکی نمایش‌داده شود سناریست وکارگردان ستارخان علی‌حاتمی وفیلمبردار آن که بطور رنگی انجام شده هوشنگ بهارلواست.

دراین فیلم‌که محصولی‌است ازگروه‌آزادنمایش‌وتوسط‌شرکت سهامی سینما تئاتر ر...س پخش میشود علی نصیریان ، عزت‌اله انتظامی پرویزصیاد، عنایت‌بخشی، جهانگیرفروهر، اریمان، جلال‌و عده‌ای دیگرشرکت دارند. قرار است‌ستارخان‌دراستان آذربایجان ویکی ازسینماهای تهران‌بزبان ترکی نمایش داده شود.

فیلم تازه شیبانی

● جمشیدشیبانی‌مدیرعامل سازمان سینمائی تخت جمشید د.



● ایرن، جنتی شیرازی، فرامرز صدیقی و فرشته جنابی در دو صحنه از دومین فیلم «خسرو هریتاش» بنام «برهنه تا ظهر با سرعت»



صدداشت خود یکی از محصولات تازه این سازمان را کارگردانی نماید. نقش اصلی این فیلم را که توسط شکرالله فهمی فیلمبرداری خواهد شد یک ایمانوردی بازی مینماید نام فیلم و سایر بازیگران آن را در شماره آینده درج خواهیم کرد.

درشیراز وجهرم

● هفته آینده اکیپی از طرف پزد فیلم جهت شروع تهیه فیلم «عروس و مادرشوهر» بشیراز وجهرم سفر خواهند کرد. در این فیلم که سناریست و کارگردان آن جواد طاهری و فیلمبردارش علی صادقی است منوچهر وثوق، مهری، بهمنیار، اسداله یکتا، پروین ملکوتی، مهری ودادیان، ناهید، اونیک ومحمدعلی همدانی شرکت دارند.

قرار بود نقش ستاره نخست این فیلم را «نوش آفرین» چهره جدیدی که با فیلم «قصه ماهان» توسط جواد طاهری معرفی میشود بازی نماید ولی چون او با فیلمکو-فیلمز برای بازی در فیلم دشمن قرارداد بسته است لذا بجای وی ستاره دیگری این نقش را بازی خواهد کرد.

مونتاژ فراق

● هم اکنون مراحل مونتاژ فیلم «فراق» طی میشود در این فیلم که سناریست و کارگردان آن ناصر محمدی و فیلمبردارش جمشید الوندی است و محصولی است از دیاموند فیلم سهیداد، کارمن اسکولی، محسن سهرابی، اجدد، منوچهر احمدی، شاپرک، جنتی شیرازی و رمضانی فر شرکت دارند. فراق در شیراز فیلمبرداری شده است.

تهران ۵۱

● خسرو پرویزی برای وزارت فرهنگ وهنر فیلم تازه ای ساخته است بنام «تهران ۵۱» که مورد توجه مخصوص وزیر فرهنگ و هنر قرار گرفت و کارگردان آن مورد تمجید قرار گرفت.

موضوع فیلم «تهران ۵۱» درگیری مردم محیط شهرها با غول صنعت و ماشین است که با طرزی کوبا پرداخته شده است. این فیلم در ایام جشن های فرخنده دهمین سال انقلاب در تمام سینماهای کشور وموسسات فرهنگی وهمچنین در دوابستگی های ایران در کشورهای جهان بنمایش درمیآید.

طوق لعنت

● عزیزاله بهادری که اینک مشغول باتمام رساندن فیلم مناجات برای اسکار فیلم است قراردادی دارد تا بموجب آن به زودی کارگردانی فیلم دیگری را بنام «طوق لعنت» آغاز نماید در این فیلم که توسط مازیار پرتو فیلمبرداری خواهد شد بهک ـ ایمانوردی، ملوسک، جلال، فرنگیس فروهر و بهمن مفید شرکت دارند. فیلمبرداری طوق لعنت بعد از بپایان رسیدن فیلمبرداری «مرواریده» که اکنون در بندرعباس جلوی دوربین است وهمراجعت بهمن مفید بتهران آغاز خواهد شد.

احمدی بجای خیاط باشی

● چون از طرف تلویزیون برای بازی خیاط باشی در فیلمها موافقت نمیشود لذا بجای وی که قرار بود در فیلم «جعفر جنی و محبوبه اش» ایفاگر یکی از رلهای عمده باشد، مرتضی احمدی انتخاب شد. این فیلم که سناریوی آنرا حبیب اله کسمائی نوشته، بکارگردانی رضا صفائی توسط کمال مطیعی فیلمبرداری می ـ شود ودر آن که سازندگانش این هفته برای تهیه قسمتهائی از آن بشمال خواهند رفت علی تابش کتایون، مهری، مرتضی احمدی و چهره های جدید شهرآشوب و منصورخاکی شرکت دارند.

صدابرداری نبرد

● این هفته صدابرداری فیلم «نبرد» که قبلا خشم قهرمان نامداشت زیر نظر ایرج ناظریان دراستودیو هامات فیلم انجام می شود. در این فیلم که تهیه کننده آن رضا بیک ایمانوردی است و بکار- گردانی ناصر رفعت توسط کریم دوامی فیلمبرداری شده است، بوتیمار، کتایون، حسین گیل و سرکوب شرکت دارند.

فروش فیلمها

● فیلم «تولدت مبارک» تا روز جمعه گذشته حدود ۵۴۰ هزار تومان و فیلم «تختخواب سه نفره» در پنج روز اول نمایش ۳۶۰ هزار تومان فروش نموده است جمع فروش فیلم «صمد و فولادزره دیو» ۳۹۰ هزار تومان شد و نمایش آن در سینماهای رکس ودیانا ادامه یافت فیلم توبه «اکران دوم» درسه روز اول نمایش خود ۱۲۰ هزار تومان فروش کرد.

فیلم «بی تا» طی یکماه تا روز جمعه گذشته تنها در سینمای کاپری ۶۱۱ هزار تومان فروش کرد و نمایش آن کماکان ادامه دارد.



منوچهر وثوق و لیدادانشور در صحنه‌ای از فیلم «مردی بنام طاهر»



سعیدراد و کارمن اسکوئی درصحنه‌ای ازفیلم «فراق»



پروین ، ارحام‌صدر ، آرمان، پژوهان و آقاجانی در صحنه‌ای از فیلم «مستاجر» ،که بزودی نمایش داده‌خواهدشد .



امراله صابری و نوش آفرین ، در صحنه‌ای از فیلم «قصه ماهان»

غریب

● غلامرضاسر کوب هنرپیشه فیلمهای ایرانی کــه سال گذشته فیلم جدال در کویر را تهیه‌نموده بود قراردادی با دیاموند فــیلم منعقد کرده است تا بموجب آن از هفته آینده باهمکاری این‌سازمان سینمائی تهیه‌فیلم تازه‌ای را بنام «غریب» آغاز نماید. دراین فیلم که سرکوب بعنوان اولین تجربه خود کارگردانی‌خواهد کرد نقشهای اصلی را سعیدراد، مرجان‌و سر کوب بعهده‌دارند .

پیروزی

● تا کنون بیست دقیقه از فیلم تازه‌ساموئل‌خاچیکیان‌موسوم به «پیروزی» توسط کمال مطیعی فیلمبرداری شده است ، درایــن فیلم که محصولی است از آژیر فیلم ایرن، جمشید مشایخی‌و چهره‌های جدید الهام ، کاوه‌ومنصور خاکــی نقشهای اصلی را بعهده دارنــد. پیروزی درروال «خداحافظ تهران» یکی ازفیلمهای گذشته‌ساموئل است

مردی بنام طاهر ادامه‌دارد

● فیلمــبرداری یکی از محصولات دردست تهیه دیامــوند فیلم موسوم به «مردی بنام طاهر» کماکان توسط رضا انجــم روز ادامه دارد ، در این فــیلم کــه کارگردان آن قدرت‌اله بزرگی است و برایش حسین‌واثقی موزیك متن خواهدساخت منوچهر وثوق، لیدادانشور، مرتضی‌عقیلی، سیمین علیزاده ، اکبر فتحعلی، شاپرك، علاءالدین‌فرشچی، مهری‌ودادیان، کاظم سالکی، گرجــی و بوتیمار شرکت‌دارند قسمتهائی ازاین‌فیلم در آبادان‌فیلمبرداری‌خواهدشد .

سرود انقلاب

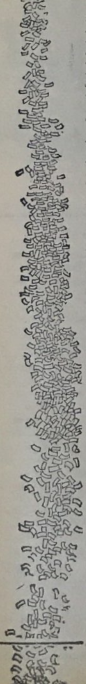
● خسرو پرویزی کارگردان فیلمهای ایرانی اخیرا در اداره تولیدفیلم وزارت فرهنك وهــنر فیلمی ساخته است بـنام « سرود انقلاب» که بصورت مطلوبی‌عرضه گردیده ومورد توجه مقامات بالای مملکتی قرار گرفته‌است .فــیلم مــزبور ایــن روز هــا بخاطر بزرگداشت دهه انقلاب مرتبا در تلویزیون‌وسینماهای کشورنمایش داده میشود .

شیر یاخط

● آژیرفیلم که‌اینك‌فیلمهای معشوقه پیروزی و جعفرجنی و محبوبه‌اش را دردست تهــیه‌دارد فیلم تازه‌ای‌را جلوی‌دوربین‌برده است بنام«شیریاخط» که سناریوی آنرا حبیب‌اله کمــالــی نوشته و بکارگردانی‌رضاصفائی توسط کمال مطیعی فیلمبرداری‌میشود دراین فیلم ایرن، جمشیدمشایخی ، بهمن زرین‌پور ، امیرسلیمانی و بهمن مفیدشر کت‌دارند .



پاسخ سردبیر



همدان ــ آقای بیژن زهاب:

در مورد سناریو نویسی چندبار درفیلم وهنر مطلب به چاپ رسیده است . میتوانید برای تهیه سناریو صفحه‌ای از کاغذرا گرفته وازوسط دو نیم کنید ودریکطرف آن حرکات، مناظرواشیاء صحنه‌را توضیح دهید ودرطرف‌دیگر دیالوک هنرپیشگان‌را واین ساده‌ترین راه‌است. برای‌ممیرلوحی‌نیزبه آدرس آس‌فیلم (خیابان‌قوام‌السلطنه ــ کوی ایرج) نامه ارسال‌دارید .

آقایان اکبرخجسته دل- محمدعلی حمزه- علی خسروی :

۱ــ فیلم‌غریبه‌ارجیانی بهتر از کافر بود۲- بازیهمایون را درلیلی بهتر از ۳- مطالب‌مطعی درقفسدرمی‌بستیم .

شهرری ــ آقای مرتضی تکاور :

برای‌ایرج‌قادرمیتوانید بآدرس‌سازمان سینمائی تخت جمشید (خیابان روزولت ــ مقابل‌سینماددیاموند) نامه‌ارسال دارید . آخرین فیلم‌اودرحال حاضردلهای بی‌قراراست واز وی‌فیلمطلاق‌آماده‌نمایش‌است.

همدان‌ــ آقای‌صفرمشهدی:

نام‌اصلی‌فروزان(پروین ساجدی)است.وی‌هنوزازدواج نکرده‌است ودوره‌دبیرستان‌را بپایان رسانده‌است . درضمن ازدرج‌آدرس منزل ایشان‌نیز درمجله‌متاسفیم .

تهران‌ــ آقای هـ‌امامی:

مطلب امیررضائی جنبه آگهی‌داشت وخودتان‌میبایست این‌مسئله رادرک‌کرده‌باشید.

آقای‌قارمحمد قره‌باشی:

سناریست شدن شرایط خاصی‌ندارد . بایستی دارای نثری‌خوب وبقواعد ودستور زبان‌آگاهی داشته باشیدوقوه فکر وتخیل‌کامل داشته‌باشید.

اهواز ــ آقای‌محمدرضا بهکار :

مجله‌روزهای‌دوشنبه بعد ازظهر برای‌ارسال براه‌آهن تحویل‌میشود وبایستی‌روزسه‌شنبه یا چهارشنبه در اهواز منتشر شود. ازاین امرمتعجبیم معهذا برای‌آنکه‌اشکال رفع‌شود بانماینده‌اهوازمکاتبه‌خواهیم کرد .

آقای حسن‌خیابانی:

پاسخ‌آقای‌هـ‌امامی در همین‌صفحه توجه فرمائید.

یزد‌ــ آقای‌قاسم‌آب‌حیات:

۱- پوری بنائی متولد اراک‌است وازاو فرزندشمشیر وعاصی‌آماده‌نمایش وزنبورک دردست تهیه‌است۲- پرفروشترین فیلم سال ۱۳۵۰ فیلم صمد و قالیچه حضرت‌سلیمان بودویک میلیون و هشتصد هزارتومان فروش‌داشته‌است . ۳- شماره نوروز ۱۳۵۱ در دفتر مجله موجوداست .

آقای حمیدغفاری:

«سام» نام مستعار رضا میرایی و «پیرایه» نام‌یکی ازهمکاران زن تازه ماست . درمورد مصاحبه پوری بنائی سعی‌میکنیم هرچند وقت‌یکبار چنین‌مصاحبه‌هائی‌داشته باشیم.

درمورد آذرشیوا، مطلبی وجود نداردکه نوشته شود ، زیراوی فعالیت‌سینمائی‌ندارد واز آدرس وی نیز اطلاعی دقیق نداریم . معهذا سعی خواهیم کردکه مطلبی از او تهیه‌کنیم .

کاشان ــ آقای عزیزاله اسلامی :

۱- نوشته‌اید که تمام فیلم‌وهنر رادرمدت یکساعت میخوانید ونظر داده بودید که‌از نویسندگان قدیمی‌دعوت کنیم‌مگرمسئله نوشتن‌ومطالعه کردن‌یک‌صفحه مجله‌فرق‌میکند عنوان‌مثال مگر مطلبی‌را که حسین‌مدنی دریک صفحه‌می‌ـ نویسد شما دوبرابر وقتی‌که برای خواندن مطلب دیگری صرف‌میکنید، برای‌آن اختصاص میدهید ۲ ــ از فردین عکس سرجوخه جبار را روی جلد چاپ خواهیم کرد. ۳- گنج قارون بیست میلیون‌ریال ــ کوچه‌مردها سیزده‌میلیون‌ریال قیصر بیست‌میلیون‌ریال ومرداب خشن نه میلیون ریال فروش داشتند .

تویسرکان‌ــ آقای فریدون جهانی :

۱ ــ فردین در فیلم برهنه ناظیر باسرعت شرکت نخواهدکرد ۲- درج‌مطالبی‌در موردفیلمها نظرشخصی‌ماست

۳- بازی نصیریان درپنجی بهتراز بهروز وثوقی دربلوچ بود .

بجنورد ــ آقای علیرضا اوری :

۱- درگذشته فیلمی‌بنام پنجی‌درایران ساخته‌شده‌بود وبهمین علت‌نام‌فیلم جدید مهرجوئی تقی‌پنجی‌شد۲- علت عدم‌شرکت بهروز وفردین را دریک فیلم‌نمیدانیم ۳- افکت (صداهای‌اضافی) شومن (مرد نمایش ــ گرداننده برنامه‌های تلویزیونی) وریتمیک یعنی فیلمی گوینده‌که گفتارهای‌آن جنبه ضربی‌داشته باشد.

شهرری‌آقای‌امیرسنگچی:

۱- ازبهروزوثوقی‌فیلمی آماده‌نمایش نیست۲- دستمزد فروزان برای‌دشنه یکمیلیون ریال‌بوده واولین‌فیلم‌او‌انسانها وآخرین‌فیلمش‌ناخدااست ۳- فیلم‌عطش‌درهمدان‌فیلمبرداری شده‌بود .

قزوین‌ــ آقای محمدعلی حاج‌اکبری:

ارسال سه نظر در یک پاکت اشکالی ندارد.همه‌آنها بمسئول صفحه نظرها داده خواهندشد .

آمل‌ــ آقای‌جواداحسانی:

داستان‌خودراجهت‌خانه سناریو ارسال دارید تا در صورت‌لزوم مورداستفاده‌قرار گیرد .

شهرری ــ آقای ابراهیم صدیقی :

۱ــ بجای شیرانداهی و حسین‌گیل معمولا ناظریان صحبت میکند ۲- اولین فیلم پوری‌بنائی عروس فرنگی و آخرین‌فیلمش زنبورک است . اولین فیلم بیک‌ایمانوردی شب‌نشینی درجهنم و آخرین فیلمش‌گدای میلیونر است۳- شماره مخصوص فیلم‌کاکو در دفترمجله موجود است.

جهرم ــ آقای عوضعلی روغنیان :

۱- فیلم سرکار غضنفر سه‌میلیون وهشتصدهزار ریال فروش کرده است ۲- احمد شیرازی کارگردان فیلم‌کلبه‌ای آنسوی‌رودخانه بود۳- بایک مطبعی انس‌لب گفتگوئی را خواهیم داد.

میانه‌ــ آقای حبیب‌ادیبی:

۱- متاسفانه‌فعلا فعالیت خانه‌سناریوراکد مانده است ۲- برای‌جوادطاهری‌بآدرس یزدفیلم (خیابان‌ارباب‌جمشید شماره۹۷ــ طبقه‌سوم) میتوانید نامه‌ارسال‌دارید۳- ازداریوش نیز بزودی عکس ومطلبی‌چاپ خواهیم‌کرد .

ساری ــ آقای رضا علی رسولی :

سنتر فیلم‌یکموسسه کلاه‌برداری بودکه ازصدها نفر جوانان علاقمند پول دریافت وفرارکرده است و اینک از طرف اداره‌آگاهی مسئول‌آن تحت‌تعقیب‌است.

متاسفیم‌که‌شما نیزبسر نوشت صدها نفر دیگردچار شده‌اید.

اصفهان ــ آقای اکبر محمدی :

۱ــ آدرس بیک‌ایمانوردی (خیابان‌شاه‌ــ خیابان‌جم‌ــ کوی عطارد ــ شرکت آریاپاکس) است. ۲- اگرملاحظه می‌کنید بیک‌ایمانوردی جایزه سپاس نگرفته‌است دلیل پارتی‌بازی درجایزه‌نیست‌داوران‌با‌نتخاب برندگان اقدام می‌کنند۳ ــ دستمزد‌بیک برای‌بازی‌درفیلم صندلی‌الکتریکی ده‌هزاردلار بود .

تهران ــ آقای عباس الهیار :

۱- بازی‌فردین وسعیدراد درفیلم‌ازنا صحت ندارد ۲ــ بهروزوثوقی درحال‌حاضردر فیلم‌خاک شرکت دارد ۳- فیلم مهاجر بزودی بنمایش در خواهدآمد .

آقای احمدروزبهانی:

بهروزوثوقی اینک در فیلم‌خاک‌شرکت دارد ومطلبی ازپشت صحنه این فیلم‌را در مجله‌مطالعه‌می‌کنید .

آمل‌ــ آقای‌جواداحسانی:

۱- همایون آدرس دقیقی ندارد وفعلا مشغول بازی در فیلم‌خیالاتی است ۲ــ آدرس کانون‌پرورش فکری‌کودکان ونوجوانان (خیابان‌شاه‌عباس خیابان جم) است۳- تصور نمی کنم‌که‌نظرشما صحیح باشدکه دست‌اندرکاران‌سینما داستان‌های‌بی‌ارزش‌را قبول‌می‌کنند آنها همیشه طالب بهترین هستند .

دنیای سینما



● پیتراوتول و سوفیالورن در ورسیون تازه‌ی «دن‌کیشوت» اثر «آرتورهیلر»

ورسیون تازه‌ای از دن کیشوت

● ازسال ۱۶۰۵ که شاهکار جاودانی «میگوئل دوسروانتس» بنام «دن کیشوت» منتشر شده، تا کنون ورسیون های موزیکال متعددی ازروی این اثر برجسته ادبیات اسپانیا تهیه شده. آخرین آنها که درسال ۱۹۶۵ دربرادوی روی صحنه آمد، یك اقتباس تازه ازروی این اثر توسط «دیل واسرمن» بود که اتفاقاً بسیارمورد توجه قرار گرفت وحالا هالیوود ازروی این نمایشنامه فیلم تازه‌ای ساخته. صحنه‌های فیلم دراستودیوهای «دینودولارنتیس» فیلمبرداری گردیده و نقش‌های اول را تنی چند از بازیگران پولساز و برجسته سینما مثل «پیتراوتول و سوفیالورن» بازی کرده‌اند. پیتراوتول دراین فیلم دونقش بازی میکند، دن کیشوت وخالقش «سروانتس» رااین اولین فیلم موزیکال «سوفیالورن» به حساب می‌آید خود سوفیا همواره مایل بوده در یك فیلم موزیکال بازی نماید. وی نقش «آلدونزا»ی سکسی‌واغواگر را بازی کرده. نقش «سانچوپانزا» را «جیمز کوکو» بازی کرده است. فیلم‌را «آرتورهیلر» سازنده «قصه‌عشق» و «بیمارستان» ساخته که این فیلم نیز نخستین فیلم موزیکال وی بشمار میرود. آرتورهیلر اصلا کانادائی است. عنوان ورسیون تازه دن کیشوت «مردی ازمانچا» است.

فیلم تازه «مانکیه‌ویچ»

● «جوزف. ال. مانکیه‌ویچ» که اخیراً «داغ ثروت» را ازروی

در تهران دیدیم فیلمی جدید میسازد که نقش‌های اول فیلم را «لارنس‌الیویر» و «مایکل کین» بازی می کنند. لارنس الیویر نقش نویسنده کتابهای هیجان انگیز و اسرارآمیز را بازی می کند و کین نقش معشوقه همسر «الیویر» را. داستان فیلم ازنوشته‌ای اثر «آنتونی‌شافر» اقتباس شده‌است. فیلم بمراتب از اصل پیس آن هیجان‌انگیز شده‌است. کین در جریان صحنه‌ای برای سرقت (سرقت لارنس‌الیویر) مجبور به پوشیدن لباس یك‌دلقك میشود!

عنوان فیلم تازه‌مانکیه‌ویچ (Sleuth) می‌باشد.

عیدخوك

● «ژان گابریل آلبی کوکو» فیلمساز فرانسوی کارش‌را روی فیلم تازه‌اش «عیدخوك» آغاز کرد. این داستان مردی‌است که پس‌ازیك سرقت مسلحانه مخفی میشود. پناهگاه او در میان کوهستان‌هاست. حوادث فیلم درعرض ۲۴ ساعت اتفاق می‌افتد. نقش اصلی فیلم را یك هنرپیشه‌ـ خواننده‌فرانسوی باسم «ژینوفرر» بازی می کند. سایر بازیگران فیلم «ژاك دوفیلو» ژرژگره وفیلیپ نواره» هستند.

دو کلاه بیلی

● گریگوری‌پك که اخیرا تهیه کننده هم شده، این روزها مشغول یادگرفتن و حرف زدن به لهجه اسکاتلندی است چون باید نقش یك‌کاوبوی اسکاتلندی‌رادر فیلم «دو کلاه‌بیلی» که دراسرائیل فیلمبرداری خواهد شد، بازی نماید. برای اولین‌بار، وی‌دراین فیلم دیگر یك قهرمان نیست، اما کاراکتر جالب توجه‌ای دارد.

پك برای فیلمی‌که باسم «کبوتر» از روی نوول‌پرفروش، «رابین‌لی گراهام» تهیه‌خواهد کرد قراردادی با «چارلز ژاروت» منعقد کرد، فیلمبرداری این‌فیلم درماه «آوریل» شروع میشود.

بیوه‌ای‌درامریکا

● لسلی کارون‌ستاره آشنای‌فیلم های «فانی» و «عشق‌در جزیره گرمسیر» که اخیرا با «مایکل ـ لافلین» تهیه‌کننده و کارگردان جوان آمریکائی ازدواج کرده و قصددارند درپاریس اقامت کنند، فیلمی‌را باسم «بیوه‌ای‌درآمریکا» بازی کرده‌است.

مرگ‌میریام هاپکینزو...

● میریام هاپکینز اخیرا درسن ۶۹ سالگی براثرحمله‌قلبی در یکی از هتل‌های نیویورك درگذشت. آخرین فیلمی که‌وی در آن ظاهرشده بود «تعقیب» با شرکت مارلون‌براندو ورد‌فورد ولتر «آرتورپن» بود.

همچنین «لئو جی. کارول» آکتورانگلیسی بعدازیك‌بیماری طولانی درهالیوود درگذشت. اوهشتاد ساله‌بود. از فیلم‌های مهم‌او می‌توان از «برف‌های کلیمانجارو وشمال‌ازطریق شمال غربی (تعقیب‌خطرناك)» رانام‌برد. وی‌اخیرا در سریال تلویزیونی «مردی ازآنکل» همراه‌بارابرت وان نیز بازی‌میکرد.

«شفت» تهیه کننده‌میشود!

● «ریچارد راوندتری» آکتورسیاه‌پوست آمریکائی که‌با اجرای نقش «جان‌شفت» به‌شهرت رسید (آخرین‌فیلم «دامی برای شفت» اخیرا درایران‌نمایش‌داده شد) مصمم‌شده که باهمکاری «بول‌ـ جری» یك کمپانی‌تهیه‌فیلم ایجاد نماید. اولین‌پروژه‌تهیه یك‌فیلم عشقی‌است و بعدش «شفت» خیال دارد فیلمی‌درباره «ویت‌نام» تهیه کند. ضمنا هوس کارگردانی هم بسرحضرت آقازده‌است!

تعطیل

● فیلم‌آینده «ویتوریو ـ دسیکا» (باغ فینزی کونتینی) تعطیل نام‌دارد که نقش‌اولش را «فلوریندا‌بالکان» ستاره‌برزیلی ایفاخواهد کرد. فلوریندا قبل از این‌فیلم، درایتالیادرفیلم «والدین عزیز» شرکت‌می کند.

بقیه درصفحه ۶۰

«مختار» درمحاصره
یکمشت سئوال
بی‌پرده!

من دیگر با هیچ فیلمساز بدی کار نخواهم کرد!

● ایندوزها چه‌میکنی؟

مختار: میگردم نگاه‌میکنم بیشتر می‌خوانم و کمتر می‌نویسم ،فکر میکنم . ولی فیلم بازی نمیکنم !

● خبرها وشایعات حاکی ازاینست که‌دردوسه‌ماهه‌اخیر بهر پیشنهادی که‌برایت‌رسیده جواب رد داده‌ای‌ازآدمی مثل‌تو بعید بنظر میرسد چون پیش ازاین یکباره فیلمهای زیادی بسازی کردی فیلمهائی که سال گذشته‌تو رادرشمار هنرپیشگان پرکارسال درآورد.

مختار: میدانی چیست امن ازیك سئوال مرسوم در محیط سینما ومحافل هنری خیلی‌متنفرم هرکس به آدم میرسد میگوید «اینروزهاچه‌می کنی ؟» خیمعلوم است مثکه کارخانه فیلمسازی یا «نوارسلولوئید» نیستم که هر لحظه ودر هرجائی ازم استفاده کنند من‌یك آدم هستم و دوست دارم مثل یك آدم زندگی کنم . انگارارزش واعتبار هربازیگری درمحیط فعلی ما به‌تعداد کارهائی است که‌به‌آن‌ها مشغول است‌بنظر من‌اینها هیچکدام ربطی به‌ارزش اشخاص ندارد .

یکنفر میتواند خیلی‌پر کار باشد درحالیکه هیچ‌ارزشی ندارد وبرعکس‌می‌تواندخیلی کم کارکند در حالیکه کارهایش از ارزش والائی برخوردار باشد .

مهم «نقشی است که از ما بازماند...»

● ولی‌تو تابحال کارهای چندان باارزشی نداشته‌ای؟

مختار: دراینمورد کاملابا تو موافقم وبهمین دلیل‌هم دیگر زیاد کار نمیکنم همان‌طور که اشاره کردی سال‌قبل من درشمار هنرپیشگان پرکارسینما بودم‌ولی آیا همهٔ اینها چیزی بمن اضافه کرد ؟ راستش‌رابخواهی اگرحالا هم کوتاه بیایم به‌راحتی میتوانم درفیلمهای متعددی‌شرکت کنم .

من درماه لااقل یك یادو پیشنهادفیلم دارم این غلو نیست ولااقل‌خود کسانی که‌بمن پیشنهاد میدهند گواه این مدعا هستند ولی‌حقیقت‌اینست که‌دیگرزیادبرای فیلم گرفتن پرپر نمیزنم بسازی کردن درهرفیلمی کارمن نیست.

واگر درگذشته این‌روش‌را دنبال‌نکردم بخاطر مسائلی بوده خودتو ودوستان دست بـه قلم خیلی خوب از آن آگاه هستید البته‌میل‌ندارم قصه کهنه‌درگیریها و بدهکاریهایم را دوباره تکرار کنم.

● فیلمهای اخیررا چرا رد کردی ، آیا هیچکدام از آنها بامیل‌و سلیقهٔ توجوردر نمی‌آمد ؟

مختار : بهتر است درمورد میل‌و سلیقه اصلا حرفی نزنیم. بدترین شغلهادرسینما «آکتور» بودن است. یك تهیه کننده ویك کارگردان هر کدام می‌تـوانند فیلمهائی را بسازنـد که‌با چهار چوب اعتقادات وسلیقه‌های‌شخصی آنها وفق‌داشته‌باشد، بهمین‌دلیل هم هست که‌پای فیلم را خودشان امضاءمیکنند ولی یك بازیگر برای رسیدن‌به‌نقش ایده‌ال‌سالها باید انتظار بکشد. آیا تا بحال شنیده‌اید که‌تهیه کننده‌ویا کارگردانی ازیك بازیگر بپرسد‌ه آقای‌عزیز شمامیل‌داریدچه نقشی؛ یاچگونه نقشی را بازی کنید ؟« چیزهائی می‌نویسند و به بازیگرمیگویند تو اینها رابازی کن . بهمین‌لحاظ است که‌میگویم ازمیل‌وسلیقه‌من حرفی نزنیم بهتراست. ولی در همین‌محدوده گروه‌هاوفیلمسازان خوب داریم وگروها وفیلمسازان بد من دیگر با هیچ فیلمسازبدی کارنخواهم کرد.

دقیقاً میتوانم بگویم که‌در دوماه گذشته چهار پیشنهاد کاررا قبول‌نکرده‌ام. بعضی از آنهاحتی حاضر بودندمبلغی‌بیشتر ازدستمزد فعلیم بمن بدهند ، ولی من آدم پولدوستی نیستم . اگربودم هر چهارتا را قبول‌میکردم‌چون‌جمع مبلغی که‌ازاین‌چهارفیلم‌میگرفتم در شرایط فعلی زندگی من پول خیلی خوبی بود.من حتی‌حاضرم مفت و مجانی بازی کنم، چون این گذشتن ازمسایل شخصی‌است ولی حاضر نیستم مفت‌و مـجانی ملعبه‌دست کسی بشوم و خودم را خراب کنم . الان مدتی است که برای خودم‌شرایط‌مخصوصی قایل شده‌ام و تازمانی که‌فیلمی ازهر لحاظ باشرایط‌کاری‌من که زیاد هم‌مشکل وبلند پروازانه نیست جوردرنیاید در هیچ فیلمی بازی نخواهم کرد.

● ازمیان فیلمهائی که تا بحال بازی‌کرده‌ای‌کدامشان را خودت می‌پسندی ؟

مختار: خوشبختانه من‌هنوز فیلمهای زیادی بازی نکرده‌ام . شایدجمع‌همه‌آنها به‌رقمی‌درحدود دوازده یاسیزده برسد ، واین در شرایطی که می‌بینیم هربازیگری حتی‌تازه‌ازراه‌رسیده‌ها فیلمهای زیادی بازی کرده‌اند ، رقم قابل مـلاحـظه‌ای نیست . میگویم خوشبختانه‌چون‌میدانم اگر بیشتر بود، بیشترهم افسوس میخوردم . فیلمهای «قدیر» و «فدائی» از لحاظ کاربازی‌خیلی‌درمن‌اثرداشت نمی‌خواهم بگویم کارفوق‌العاده‌ای ازخودنشان داده‌ام ولی‌این‌فیلمها که هردو بـوسیله « علامه‌زاده » ساخته شداین فرصت‌رابمن‌داد که قدری جدی‌تربه‌کاربازی‌نگاه کنم این‌دوفیلم ازاین‌لحاظ برای من تجربه‌های گرانقدری بودنـد . «زن‌یکشبه » هم‌بخاطر‌وجودرضا



● تقی‌مختار درصحنه‌ای ازفیلم «شیرعلی‌مردان»



● تقی‌مختار درصحنه‌ای ازفیلم بدکاران

میراوحی» درسرجلسات فیلمبرداری برای بازیگری مثل من غنیمت بود. ازهمانموقع فهمیدم که یك رهبرخوب می‌تواند نجات‌دهنده و یانابودکننده هر بازیگری باشد.

جزاین‌سه فیلم و فیلم اولم «امشب دختری میمیرد» که علیرغم همه بی‌اطلاعی و تازه‌کاریم، کارا کتر ملموس وقابل‌قبولی در آن داشتم و خاطره‌اش همیشه برایم شیرین است، من دیگرهیچکدام ازفیلمهایم رادوست ندارم. البته اینهامربوط است‌به فیلمهائی که تابحال ازمن نشان‌داده‌اند.

● درحال حاضرچه‌فیلمهائی راآماده نمایش داری و نظرت درباره‌آنهاچیست ؟

مختار، من‌سه‌فیلم دیگر دارم که زمان‌نمایش آنها نزدیك است. درباره «خانم خانوما» یکبار درهمین مجله نظرم را گفته‌ام و دیگر هم میل ندارم در باره‌اش حرف‌بزنم.

در خصوص فیلم «**بدکاران**» هم فعلاحرفی ندارم و نظریاتم را میگذارم برای پس ازنمایش فیلم. آقای «شباویز» پس ازچند وقت‌تعطیل اجباری کارهایش‌میل داشت یك‌فیلم کاملاتجاری‌بسازد. و انشاءالله که لااقل دراینمورد توفیق یارش‌باشد.

دراینصورت من‌فقط به «**شیر علی‌مردان**» فکر می‌کنم. این فیلمی است که «عبداله غیابی» آنرا نوشته و کارگردانی کرده است. ازلحاظ ذوق واستعدادکه در غیابی دیدم واز لحاظ ارزشی که او برای اصالت کارش قائل است، بنظر من «عبداله غیابی» ازچهره‌های موفق وپیروز آینده خواهدبود.

● بدنبال ماجرائی که در مورد فیلم «سرطلائی» داشتی، اخیراً شنیدیم‌که علیه یکی از تهیه کنندگان فیلمهای گذشته ات‌هم شکایتی به دادگستری فرستاده‌ای و کاردارد «بیخ» پیدا می‌کند. یکی دوبار دیگر هم‌با بعضی‌فیلمسازان‌درگیریهائی داشته‌ای. فکر نمیکنی‌این‌همه‌باعث آن شود که سیمای عبوس و بدخلقی ازتو در محیط سینما باقی بماند ؟

مختار: همینهاست‌که باعث شده بیشتر» درکارم فرص‌ومحکم باشم. متاسفانه اینروزها محیط سینما خیلی بیشتر ازگذشته دچار هرج‌ومرج و آشوب شده‌است.

اخلاق وانسانیت بکلی ــ جز درپاره‌ای موارد ــ از میان رفته وهیچکس پای‌بند قول‌وعمل خود نیست.

آقایان اول‌باچهره‌ای پاك وصمیمی وارد میشوند وجوانهای ساده را باهزاروعده‌فریب‌میدهند وبعد درمرحله عمل وپس از آن بلافاصله پس ازسوءاستفاده‌ای که ازطرف کردند اهشان‌رامیگیرند ومیروند وتاجائی هم که امکان داشته‌باشد سعی‌درخراب کردن و از بین‌بردن او دارند بنظر من محیط فعلی سینمای مابرای کسی که ذره‌ای فکر و احساس وپای بندی به‌اخلاقیات‌وانسانیت‌داشته باشد، محیطی غیر قابل دوام و کشنده است. چطور ممکن است آدم حرفی بزند و بعد نه تنها فراموشش کند بلکه منکر آنهم شود ؟

خیلی از فیلمسازان‌ایرانی هستند که تا وقتی‌گوشتی ازکسی نکنده‌اند چیزی باو نمیدهند. تمام افتخار سینمای سی‌ساله ما دراینست که‌فقط سه آکتور قابل تکیه دارد. این‌هاخودشان‌بت‌می سازند وبعدپای آن‌سجده‌میکنند. یکبار به یکی از تهیه کنندگان فیلمها گفتم شماهرچه‌قصه خوب‌با کارگردان وسازنده خوب است میگذارید دراختیارهمین‌سه‌چهار نفر و وقتی می‌خواهید فیلم کم خرج‌وبقول خودتان«لائی»درست کنید می‌آئید سراغ افرادی‌مثل ماوآنوقت انتظارداریدکه‌فیلمهم هم‌مثل‌فیلم«فلانی» کارکند. البته این‌نکته‌هم قابل‌ذکر است که متأسفانه‌باتمام آن امکانات فیلم همان «فلانی‌ها» هم‌این‌روزها کار نمیکند. روزاول بشما میگویند که این‌عده درفیلم‌بازی خواهند کرد وفیلمبردار و کارگردان‌این آقایان هستندولی درجریان‌کار کم‌کم همه‌چیز عوض می‌شود. داستان بکلی زیر ورو میشود. کارگردان یافیلمبردارعوض می شوند. بازیگران جدیدی جای بازیگران‌قبلی‌را میگیرند و

بقیه‌درصفحه ۵۹

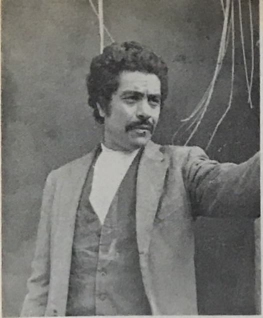
«خاک» فیلمی که ما باستقبالش رفته‌ایم

قسمت دوم گزارش اختصاصی فیلم و هنر از جنوب

خاک

وحرفهائی که مطرح میشود

- شب تا صبح، در هوای سرد بیابان، کیمیائی و یارانش یک سکانس خوب را تمام کردند.
- ماجرای مرده‌شویخانه و ارکستر گرگها ...!
- کیمیائی در شناخت آدمهای فیلمش بی‌نظیر است.
- بهروز وثوقی با تیپ تازه‌ای در «خاک» ظاهر شده‌است.



● بهروز وثوقی در «خاک» درشکل تازه‌ای ظاهر میشود

پشت صحنه

٦

غروب که میشود کیمیائی به «کنعان کیانی» مدیر تهیه فیلم میگوید که زودتر بروبچه‌ها را آماده کند تا برای فیلمبرداری به یکی از بیابانهای اطراف شهر دزفول بروند.

افراد در هتل زودتر شام می‌خورند و بعد آماده حرکت میشوند از کیمیائی می‌پرسم:

— چه کسانی در سکانسی که امشب می‌گیری بازی دارند.

میگوید:

— جلال و پروین سلیمانی.

جلال در اکثر فیلمهائی که کیمیائی ساخته بازی داشته‌است. از زمانیکه در فیلمهای کیمیائی ظاهر شد، مورد توجه فیلمسازان قرار گرفت و حالا درست و حسابی چهره‌اش جاافتاده است.

بازیگر دیگری که امشب با جلال بازی میکند، پروین سلیمانی نام دارد. او هم سالهاست که در زمینه کارهای هنری فعالیت دارد. چند سالی در نمایشنامه‌های تلویزیونی بازی میکرد. در چند نمایشنامه هم که بروی صحنه آمد دیده بودمش. قبلا در فیلم کامران شیردل (صبح روز چهارم که هنوز نمایش درنیامده) بازی کرده است. کنعان کیانی علاوه بر اینکه سمت مدیر تهیه فیلم خاک را دارا است گریم هم میکند.

هنگامیکه آماده حرکت می‌شویم ساعت هشت شب است پروین سلیمانی را آنچنان گریم کرده‌اند که افراد گروه چند لحظه بدیدنش می‌ایستند. او نقش پیرزنی را بازی میکند که پسرش جلال است و بعدها مورد توجه (باباسبحان) (جعفر والی) قرار می‌گیرد و گویا اینطور که والی صحبت میکرد دل بیکدیگر می‌بازند.

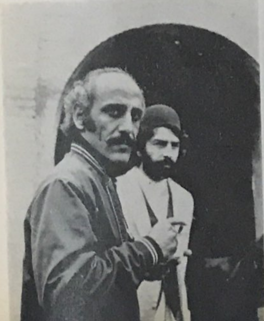
بیرون هتل، سه اتومبیل آماده حرکت است. همگی سوار میشوند و اندیمشک را بطرف دزفول وسپس بطرف بیابانی که در نظر گرفته شده حرکت میکنند.

۷

هرچه از دزفول دور میشویم نور چراغهای برق کمتر میشود و بعد جاده هست و تاریکی و سکوت.

از جاده‌ای که نمیدانم بکجا منتهی میشود میگذریم. در طرف راست جاده قبرستان قرار دارد و مرده‌شویخانه.

چراغ مرده شویخانه روشن است و از دور توجه آدم را بسوی





● با ایجاد «باران مصنوعی» درفیلم «خاك» صحنه‌ای ازاین فیلم فیلمبرداری میشود.

آنجا جلب میکند . دوسه‌تا از بچه‌ها درباره مرگ ونیستی و ارواح صحبت میکنند . یکی از آنها میگوید من هیچ ترسی از مرده شویخانه ندارم و حاضرم شرط ببندم و دراین‌موقع شب تنهائی بآنجا بروم و چراغ راخاموش وروشن بکنم‌وبر گردم. یکی دیگرازبچه‌هامیگوید، اگر ارواح دو دستی ترا چسبیدند و نگذاشتند برگردی چی ؟!

پس ازاینکه دو کیلومتر از قبرستان دور میشویم وهمه‌جارا تاریکی محض می‌پوشاند وازنور چراغ و شهریت‌اثری نمی‌ماند، کیمیائی دستور توقف میدهد وهمگی همانجا ازاتومبیلها پیاده میشوند . بیابانی است تاریك و سرد که صدای زوزه شغال و سگ بخوبی در آنجا بگوش میرسد . عده‌ای هم میگویند صدای گرگ است . اما از آنجا که «ماها» در شهرزندگی کرده‌ایم و خوشبختانه یامتاسفانه نزدیکی چندانی با جنگل ووحوش نداریم‌ازتشخیص اینگونه صداهاعاجزیم‌وهرصدائی رابحساب‌صدای گرگ‌میگذاریم!!

بروبچه‌های‌فنی‌هم‌میگویند:

ــ ارکستر حیوانات‌مشغول نواختن است ! !

کیمیائی بادقت و پشتکار خاصی،بدون‌معطلی، وضعیت‌صحنه راتشریح میکند وچند لحظه‌بعد، پس از اینکه نعمت حقیقی جای پروژکتورهارامعین‌میکند،موتور مولد برق بکار می‌افتد و نور پرژکتورهابیابان تاریك‌راروشن میکند .

علاوه برپروین سلیمانی و جلال که دراین‌صحنه بازی‌دارند، جعفروالی و فرامرز قریبیان و یکی‌دونفردیگر هم آمده‌اند . صرفا علاقه‌ببازیگری وایمان‌بکار باعث‌شده‌است که آنها نخوانند و دوشادوش سازندگان فیلم ناظر صحنه‌هائی که فیلمبرداری میشود باشند .

هواآنقدر سرد است که نمی شود سرمارا تحمل کرد . جنوب درفصل‌سرما همیشه همینطوراست روزهایش‌معتدل‌وآفتابی ومطبوع و شبهایش سرد و طاقت فرساست.دربلوچستان‌هم‌همینطور بود . هنگام تهیه «بلوچ» کویر روزها داغ وشبها سرد‌بود. بهمین جهت قبل از شروع فیلمبرداری، اولین‌کاری که‌افراد گروه کردند این بود که تلی از آتش برافروختند و خودرا گرم کردند .

کارشروع میشود . سکوت سنگینی‌دربیابان‌حکمفرمامیشود. کیمیائی بازی جلال وپروین سلیمانی را شرح میدهد . نورها تنظیم شده است . همه‌آماده‌اند و فقط باید‌کلید دوربین زده‌شود.

جلال‌پشت فرمان یك‌اتومبیل قدیمی می‌نشیند ، ودر حالیکه بغل‌دستش پروین سلیمانی نشسته از دل تاریکی به محوطه‌ای که پرژکتورها روشن است میآید .

کلید دوربین‌زده شده است کیمیائی با دقت مشغول نظاره صحنه است . اتومبیل یکبار از جلوی دوربین میگذردو‌بعدجای دوربین را عوض میکنند . سپس جلال از اتومبیل پیاده میشود دراین صحنه موتورماشین‌خاموش میکندوروشن نمیشود. جلال‌باید از اتومبیل پیاده شود و پس‌از وررفتن باموتور وبی‌نتیجه‌ماندن عصبانی شود وبزمین و زمان بد بگوید .

این‌صحنه‌فیلمبرداری‌میشود اما یکباردیگر تکرار میگردد. کیمیائی از زوایای‌مختلفی این صحنه را می‌گیرد. نعمت حقیقی با سرمائی که آزارش میدهد معهذا تمام حواسش‌متوجه‌دوربین وکارش است . در پلان دیگرفیلم جلال باید پروین سلیمانی را از ماشین بیرون بیندازدتشریح‌این صحنه و یا صحنه‌هائی دیگر از طریق‌گزارش فکرمیکنم چندان آسان ودلخواه‌کارگردان‌نباشد.

زیرا این پلانها را باید بمدازمونتاژدیدوشاید‌که‌اینگونه گزارش به‌کارفیلمبردار ازلحاظ برداشتی‌که ممکن است دیگران بکنند لطمه بزند. معهذا من‌سعی میکنم که ساده‌تر و صمیمی‌تر به تشریح صحنه‌ها بپردازم .

هنگامیکه‌جلال‌پروین‌سلیمانی را ازاتومبیل بیرون می‌اندازد، عصبانی است ومیگوید :

ـ آخه هرکی هرکی ، بمن نگفتی من بچه کیم و مال کجام یه‌وقت میگی بچه رباطم ، یه‌وقت میگی . .

البته‌اینها دیالوگهای فیلم است کیمیائی‌در نوشتن دیالوگها وپرداخت صحنه‌ها مهارت خاصی دارد .

بنظرمن‌تیپ‌جلال‌باحرفهائی که میزنند ، بعد تازه‌ای را در فیلم کیمیائی بوجود میآورد . حرفها تند وقابل بحث و قابل تفکراست .

در پلانهای بعدی موتور اتومبیل روشن میشودودرحالیکه پروین سلیمانی بجامانده ، جلال پشت فرمان می‌نشیند ودورمیشود سلیمانی فریاد میزند :

ــ نرو . . . هنوتنها نذار نرو . . . این صحنه با گرفتن آخرین پلان از پروین سلیمانی ودورشدن جلال‌پایان میپذیرد . کیمیائی‌ازسکانسی که‌گرفته‌شده راضی‌هست وبچه‌هاراضی‌تر

هنگامیکه کار تمام میشود ساعت‌پنج صبح است اماهیچکدام ازافراد گذشت زمان‌را احساس نکردند . زیراهم چشم وگوش خودرا به‌صحنه‌سپرده بودندوتمام حواسشان متوجه کاربود

افق‌شهر‌کدرنگ‌سحر که‌میدمد همه سوار اتومبیلها میشویم وبه اندیمشك بازمیگردیم. همه‌خسته هستند وبایدخوابید .

۸

گروه کیمیائی درحدودچهل نفرمیشود. همگی آنها در هتل اقبال اقامت کرده‌اند وفکر می‌کنم که دیگراطاقی خالی نمانده که‌مسافرین دیگر درآن سکنی گزینند بجز هنرپیشه‌های اصلی درحدود بیست‌نفرمردوزن‌سیاهی لشکرنیز جزوافرادگروه‌محسوب میشوند

تالحظه‌ای که‌من‌ناظرصحنه‌های فیلم‌هستم ، استفاده‌ای از آنها

بقیه درصفحه ۶۴



عاصی

معیار تازه‌ای در هیجان و حادثه، داستان عصیان یك‌مرد بر علیه بیدادگریها

● «رضا شیبانی» مدیرعامل «تهنا فیلم» پیش از اینکه تهیه ـ کننده فیلم بشود یکی از شیفتگان و عشاق سینه‌چاك سینما بود. «شیبانی» از جمله تماشاگران پروپاقرص فیلمها در سالیان گذشته، بخصوص نوع فیلمهای پرتحرك و هیجان انگیز بوده، و فیلمهائی هست که «شیبانی» بدفعات حتی از دیك به‌بیست بار تماشاگرش بوده و در بازگوئی همه صحنه‌ها و دیالوگهای آن یادکر همه جزئیات برمی ـ آید، بهرحال «رضا شیبانی» با چنین علاقه و توجهی بفیلمسازی روی آورد، در مرحله اول که اختیارات کاملی نداشت (چون هنوز تهنافیلم را بوجود نیاورده بود) ـ درزمان تهیه فیلمهای یوسف وزلیخا، داشها و قسمت، آن چنان که باید نتوانست نظریات خودرا بقبولاند اما بلافاصله بعد از تاسیس «تهنا فیلم»، اولین فیلمی را که جلوی دوربین برد، مجموع خواستها و توقعات وی از «سینما» بود، سینمای سالم وزنده و پرتحرك و هیجان انگیز...

اگرچه «ملاّ تراندازم» کمال آنچه که «شیبانی» فکر میکرد نبود، اما این فیلم را بسایر فرم کارها ارجح میداد و بهمین جهت برنامه کار خودرا بیشتر درمورد چنین آثاری قرار داده است، «گروهبان» از این دست بود که در سال جاری آنرا دیدیم و حالا هم «عاصی» آماده نمایش است و مسلما فیلمهای بعدی وی نیز این روحیه را حفظ خواهند کرد.

بنا بقول «رضا شیبانی» «عاصی» بهترین کاریست که در زمینه فیلم‌های حادثه‌ئی و پرتحرك در سینمای ایران شده است... بخصوص این که از داستان خوب و همه عوامل سازنده و یك بودجه دوازده میلیون ریالی برای ایجاد لحظه‌های پراهمیتش منظور شده بود.

داستان جالب «عاصی» حکایت اژدها نبردن عبداله، یکی از وطن‌ـ پرستان، درزمان تسلط انگلیس می کند که به جرم وطن پرستی و قیام برعلیه ستمگریهای آشکار عمال انگلیس، قرار است اعدام شود و از این نقطه داستان پرتحرك و هیجان انگیز فیلم «عاصی» شروع میشود، اقدامی همه‌جانبه و خطرناك برعلیه اجنبی‌ها...

و از این لحظه تماشاگر با صحنه‌ها و حوادثی روبرو میشود که بهیچوجه در فیلمهای ایرانی سابقه نداشته و گمان هم نمی‌برده که چنین لحظه‌هائی در سینما، با این چنین ابهتی به تصویر برگردانده شود.

در «عاصی» تماشاگر متوجه خواهد شد که یك فیلم خوب از یك فیلم عادی تاچه اندازه میتواند فاصله داشته باشد، این فیلم که قادر است با هر اثر همطراز خود در فیلمهای خارجی برابری کند...

در «عاصی» که بزودی روی پرده خواهد آمد، اینها بازی دارند:

«**ناصر ملك‌مطیعی**» که بنقش «عبداله» ایفاگر رل اصلی فیلم است.

«**پوری بنائی**» نقش مقابل «ملك‌مطیعی» را در این فیلم به‌ـ عهده دارد که یکی از کارهای خوب او محسوب میشود.

«خوشبخت، رفیع، پیراسته، تاجیك، پوراحمد، جلال موسوی» بازیگران نقش‌های عمده‌ئی در این فیلم هستند...

و بالاخره «**منوچهر وثوق**» که یکی از شاه‌نقش‌های خودرا در این فیلم ارائه می کند و «عاصی» یکی از بهترین کارهای او خواهد بود.

و اما اکیپ فنی و سازنده این فیلم:

بعداز «رضا شیبانی» که فکر اصلی و سازنده فیلم «عاصی» بوده بایستی از «**سعید مطلبی**» کارگردان

بقیه در صفحه ۶۰



فیلم‌های ایرانی دربوته نقد و بررسی

بی‌تا

هنرپیشگان: گوگوش ـ عزت‌اله انتظامی ـ مهین‌شهابی ـ پروانه‌معصومی ـ سناضیاییان ـ مهری‌رحمانی ـ اکبرزنجانپور ـ هوشنگ‌کاووسی ـ هژیرداریوش ـ کارگردان: هژیرداریوش ـ سناریست: گلی‌ترقی ـ موزیك از: لوریس چکناواریان ـ فیلمبردار: هوشنگ بهارلو ـ تهیه‌کننده: سازمان‌فانوس‌خیال



از: سام

● دختری‌بارشد ناقص عقلی، درمقابل یك دنیای‌عاقلانه، با آدم‌هایی حسابگر و عاقل قرارمی‌گیرد. این دختر، بی‌تا، به همان نسبت که از نظر عقلی عقب مانده، ساده و معصوم است. اما سنی بسراوگذشته و جامعه‌ی اطراف او سادگی و معصومیتش را نمی‌پذیرد. وقتش رسیده که بی‌تا هم بـه دنیای بزرگترهـا قدم بگذارد ... فیلم تلاش اطرافیان بی‌تا رابرای راه دادن او به‌دنیای بزرگترها و مقاومت این دختر را برای راه نیافتن بـه آن دنیا دنبال می‌کند... (اگرچه‌ماجراهای اصلی فیلم را عشقی که او به‌یك مرد جوان دارد بوجود می‌آورد ولی این عشق باتوجه به اینکه بچه‌ها هم عاشق می‌شوند، توجیه پذیر است.) تا آنکه ادامه‌ی راه، باهمان وضعیت گذشته به دلیل جبرسن، امکان ناپذیـر می‌شود و نتیجه‌ی تلاش درونی او برای مقابله با این جبروگردن گرفتن محدودیت‌هایی که تعقل سنی ایجاب می‌کند و او را از آزادیهای دنیای کودکانه‌اش جدا می‌سازد به نابودی و مرگ سادگی وصفا و معصومیت دنیای کودکانه‌ی بی‌تا می‌انجامد... ویك دوسیی به‌جامعه اضافه می‌شود ... این، مایه‌ی اصلی فیلم **بی‌تاست**. وتصاویرتاحد اقناع یك تماشاگر عادی برای بیان این مایه، نمونه‌های فراوانی دارد ... کبوترهای ابتدای فیلم، زمینه‌ی تیتراژ، گفت‌وگوی **بی‌تا** باخوددراولین سکانس، سرقت‌خوراکی از مغازه، دروغ‌ها و خبره سری‌های کودکانه، آزادی در صحبت کردن و بی‌قیدوبند بودن در روابط باافراد، انجام هرکاری که‌معول به انجامش پیش می‌آید و... همچنین نمونه‌ها و دلایل فراوانی از دنیای غیرساده بزرگترها و اعمال حسابگرانه ومعقولشان، کارهای مادر وخواهر **بی‌تا**، رفتار کورش دوست‌بی‌تا ونمونه‌های فراوان دیگر... و البته دراین‌دنیای بزرگترها، پدر **بی‌تا**، نمونه‌یی است که بین **بی‌تا** و دنیای کودکانه رابطه‌برقرارمی‌کند... پدربی‌تا که‌عمری‌پشت‌سر گذاشته‌بالاخره‌بیك مرحله کودکانه‌می‌رسد،یامی‌خواهدبرسدولی‌دیگران‌نمی‌گذارند. آرزوی بزرگ‌این‌مردکه باصحنه‌ی آزاد کردن‌پرمرغ‌ازداخل بالشی‌بیشتر القاءمی‌شوددست یافتن‌به‌یك آزادی‌کامل‌است که‌این آزادی‌رادنیای کودکانه ویایك دنیای خالی از تفکروتعقل به‌او می‌دهد در نتیجه می‌بینیم که پدر **بی‌تا** یك آدم نیمه دیوانه بنظر می‌رسد.

تم‌فیلم، تم خوبی است بخصوص درسینمای ما تازگی دارد ولی‌آنچه باعث می‌شودکه **بی‌تا** فیلم‌کاملا درخشانی نباشد مربوط‌به برگردان این تم به تصویر است که هم به سناریو مربوط می‌شود و هم به‌کارگردانی.

سناریو را «**گلی‌ترقی**» نوشته است و پیداست که تا چه حد **داریوش** فقط دنباله روی ایده‌های سناریو و فقط بـرگرداننده‌ی مسایل سناریو به تصویر بوده است. چرا که استیلای یك دید زنانه ازیك دنیای زنانه براکثر صحنه‌های فیلم به خوبی محسوس است و تاثیر این دنیای زنانه از جانب نویسنده‌ی قادری مثل **گلی‌ترقی**، چندان عجیب هم نیست...

نفوذ این دنیای زنانه، از آنجا محسوس می‌شودکـه اکثر صحنه‌هایی که به زنها مربوط می‌شود، حرکات‌وگفتار آنها (که‌حتما درسناریو نوشته شده) به حقیقت ورفتار حقیقی زنها دراجتماع‌بسیار نزدیك است و این نشانه‌ی وجود آدمی است که بیشتر قاطی زنها لولیده است و البته پیداست که نویسنده‌ی سناریوی **بی‌تا** بیشتر از کارگردان آن بازنها، هم‌صحبت بوده است!

به‌عنوان نمونه‌ی حرکات وگفتار زنانه‌ی نزدیك به حقیقت می‌توان خود بی‌تا، مادرش و خواهرش رانام‌برد. (یعنی در واقع تمام پرسوناژهای زن فیلم)...

بی‌تا شیطنت‌های شناخته شده‌ی یك دختر شلوغ‌و شیطان‌و پرتحرك و زنده‌دل را دارد. و مادرش از آن نوع زنهایی است که فکرمی کنند همیشه جوانندوهمیشه‌برای همه‌کاری آزادند. بهمین‌دلیل است که بعد از معرفی **بی‌تا** در اول فیلم، ورود مادر باآن موهای پیچیده شده یکمرتبه توی ذوق می‌زند... خواهر **بی‌تا** هم از آن نوع زنهایی است که خود را به همه‌کاری وارد می‌دانند و دائماً از از خود تعریف می‌کنند.

اما در مقابل این دنیای زنانه، مردها خشك و مجسمه‌وار وبی‌هویتند. کورش، دوست **بی‌تا**، که یك‌روزنامه‌نگار است، نمونه‌ی بهتر این مردهاست. حتی درالقاء بی‌احساسی‌هم باید احساس‌داشت ولی پرداخت‌به‌این‌مردخشك، هم‌پرداختی خشك وبی‌احساس‌است... وبهمین دلیل است که شخصیت کورش تابه آخر ناشناخته و توجیه نشده باقی می‌ماند، مرد دیگر فیلم شوهر خواهر **بی‌تاست** که اگر حالت کورش‌را درپرداخت ندارد به دلیل شناخته‌شدن تیپ این‌نوع مردهادراجتماع‌است. مردی که‌ترجیح می‌دهد هرنوع که‌خانواده‌اش ایجاب‌می‌کند، رفتار کند... یك مرد وابسته‌به خانواده. پدر **بی‌تا** هم با وجود بازی کم نظیر «**عزت‌اله انتظامی**» وباآنکه تیپ یك آدم نیمه دیوانه، خود بخود شناخته شده است. تا به آخر به حد کاملی به تماشاگر نزدیك نمی‌شود و خود را نمی‌شناساند.

امابهرحال**داریوش**اجراکننده‌ی فیلم است... وحتی‌اجرای خوب یك سناریوهم در سینما یك ارزش نسبی دارد، ومی‌بینیم که

بقیه درصفحه ۶۵



زن باکره

گفتگو از : جمشید ارمیان

یك مشت سئوال و جواب با :

منوچهر وثوق

- سینمای روزاروپا و آمریکا یکسره گرایش به سکس و خشونت پیداکرده است .
- هنوز کاربازیگریم مرا راضی نکرده است.
- فیلم کاکوباعث شدکه من‌شش ماه بیکار بمانم !
- برای من فرق نمیکندکه درفیلم ایفاگریك قهرمان یایك ضد قهرمان باشم !
- در «زن باکره» لحظاتی هست که من می توانستم در آن واقعا بازی کنم .



عاصی

● منوچهر وثوق ازجمله بازیگران پرکارسینمای ایران است‌که سخت در تکاپو و درراه تکامل است. تلاش او ضمن ارائه نقش‌های موردعلاقه تماشاگران، آناست که بتواند درضمن‌کار ، خود را از جهت‌کیفی به مراحل بالای «وفقیت ـ آنهم نه از نوع کاذبش ـ برساند.

می‌توانیم بگوئیم که «وثوق» هنرپیشه‌ی خود ساخته‌ای درسینمای ایران هست . ازهمان‌نقش‌کوچکش درفیلم«جاهل‌هاوژیگولها» نشان‌دادکه صاحب‌استعدادی است و اگر محیط مناسبی داشته باشد، پیشرفت خواهد کرد. خوشبختانه این مورد زودتر از آنچه تصورمیرفت، برای او پیش آمـد و پس از این فیلم ، تهیه‌کنندگان زیادی بسراغ او رفتند واو درکمتر از یکسال، بصورت یك هنرپیشه پرکار درآمد.

کاربرای اوهمواره یك جور «رازبقا» بشمارمیرفته است. هیچوقت ازآن روگردان نبوده . هنگام تحصیل در دبیرستان در تعمیرگاه پدرش کارمیکرد و بعد ازآن که‌به سینما روی‌آورد، کارسرلوحه زندگی اوشد. وثوق همیشه از کارکردن صمیمانه لذت برده است، و این‌است علت موفقیت «منوچهروثوق» در سینمای ایران ، چون همیشه ودرهمه حال نقش‌های مختلف و جوروواجوری بازی‌کرده ودرهرنقشی خواسته است‌که استعداد خودرا به محك خودنمائی و آزمایش بگذارد .

منوچهر وثوق غیراز عشق بـه سینما ، عشق‌های دیگری هم زندگی او را رنگ زده‌اند: عشق به‌کار،عشق به کشورش ، بخانواده‌اش و بالاتر از همه بهمسرش که دوستی صادق در زندگـی اوست و همواره ستایشگـر نقش‌هائی‌که وثوق درسینما بازی می‌کند، می‌باشد.

بهرحال «منوچهروثوق»را پس ازمدتهاکه دربدر بدنبال او هستیم تامصاحبه‌ای با او ترتیب بدهیم ، در فرصت مناسبی گیرش آوردیم و ترتیب گفتگوئی را بااو میدهیم. پرکاری برای منوچهروثوق هیچگاه این‌فرصت را بدونمیدادکه از خودش ونقش‌هایش در سینما حرف بزند. گفتگوئی که ذیلامی آید، حاصل یك گپ یکساعته بااین هنرپیشه موفق وپولساز سینمای‌ایران است‌که میخوانید.

● اخیرا درخارج بوده‌اید، چه فیلم‌هائی دیـدیـد و اساسا درباره سینمای امروز اروپا و آمریکا چه عقیده‌ئی دارید؟

ـ فیلم‌های‌زیادی دیدم ولی ازهمه‌جالب‌تر دوفیلم‌بودباشرکت «مارلون‌براندو» (پدرخوانده) و (آخرین تانگو درپاریس)

این‌دوفیلم ازهرنظر برایم بسیارجالب ودیدنی بودمخصوصا بازی مارلون براندو . یك فیلم دیگرهم دیدم باسم «معلم» کـه «آلن‌دلون» درآن بازی میکرد که‌درنوع خودجالب بود.

در ضمن چیزی‌که از دیدن این فیلمها حس‌کردم ، گرایش شدید سازندگان فیلم بـود بـه «سکس وخشونت» و اغلب‌فیلمها راجع به مافیا و دارودسته آنها بود .

این موضوع مرا بیاداوضاع خودمان‌درایران‌انداخت که‌همیشه مورد این انتقاد قرار میگیریم که چرا یك فیلم کارکرد ، بقیه فیلم‌ها کم وبیش باید از آن‌فیلم پرفروش الهام بگیرند؟ این امر در تمام دنیا متداول است . من صددرصد موافق نیستم کـه اگر فیلمی فروش زیاد داشت، مجبور باشیم تاسالیان دراز ازهمان‌نوع فیلم را بخورد مردم بدهیم ولـی این حقیقت را هم نباید نا دیده گرفت که‌درهمه جای دنیا یك‌فیلم پرسروصداهمیشه بـدنبال خود بسازنده‌هائی ازهمان نوع خواهد داشت .

● این هم‌عقیده‌ای است، حالا می‌پردازیم بخودتان . بگوئید ببینیم آیا بازیگری‌در شرایط حاضر در سینمای‌ایران برای شما اقناع‌کننده است ؟

ـ اکثرماهنرپیشه‌های‌ایرانی کـلاس مخصوص هنرپیشگـی ندیده‌ایم ، بنابراین در جلوی دوربین احتیاج به رهبری واقعا آگاه داریـم، بازی من تاحال صددرصد مرا راضی نکرده‌است.

● شما علت موفقیت یك هنرپیشه را دردرجه اول بستگی بچه عواملی میدانید ؟

ـ استعدادوعلاقه‌به‌هنرپیشگی.

● آیابین‌فیلم‌های‌گذشته تان فیلمـی هست‌کـه از نظر بازیگری اول رضایت شماوبعد تماشاگر را جلب‌کرده باشد ؟

ـ تاحدودی فیلم «کاکو».

● شما بـاایـن فیلم یعنی «کاکو» یك جهش نسبی‌ازلحاظ بازیگری نشان دادید امابعداین خطسیرتحول‌راادامه‌ندادید،چرا؟

ـ بعد ازاین فیلم، خیلی‌ها مراتشویق کردند ولی من ۶ ماه بیکار بودم چون منتظرپیشنهادی بودم‌که دلم میخواست. واقعااگر میخواستم منتظر چنین‌پیشنهادی بمانم ، بایستی خیلی بیشتر از شش ماه منتظر میشدم وآن وقت بود که چرخ زنـدگی من لنگ میماند .

● بدترین فیلم‌تان را چه فیلمی میدانید وبچه دلیل ؟

ـ فیلم بدزیاد داشته‌ام‌واین مساله برای همه واضح است که بچه دلیلی فیلمی بدمیشود، ضعف در سناریو ، ضعف کارگردانها و ضعف بازی هنرپیشه‌ها .

● ترجیح میدهد بیشتر باچه‌کارگردانانی کارکنید؟

ـ دلم‌میخواهدباکارگردانانی کارکنم‌کـه در این رشته واقعا مطالعه داشته باشند.

● از میان کارگردانانی که باآنها کارکرده‌اید ، بیشتر تحت‌تاثیرکارچه‌کسی‌واقع‌شده‌اید؟

ـ طرزرهبری«ذکریاهاشمی» درفیلم«زن‌باکره» برای‌من‌جالب و آموزنده بود .

● بعقیده‌شما چـرا فقط چهار هنرپیشه پولساز مردیکه تازمیدان‌سینمای‌ایران‌هستند؟!

ـ بعلت فروش‌خوب‌فیلم‌های این هنرپیشه‌هاست و علت دیگر استقبال‌مردم‌که باعث میشودتهیه کنندگان از آنها برای بازی‌در فیلم دعوت کنند .

● بعنوان‌یك‌تماشاگر در مقام‌مقایسه بین‌فیلم‌های حاضر وفیلم‌هائی‌که فرضا در دوران نوجوانی (دوره‌تحصیل)دیده‌اید چه‌دارید بگوئید ؟

ـ درگذشته اغلب‌فیلمهـا رمانتیك‌بود ولی‌اکنون فیلمهـا پرتحرك و همراه با خشونت و سکس‌است .

ـ من‌دوست‌دارم نقش‌هـای جالب‌ومختلف‌بازی کنم‌یعنی‌دوست ندارم‌نقش‌هائی‌که‌بازی می‌کنم‌بهم نزدیك‌باشند . مثلا بازی درفیلم های «زن بـاکره» و «عاصی» و «ناخدا» برایم جالب‌بود ، چون شخصیت‌های‌کاملا مختلفی دراین فیلمها داشتم، بنابـراین برای من‌فرق‌نمیکند که‌قهرمان باشم‌یا ضدقهرمان .

● گویابهترین‌کارتان تا اینزمان نقشی باشدکه‌در «زن‌ـ باکره» ایفاکرده‌اید . در مورد این‌فیلم ونقش خود و ذکریـا هاشمی چه‌عقایدی‌دارید ؟

ـ نقشی که‌دراین‌فیلم داشتم بسیار جالب‌بود . در این فیلم لحظاتی هست‌که من می‌توانستم واقعا بازی‌کنم وبه‌تصدیق آنهائی که‌این‌فیلم رادیده‌اند فیلم‌بسیار خوبی است وذکریا هاشمی بـا آگاهی‌کامل و احساس مسئولیت درمقابل تماشاچی آگاه این‌فیلم راساخته است‌وایرج صادقپور با مهارت‌زیادی این فیلمرا فیلم‌ـ برداری کرده‌است .

● ازدیدگاه‌یك‌بازیگـر درمورد‌جایزه‌سپاس‌چه‌عقیده‌ای دارید ؟

ـ جایزه‌سپاس‌وسیله‌ای‌شده برای‌تشویق هنرمندان،مخصوصا که‌این‌جایزه‌بصورت‌جدی‌در آمده ورقابتی‌بین هنرمندان‌برای بدست آوردن این جایزه بوجود آورده که این‌خودباعث پیشرفت کارمیشود .

● فکرمی‌کنید امسال این جایزه‌را بدست‌آورید ؟

ـ البته اگراین جایزه را بگیرم خیلی‌خوشحال میشوم،اما صد درصـد خودم را کاندیـد نکرده‌ام

تکنیک سینمای ایران صفر است



گفتگوئی با :
فریدون گله

(۵)

● **ممکن است اسم این سناریوها را بگوئید ؟**

گله : خود من دارم میگویم تمام فیلمهائی که من سناریویشان را نوشته‌ام مبتذل هستند . یعنی از هیچ مزیت دراماتیك برخوردار نبوده‌اند .

● **خب یعنی ممکن است که شما با این سابقه‌ی کار یکمرتبه برای فیلم خودتان معجزه کنید ؟**

گله : یعنی چه !

● **یعنی اینکه شما یکمرتبه نمی‌توانید تغییر کنید ومثلا بیضائی بشوید .. سابقه‌ی کار شما باعث مـی‌شود که اگر کسی بخواهد «کافر» را ببیند ولی کاری برایش پیش بیاید ترجیح بدهد اول آن کار را انجام بدهد .**

گله ، اصولا در آن پرونده‌های ذهنی که صحبتش را کردید یکمقدار هم برخورد وجود دارد برخوردهای فردی. این برخوردهای فردی می‌توانند تا حدود زیادی اساس فکر من را در شمای نوعی و یا شمای نوعی را در من بوجود بیاورد که ما چه هستیم... البته الان که من روی حرف شما عمیق‌تر فکر می‌کنم می‌بینم یکمقدار صحیح است چون تعدادی سناریو از من فیلم شده و با تمام احترامی که من برای سازنده‌های آن سناریوها قائل هستم شاید آن سناریوها فاقد ارزش سینمائی بوده ولی در اینجا یك مساله مطرح است . اینکه اگر شما فیلم کافر مرا دیدید و توانستید وجه تشابهی بین سناریوی بخصوص این فیلم و کارهای قبلی من پیدا کنید آنوقت حرف شما کاملا درست است اگر شما خواستید برای خودتان سناریو بنویسید و دستتان «کاملا باز» باشد وضع فرق میکند مجتهدی‌ها دست مرا کاملا باز و آزادم گذاشتند و این سناریویی که من نوشتم و از رویش فیلم ساختم نه قابل قیاس است با سناریوهایی که قبلا نوشته‌ام و نه وجه تشابهی با آنها دارد به دلیل اینکه من این سناریو را برای خودم نوشته‌ام و آنرا به عنوان کارگردان امضاء کرده‌ام و تمام کسانی هم که با فیلم مخالفند کسانی هستند که فیلم را ندیده‌اند این موضوع مرا آتش می‌زند یعنی اکثراً بدون اینکه فیلم مرا ببینند جبهه گرفتند .

● **شما می‌گوئید چرا کشفتان نکرده‌اند**

گله ، من نگفتم چرا کشفم نکردند من هنوز آنقدر کاری نکرده‌ام که کشفم کنند من اصولا با کشف شدن و فستیوال بازی و جایزه بازی مخالفم یکعده هستند که دلشان می‌خواهد جایزه بگیرند ، جهانی بشوند و میلشان هم محترم است ولی من هیچوقت فکری نداشته‌ام خیلی راحت برایتان بگویم من یك زندگی آنارشیستی به تمام معنی دارم چون دشمن اول خودم هستم و آزادی را از خودم بریده‌ام در خلال این نکاپوها است که فقط و فقط مطالعه می‌کنم این کار را خیلی دوست دارم واصولا برایم مطرح نیست که کشف بشوم یا نشوم .

● **شما گفتید که برخوردهای شخصی باعث می‌شوند که تا حدودی پیشداوری بوجود بیاید .. خب اگر کسی با یك فیلمساز برخورد نداشته باشد و از طرفی سابقه‌ی کار آن فیلمساز ، سابقه‌ی درخشانی نباشد ، آن شخص یا یك منتقد در پیشداوری خود چه تقصیری دارد؟**

گله ، فیلم من کاملا نشان می‌دهد که در آن تعمق و شعور هست اگر هیچ چیز را نشان ندهد این را نشان می‌دهد... من اصولا از حرفی که راجع به منتقدین زدم منظورم خودمن نیست ... حالا من باید موضوعی را بشما بگویم که بتوانیم راحت‌تر حرف بزنیم من تا هفت ، هشت ماه دیگر از سینما کناره گیری می‌کنم یعنی فیلم دشنه و انجام قراردادی که با شرکت ذکسی دارم آخرین کارهای من هستند ... بنابراین منظور من این نیست که خودم کشف شوم و خودم شناخته شوم منظور من شهامت در نقدنویسی است اصولا نقدنویسی وقتی هیجان پیدا می‌کند وقتی روح پیدا می‌کند که در آن جبهه بندی درست بشود نه جبهه بندی غلط نه جبهه بندی که صرفاً بخاطر جبهه بندی انجام بشود یعنی برخورد افکار منتقدین و تضاد فکری آنها و نگاه کردن به آدم‌ها از زوایای مختلف ... نه همه تحت تأثیر یك نفر بودن و از زاویه‌ی دید او نگاه کردن این حالت اگر بوجود بیاید شما خواهید دید که چه شور و هیجانی ایجاد می‌شود چه در فیلمسازان و چه در میان خود منتقدین من بارها گفته‌ام فقط در سینمائی تنازع بقا وجود دارد که یك عده منتقد باسواد گوینده‌ی چیز فهم شجاع پشت آن ایستاده باشند و اگر این منتقدین وجود نداشته باشند ممکن است که سینما یك نفس‌هایی بکشد . کما اینکه مال ما نفس‌هایی کشیده ولی اگر پشتش را منتقدین باسواد و با تجربه نگیرند این نفس‌ها کم کم خاموش می‌شود .

● **... یك مقدار راجع بکار خود فیلمسازها صحبت کنیم بنظر شما تکنیك کار فیلمسازان ما چطور است ؟**

گله : اصولا مردم و حتی بسیاری از تهیه کننده‌ها خیال میکنند که تکنیك یعنی حرکت دوربین ... البته بچه‌ها گناهی ندارند چـون مثلا هنوز هم وقتی می‌خواهند افکت بگیرند برای یك فیلم می‌بینید که چند تا از بچه‌ها می‌نشینند در اطاق صدابرداری دو تا آجر یکی در دست دارد ، یك سطل یکی یك میخ ، یك شیشه آب دست نفر سوم است و با سر و صدا و ترق و روق افکت فیلم را بوجود می‌آورند ... خب در اطاق صدابرداری که طولش حداکثر ۴ متر است شما چطور می‌توانید صدای پایی را که تصویر نشان می‌دهد از هشتاد متر آن طرفتر نزدیك میشود ایجاد کنید ؟ این امکان پذیر نیست نتیجه تصنعی می‌شود و وقتی تصنعی شده بتصویر و فیلم لطمه می‌زند و هر وقت آدم آگاهی بسینما برود می‌فهمد که این تکنیك اصلا غلط است و افکت و تصویر حالت نچسب و گریزان از هم پیدا کرده است و همدیگر را کامل نمی‌کنند تکنیك ما خیلی کار دارد تا تکنیك بشود کما اینکه در مورد «گاو» مهرجویی گفتند یك نقاشی اصیل است و پر از شگفتی و تفکر و انسان دوستی است ولی دیدیم که تکنیکش صفر است . همیشه هم تکنیك ما صفر بوده و وقتی درست می‌شود که دستگاههای تازه وارد کنند سرمایه گذاری بشود و واقعاً مسئولین به این سینما برسند .

ادامه دارد

شرکت سینما تأتر رکس تقدیم میکند :

تحول تازه در امر تولید فیلم در ایران

در دهه انقلاب شرکت سینما تئاتر رکس گام بلند دیگری جهت بهبود فیلم‌های ایرانی برمیدارد

● شرکت سینما تئاتر رکس که از قدیمی‌ترین و فعال‌ترین سازمان های سینمائی در ایران است و در گذشته عهده‌دار توزیع محصولات کمپانی‌های برادران وارنر و آرتور رانک و چند کمپانی معتبر دیگر بود، در سه چهار سال گذشته همراه با تحولی که در سینمای ایران از لحاظ تهیه فیلم‌های خوب و هنری و تقریبا غیر تجاری بوجود آمد، مصمم گردید که دامنه فعالیت خود را در زمینه فیلمسازی در ایران گسترش بدهد و خود راسا به تهیه فیلم‌های ایرانی اقدام نماید.

این امر از یک جهت خیلی قابل توجه است، چون تصمیم شرکت سینما تئاتر رکس در دهه‌ای صورت میگیرد که چهره ایران از هر جهت دچار تحول و دگرگونی شده و در همه شئون اجتماعی و فرهنگی و آبادانی تحولات همه جانبه‌ای صورت گرفته است.

نخستین محصول این شرکت «داش آکل» ساخته‌ی مسعود کیمیائی بود که از جهت کیفی و معنوی توفیق زیادی ببار آورد.

پس از موفقیت این فیلم «تنگنا» شرکت روی این نیت و قصد استوار شد که هرچه بیشتر بر فعالیت خود افزوده و برای بازار سینمای ایران هرچه زیادتر فیلم تهیه کند و از لحاظ کمیت و کیفیت گامهای اساسی بردارد.

شرکت در فعالیت‌های اولیه خود موفق شد در عرض ۵ ماه تعداد محصولات خود را از دو فیلم به هشت فیلم برساند و در مدتی کمتر از ۶ ماه پرکارترین سازمان تهیه فیلم در ایران در سال جاری بشود.

در ابتدا شرکت سینما تئاتر رکس سازندگان فیلمها را با خود شریک ساخت، گرچه احتمال داشت بدین ترتیب بازده سرمایه کم بشود، اما شرکت به این کار اقدام کرد و در مرحله اول فعالیت‌های خود، نیت خود را به مرحله اجرا درآورد. شرکت معتقد بود که با این کار یعنی سهیم کردن فیلمسازان، مقدار زیادی از مسئولیت های ناشی از فیلمسازی خود بخود از میان خواهد رفت. شرکت معتقد بود که فعالین و سازندگان فیلمها نیز در ایجاد یک اثر شریک و سهیم هستند و اینها هستند که سازنده واقعی فیلم خواهند بود و بهمین علت باید در سرنوشت فیلم شریک باشند و اگر از جهت مادی توفیقی بدست می‌آید، آنان نیز در این راه بهره‌ای بدست آورند. اما متاسفانه این نحو شرکت نتوانست دوام آورد و عدم حس مسئولیت از طرف تیم سازنده سبب زیانهای بیش از حدی برای شرکت شد.

هرچند بعضی از فیلمهای اولیه شرکت (که تعدادی عهده‌دار توزیع آن‌ها بوده است) کم و بیش با موفقیت نسبی روبرو شدند، اما هدف غائی شرکت را که ایجاد یک مرکز تعاون باشد، برآورده نساخت. این بود که شرکت سینما تئاتر رکس مصمم شد خود بدون این که یک یا چند شخص حقیقی را در ساختن فیلم‌هایش شریک و سهیم سازد، راسا در کار تهیه فیلم سرمایه‌گذاری کند و به ساختن فیلم بپردازد.

با تحول و دگرگونی خاصی که در امر تولید و توزیع و پخش فیلم‌ها بعمل آورد و با تجربه‌های قبلی از این پس شرکت به تهیه فیلم‌های خوب تجاری و مناسب ادامه خواهد داد.

از جمله فیلمهای بزرگی که اکنون در این شرکت جلوی دوربین است باید از فیلم‌های «**خروس**» ساخته «**شاپور قریب**» «**غریبه درمه**» ساخته‌ی «**بهرام بیضائی**» و فیلم **نفرین** ساخته **ناصر تقوائی** را نام برد.

شرکت سینما تئاتر رکس بعلاوه از کارگردانان دیگری چون «**نصرت کریمی**» **جلال مقدم و مسعود کیمیائی**» دعوت کرده که با این مرکز مهم فیلمسازی کشور همکاری مداومی داشته و پیوسته بکارگردانی محصولات آینده شرکت بپردازند.

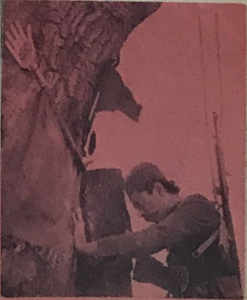
شرکت سینما تئاتر رکس با توجه باین اصل که اگر در ساختن یک فیلم بودجه اولیه کاملا تنظیم گردد و داستان خوب و کارگردان خوب و تیم سازنده خوب باشد، فیلم با زیان مواجه نمی‌گردد، بکار خود ادامه میدهد و مطمئن است از این طریق خواهد توانست ارزش‌های نسبی برای سینمای ایران بدست آورد و با ارائه فیلمهای بهتر و خودداری از توزیع محصولات دیگران مکتب تازه‌ای برای عرضه آثار درخشان سینمای ایران گردد.

شرکت سینما تآتر رکس تقدیم میکند:



ستار خان

محصول گروه آزاد فیلم- پخش از : شرکت سهامی سینما تئاتر رکس- نویسنده و کارگردان: علی حاتمی- مدیر فیلمبرداری : هوشنگ بهارلو- هنرپیشگان : علی نصیریان- عزت‌الله انتظامی- پرویز صیاد - عنایت بخشی - جهانگیر فروهر- جلال- نریمان



● علی حاتمی از سینماگران جوانی است که با «حسن کچل» سبك تازه‌ای در سینمای ایران باب نمود و سپس فیلمهای دیگرش «طوقی ، باباشمل ، قلندر و خواستگار» هر کدام از ویژه‌گیها و ریزه‌کاریهای خاصی برخوردار بود که نام «علی حاتمی» را بعنوان يك سینماگر خوب و فهیم در تاریخ سینمای ایران ثبت مینماید.

حاتمی مدتها بوده که دلش میخواست از زندگی «ستارخان» این مرد حادثه‌ساز و آزادیخواه مشروطه‌طلب فیلمی بسازد تاجائی که با بررسی کتابهای گوناگونی که در مورد این مرد نوشته شده است سناریوی «ستارخان» تنظیم وبارها روی آن کار نمود . حاتمی معتقد است که ستارخان کامل‌ترین وبهترین سناریوئی است که تا کنون نوشته و آنرا به فیلم برگردانده است و از آنجائیکه حاتمی از بهترین نویسندگان سینمائی است وتمام سناریوهایش با موفقیت مواجه بوده‌اند میتوان حدس زد که ستارخان چگونه فیلمی از آب درخواهد آمد ؟ در ستارخان عده‌ای از بهترین هنرپیشگان آماتور و حرفه‌ای نقشهای مختلف را عهده‌دارند که قبل از همه باید از علی نصیریان که ایفاگر نقش ستارخان در آن است نامبرد هنرپیشگان دیگری هم منجمله عزت‌الله انتظامی ، پرویز صیاد ، عنایت بخشی ، جهانگیر فروهر، جلال، نریمان ودیگر در ستارخان شرکت دارند که هر کدام ایفاگر نقشهای گوناگون این فیلم هستند ستارخان را هوشنگ بهارلو فیلمبرداری نموده و از جمله فیلمهائی است که شرکت سهامی سینما تئاتر رکس روی آن زیاد حساب میکند .

شرکت سینما تاتر رکس تقدیم میکند :

خروس



«رنگی» محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس باهمکاری سازمان سینمائی هفت

سناریست و کارگردان : شاپور قریب ـ فیلمبردار: نصرت‌اله کنی

هنرپیشگان : سعیدراد ـ ایرن ـ سپیده ـ ایرج صفدری ـ منوچهر احمدی و داودرشیدی

● بهرام‌بیضائی، ناصرتقوائی، شاپورقریب ونصرت‌اله کنی که‌هرکدام سوابق درخشانی درسینمای ایران‌دارند«بیضائی«رگبار» را ساخته است، تقوائی ، آرامش درحضور دیگران و صادق‌کرده را، شاپورقریب رقاصه، کاکو وغریبه را کنی هم از فیلمبرداران پرکار وپرتوان سینمای ایران است‌که سال قبل بخاطرفیلم‌برداری تله سپاس گرفت» اوایل امسال دست بدست همدادند تایك سازمان سینمائی برای ساختن‌فیلمهای‌سالم‌ایرانی‌بوجود آورندوبالاخره‌بعد از مدتها همفکری و تبادل نظر این سازمان ازچندماه قبل تحت عنوان«سازمان‌سینمائی‌هفت»باساختن‌فیلم «خروس» شروع‌بکارنمود. خروش راشاپورقریب کارگردانی مینماید که درضمن سناریوی آنرا هم‌خودنوشته‌است تابعدا جای‌هیچگونه حرفی باقی‌نگذارد فیلم‌توسط نصرت‌اله کنی‌بطوررنگی درشوشترفیلمبرداری‌شده‌ودرآن سعیدراد، ایرن ، سپیده، ایرج‌صفدری، منوچهراحمدی و داودرشیدی‌شرکت دارندکه هرکدام‌بنوبه خودبامهارت‌ازایفای‌نقش محوله‌برآمده‌اند. یکی، دوفیلم قبلی قریب مثل «بدنام» بخاطر ضعف سناریو «بقول خودش» چندان باموفقیت روبرونشد بهمین جهت تصمیم گرفت ولو آنکه مدتی بیکار بماند خودش برای ساختن فیلم تازه‌اش‌سناریو بنویسدچون حتم داشت بیشتر از آنکه یك سناریست بخواهدروی آن‌وپرداختش کارخواهدکرد بهمین‌جهت فیلمش ازاستخوان بندی محکمی برخوردار خواهد شد و خروس نتیجه این کار تازه قریب است که بزودی شاهد نمایش آن خواهیم بود . خروس را شرکت سهامی سینما تئاتررکس بعنوان یکی از فیلمهای ارزنده‌ایرانی توزیع مینماید .

نفرین



محصول شرکت‌سهامی سینما تئاتر رکس باهمکاری سازمان سینمائی هفت ـ سناریست و کارگردان : ناصر تقوائی‌ـ‌فیلمبردار: نعمت‌حقیقی‌ـ‌هنرپیشگان: بهروزوثوقی‌ـ‌فخری‌خوروش‌ـ‌کهنموئی‌ـ‌نریمان‌ـ دهقان‌ـ‌ملکی‌و جمشید مشایخی

● تقوائی‌که اکثراً اورا بافیلم خوب «صادق‌کرده» می‌شناسند زیراکه هنوز اولین‌کارش «آرامش‌درحضور دیگران» به نمایش عمومی درنیامده‌است بعنوان شروع همکاریش با سازمان سینمائی هفت فیلمی ساخته است موسوم‌به«نفرین» که درواقع‌دومین محصول این سازمان است‌ـ نفرین‌که از امیدهای بزرگ سینمای ایران برای شرکت درفستیوالهای بین‌المللی است از فرمی تازه وبدیع‌برخوردار است‌که تقوائی‌سعی نموده برای‌پرداختش زحمات زیادتری رامتحمل‌گردد بهمین‌جهت بیش از آنچه تصور میرفت فیلمبرداریش درجنوب کشور بطول انجامید ولی هنگامیکه کار بپایان رسید هیچکدام از افراد اکیپ‌گله وشکایتی‌نداشتند چون حتم داشتندکه توانسته‌اندکار دسته‌جمعی خوبی رابپایان برسانند. درنفرین‌که توسط نعمت حقیقی فیلمبرداری گردیده بهروزوثوقی هنرپیشه توانا وباقدرت فیلمهای ایرانی ایفاگرنقش‌اصلی‌است و درکنارش هنرمندانی‌چون‌فخری‌خوروش ، کهنموئی، نریمان،دهقان، ملکی وجمشید مشایخی ایفاگر نقشهای متفاوت‌فیلم هستند. نفرین ازجمله‌آثار باارزش سینمای ایران است که‌شرکت‌سهامی‌سینما تئاتر رکس باافتخار فراوان‌آنرا پخش وتوزیع مینماید.

غریبه و مه



محصول شرکت سینما تئاتر رکس باهمکاری سازمان سینمائی هفت ـ سناریست و کارگردان: بهرام بیضائی ـ هنرپیشگان: منوچهر فرید ـ پروانه معصومی و جمشید شاه محمدی.

● بهرام بیضائی با اولین فیلم طویل خود «رگبار» نشان داد که فیلمسازی با قریحه و با فکر است. رگبار حاصل تجربه‌ای خوب از تلاش کامل «بهرام بیضائی» بود که توانست در اولین جشنواره جهانی فیلم تهران به موفقیت قابل توجهی دست یابد و جایزه پلاك طلائی این جشنواره را بربابد. ضمنا هنرپیشه اول فیلم «پرویز فنی‌زاده» مورد توجه شدید قرار گرفت. رگبار ضمناً به موفقیت‌های دیگری دست یافت، ازجمله درجشنواره سینمائی و نیز وهفته فیلمهای ایرانی در پاریس به نمایش درآمد و به توفیق دست یافت.

اینك بهرام بیضائی دومین فیلم طویل خود را بنام «غریبه و مه» جلوی دوربین برده که بدون شك چون «رگبار» خواهد توانست افتخارات تازه‌ای برای سینمای متفاوت واصول ایران که این روزها دارد از بطن سینمای کهنه زائیده میشود بیرون می‌آید، کسب خواهد کرد. در این فیلم «منوچهر فرید، پروانه معصومی» بازیگران فیلم رگبار و «جمشید شاه محمدی» شرکت دارند.

شرکت سینما تئاتر رکس که اینك پیشقدم تحول دیگری در امر تولید فیلمهای خوب در سینمای ایران شده، تهیه و پخش این فیلم را یکی از افتخارات خود و از گامهای اساسی میداند که در این زمینه برمیدارد.

صبح روز چهارم



محصول: شرکت سهامی سینما تئاتر رکس

سناریست و کارگردان: کامران شیردل ـ

فیلمبردار: جمشید الوندی

هنرپیشگان: سعیدراد ـ وجستا ـ جلال ـ شهرزاد ـ آراسته ـ حسن رضائی

● کامران شیردل از فیلمسازان تحصیل کرده ایستکه با فیلم «صبح روز چهارم» سینما تئاتر رکس معرف او به تماشاگران فیلمهای ایرانی خواهد بود.

صبح روز چهارم که اینك آماده نمایش است ازیك داستان حادثه‌ای برخوردار است که ایفاگر نقش اصلی آن «سعیدراد» یك ضد قهرمان است شیردل سعی نموده اولین کارش از ویژه‌گی‌های خاصی برخوردار باشد که معرف او بعنوان یك فیلمساز نمونه در سینمای ایران گردد. اوقبلا تعدادی فیلم کوتاه مدت ومستندساخته است که تماشاگر بادیدن آن فیلمها میتوانست قبول نماید که فیلمساز مستعدی سازنده این فیلمهاست. بهمین جهت باعلاقه زیاد منتظر نمایش اولین فیلم طویل او میباشند و با آنکه این کار قدری بطول کشیده است ولی بهرحال این فیلم اینك آماده نمایش است و بزودی نمایش عمومیش در تهران و شهرستانها آغاز خواهد شد.

درصبح روزچهارم که فیلمبرداری آنرا جمشید الوندی انجام داده سعیدراد ـ وجستا ـ جلال ـ شهرزاد ـ آراسته ـ حسن رضائی ـ حسین شهاب ـ مهردادیان وعده‌ای دیگر شرکت دارند. این فیلم اولین محصول گروه آزاد فیلم است که شرکت سهامی سینما تئاتر رکس بعنوان یك فیلم خوب وقابل بحث وگفتگو امور پخش آنرا بعهده گرفته است.

شرکت سینما تاتر رکس تقدیم میکند:

ناخدا



محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس ـ سناریست احمدنجیب‌زاده ـ کارگردان: امیر شروان: فیلمبردار مازیار پرتو ـ هنرپیشگان: ناصر ملک‌مطیعی، فروزان رحیم روشنیان ـ ماشینچیان ـ شهناز ـ خوشبخت دهقان ومنوچهر وثوق

● ازفیلمسازانی که همواره فیلمهایش با موفقیت فراوان مواجه گشته‌است میتوان ازامیر شروان سازنده فیلمهائی مثل «خاطرخواه» نامبرد شروان که تحصیلات هنری خودرادر رشته سینما و تأتر در آمریکا بپایان رسانده اززمانیکه بایران بازگشت وشروع بکارهای هنری نمود باشناختی که قبلا ازایران داشت دوال کارش رادرمسیری قرارداد که مقبول عموم وتوده‌ی مردم قرار گیرد کما آنکه در تئاتر پیسهائی چون قهوه‌خانه ماماوت و «سیاه وسفید» را به روی صحنه آورد ودرسینما نیزفیلمهای زیادی منجمله ۳ناقلادرزاپن مردی ازاصفهان آدم وحوا ، قسمت و ... خاطرخواه راساخت فیلمی که شروان بعنوان آغاز فعالیتش درشرکت سهامی سینما تئاتر رکس ساخته‌است ناخدا نامدارد که از سوژه‌ای کاملا تازه ومردم پسند برخوردار است این فیلم‌را مازیار پرتودرجنوب باشرکت هنرپیشگانی چون ناصر ملک‌ـ مطیعی ،فروزان ، رحیم روشنیان ، ماشینچیان ـ شهناز، خوشبخت دهقان ومنوچهر وثوق فیلمبرداری نموده ناخدا از محصولات پر سروصدا وپرخرج شرکت سهامی سینما تئاتررکس است که پیش بینی می‌شود باموفقیت خارق‌العاده‌ئی مواجه گردد .

امیرشروان ناخدارا یکی از بهترین فیلمهای خود که تا کنون ساخته‌است میداند وعقیده‌دارد برای بازیگران وسازندگان آن موفقیت زیادی دربرخواهدداشت.

کاکاسیاه

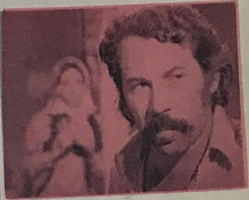


محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس کارگردان : امیر شروان: فیلمبردار : مازیار پرتو ـ سناریست: سعید مطلبی هنرپیشگان: بیك ایمانوردی ـ فروزان ـ رحیم روشنیان ـ احمدمعینی ـ خوشبخت ـ ناهید شاهدی .

این‌بار امیرشروان سازنده‌ی فیلمی برای شرکت سهامی سینما رکس شده‌است بنام «کاکاسیاه» که‌جهت نمایش درعیدنوروز آماده نمایش خواهدشد . کاکاسیاه ازیك سوژه کمدی انتقادی ودرعین حال انسانی برخوردار است بهمین جهت پیش‌بینی می‌شود با موفقیت زیادی مواجه گردد وروی این اصل سازندگان آن نیز مصمم شدند آنرا برای نمایش درعیدنوروز آماده نمایند . سناریوی این فیلم را سعیدمطلبی که خوداز فیلمسازان خوب سینمای ایران است نوشته‌است ودر آن بیك ایمانوردی باردیگر درقالبی تازه وجدید فرو رفته است ودرمقابلش فروزان ستاره محبوب وپرسو که ایفا گریکی ازبهترین نقشهای سینمائی خودشده‌است رحیم روشنیان ، احمدمعینی خوشبخت ازجمله دیگرهنرپیشگانی هستند که در کاکاسیاه شرکت‌دارند این فیلم راکه یکی ازپرسروصداترین محصولات شرکت سهامی سینما تئاتررکس است مازیار پرتوفیلمبرداری می‌نماید وهمانطور که اشاره شد برای نمایش عیدنوروز ۱۳۵۲ درنظر گرفته‌شده‌است ـ امیرشروان با کاکاسیاه یکی ازآسهای خودرا روخواهد کرد که برایش پرموفقیت خواهدبود .

شرکت سینما تأتر رکس تقدیم میکند:

تجاوز



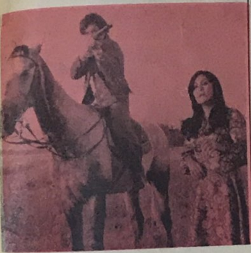
محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس
کارگردان: حمیدمصداقی- سناریست: بهزادفراهانی
فیلمبردار: منصور یزدی- هنرپیشگان: اکبرمشگین
آذرفخر- بهزادفراهانی - کرم رضائی - جمشید
لایق - منوچهر فرید و ... داود رشیدی

● یکی دیگر ازفیلمسازان جوان که امسال سینما تئاتر رکس بانمایش اولین‌فیلمش «تجاوز» معرف‌او خواهد بود «حمید مصداقی» نامدارد که‌گفته میشود بزودی‌بانمایش این‌فیلم‌درردیف کارگردانان صاحب‌نام سینمای‌ایران درخواهد آمد.

تجاوز ازقصه‌ای ساده برخوردار است که حوادث‌آن دریك روستاوآدمهای گوناگون آن اتفاق میافتد. به دختر مردی که آسیاب‌دارد تجاوزمیشود و آن مرد اشتباها بشخص بیگناهی‌مشکوك میشود.

ولی بهرحال باکمك یکی از اهالی‌ده که‌تاحدودی‌شاهد و ناظرماجرا بوده است قصه‌روشن میشود. حمیدمصداقی کـه هنوز خیلی جوان است وبرای پیشرفت فرصت فراوان دارد تجاوز را بعنوان اولین‌کارش عرضه مینماید وحتی موفق شد آنـرا دراولین فستیوال جهانی فیلم‌تهران که چندی پیش‌برگزار شدشرکت دهد. در تجاوزعده‌ای از هنرپیشگان سرشناس تئاترمثل داودرشیدی اکبرمشگین، آذرفخر، کرم‌رضائی، جمشیدلایق، بهزاد فراهانی و منوچهرفرید شرکت دارند وهر کدام بنوبه‌خودکاری درخور توجه ارائه داده‌اند. تجاوزرا منصوریزدی فیلمبرداری نموده وبزودی در سینماهای تهران وشهرستانها بهروی اکران‌خواهد آمد.

حریص



محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس‌سناریست
وکارگردان: ایرج‌رضائی- فیلمبرداروتهیه کننده
شکراله‌رفیعی-هنرپیشگان: بیك‌ایمانوردی- مرسده‌ی
کامیاب- سیمین‌غفاری ورمضانی‌فر

● شرکت سهامی سینما تئاتر رکس در جوار فیلمهای زیادی که‌درطول‌سال تهیه‌می‌نماید باعده‌ای ازتهیه کنندگان منفرد نیزدراین موردهمکاری دارد که‌تعدادی فیلم‌هم‌این تهیه کنندگان درشرکت‌سهامی‌سینما تئاتررکس‌تهیه‌مینمایندازجمله تهیه کنندگانی که چنین همکاری‌باشرکت مزبور دارد «شکراله رفیعی» فیلمبردار قدیمی وباسابقه‌فیلمهای ایرانی است که‌چندی‌قبل نیزفیلم«مطرب» راباهمکاری‌سینما تئاتر رکس‌تهیه‌نموده وی‌اخیرا فیلم‌دیگری‌تهیه کرده‌است بنام«حریص» که‌سناریوی آنرا «ایرج‌رضائی»سناریست فیلم‌گندا کبرنوشته‌است وخودبعنوان‌اولین‌تجربه‌اش آنرا کارگردانی کرده‌است‌رضائی‌ازدوبلورهای باسابقه‌است کـه‌سعی نموده‌اولین‌کارش رافیلمی‌خوب‌وسرگرم کننده‌ازکاردرآورد درحریص هنرپیشه‌محبوب وپرکار فیلمهای ایرانی بیك‌ایمانوردی نقش‌اصلی‌را بازی‌نموده‌و درکنارش‌هنرپیشگان‌دیگری‌منجمله‌مرسده‌ی کامیاب ، سیمین‌غفاری ورمضانی‌فرشرکت‌دارندحریص‌را که‌اکنون آماده‌نمایش‌است‌شکراله رفیعی فیلمبرداری نموده وچند آهنگ تازه‌ازساخته‌های منوچهر گودرزی درآن‌مورد استفاده‌قرارگرفته‌است.

شرکت سینما تأتر رکس تقدیم میکند:

لیست فیلمهائی که تاکنون بنمایش در آمده است

اثر بزرگ و پرافتخار مسعودکیمیائی

داش آکل

باشرکت:
بهروزوثوقی ـ بهمن‌مفید ـ مری آپیک ـ شهرزاد

صمدوسامی ، لیلاولی‌لی

باشرکت:
پرویزصیاد ـ شهناز تهرانی ـ عبدالعلی‌همایون

جاده تبهکاران

باشرکت:
پوری‌بنائی ـ زرین‌دست ـ آنوش ـ سپهرنیا

تنهامرد محله

باشرکت:
مرتضی عقیلی ـ شیراندامی ـ پوری‌بنائی

مطرب

باشرکت:
نیلوفر ـ جمشیدمشایخی ـ فرشید ـ فرزان ـ مرسده کامیاب

پدر که ناخلف افتد

باشرکت:
پوری‌بنائی ـ جمشیدمشایخی ـ سعیدکامیار

یك‌فیلم‌کمدی‌باشرکت‌دوغول کمدی‌سینمای‌ایران

لج‌ولجبازی

باشرکت:
وحدت ـ ارحام‌صدر ـ ژاله کریمی

یك‌فیلم‌ازجلال‌مقدم

صمدوفولادزره‌دیو

باشرکت:
پرویزصیاد ـ نوری‌کسرائی

شهر آفتاب

با شرکت:
نیلوفر ـ حسین‌حسینی ـ انوش ـ نادره

گذراکبر

باشرکت:
بیك‌ایمانوردی ـ فرشته جنابی ـ داوددرشیدی

شکوه‌قهرمان

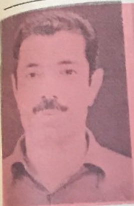
باشرکت:
نیلوفر ـ محمدزرین‌دست ـ فرخ‌ساجدی

باشرفها

باشرکت:
فریباخاتمی ـ آرمان ـ پیمان ـ لرتا ـ سپهرنیا

شرکت سینما تأتر رکس تقدیم میکند:

سه فیلم بزرگ واستثنائی که بهار آینده آغاز خواهد شد

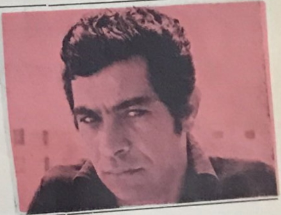




عزت اله انتظامی ، علی نصیریان، پوری بنائی

درفیلم

قفس شیشه ای

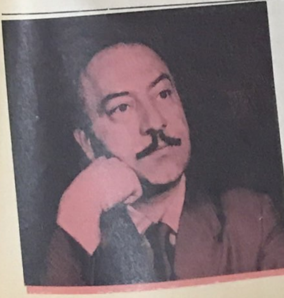


بهروز وثوقی

در اثری از کارگردان نامدار سینمای ایران

مسعود کیمیائی

تاراج



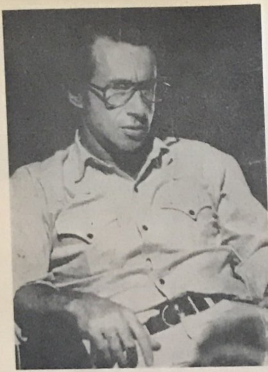
نصرت کریمی

در فیلمی بکارگردانی

نصرت کریمی

؟

استعاره



گوردون گو

در گفت و شنیدی با

آرتور پن

برگردان : جهان

«۳»

مجسمه‌ی متحرك ، بروشنی ، غریزه‌ی بقا در نوع انسان را نمایش می‌داد . غرض گفتن این واقعیت بود که باوجود عظمت آتش‌سوزی هلاکت زا ، بهرحال استعداد زنده ماندن همواره در بشر پابرجا خواهد بود و هدف نهائی اینست که شهامت را از این پیکره یاد بگیریم. نباید به این باور برسیم که ما در تب و تاب آن نوع فضای سیاسی اجباراً ترسولی و بزدلی پیشه کردیم. نه ، براستی ما برای آن زمانه‌ی چرند چندان هم تره خرد نمی‌کردیم ، ما با **«میکی وان»** روبرو شدیم که از مهلکه‌ی مرگ‌آوری سالم جسته بود با اینحال، بهنگامی که من احساس می‌کردم امریکا از نومیدی ژرفی رنج میبرد، او گونه‌ای خوشبینی باخود داشت. خاستگاه این نومیدی تا حد زیادی احساس تقصیر و گناهی بود که برهرکس عارض گشته بود ؛ احساس شرکت در چیزی که از نظرگاهی انسانی ، با پستی و پلشتی تجربه‌ی مك‌کارتی همسنگ بود . پس بدیهی است که با در نظر گرفتن قضیه‌ی هیروشیما ، هنرمند ، يك ژاپنی باشد ، نمادگرائی مجسمه که از نو شروع به جنبش می‌کند ، خیلی ها از جمله مجریان استو دیورا گیج کرد . چرا که آنها چنین پدیده‌ای را قبلا در فیلمهای امریکائی ندیده بودند در فیلمی که از اروپا می‌آمد و «زیرنویس» داشت مساله فرق می‌کرد - چون این حضرات خیلی ساده فرض می‌کردند که توضیح برگردان نشده‌ای وجود دارد و در نتیجه آنها باین دلیل از درك مطلب عاجز مانده‌اند. رو بهمرفته مساله‌ی مهمی نبود اما اگر در فیلمی که همه در آن بزبان خود شما حرف می‌زدند ، چیزی را نمی‌فهمیدید این احساس در شما پا می‌گرفت که يك‌جای اثر می‌لنگد - که نباید بلنگد . با این تفاصیل فکر نمی‌کنم که «میکی وان» زیاد آنها را سردماغ آورد .

« ببین ، چون معجزه‌گر از علو فکری و اصالت برخوردار بود ، آنها تصور کردند که من جویای ادامه‌ی این نوع کارم ! کاری که آنها تمجیدش می‌کردند ، زیرا برای هر تماشاگر کاملا درك شدنی بود و براستی حسابی بدل او می‌نشست . حال آنکه درعوض ، من با این قیاس تمثیلی از موقعیت اجتماعی آنزمان پا به میدان گذاشتم و فکر می‌کنم آنها از دیدن این فیلم به ورطه‌ی وحشت پرتاب شدند.

« ضمناً گرچه نوشته‌ی «گیبسن» برای «معجزه‌گر» سخت متفکرانه بود ، فکر می‌کنم ما در انتقال چنین لحنی از نمایشنامه به فیلم بگونه‌ای دور از سانتیمانتال بودن موفق شدیم این فیلم با نشان دادن رفتار تند و خشن معلم نسبت بکودك ، آن هم بخاطر برآورد هدفی نجیبانه، بجنبه‌ای دردناك گرایش مییافت. درحال پیش، فیلمی با چنین درونمایه‌ای آدم را بسوز و گداز مبتلا می‌کرد و چون عاری، از برانگیختگی ژرف و تمام‌عیار عواطف بود ، به احساسات سخیف نگونسار می‌شد .

در نیویورك تماشاگرانی بودند که نمایشنامه را نامناسب یافتند ـ چون شبشان درجوار بهترین تشکیلات بازیگری گذرانده نشده بود مساله اینست که نمایشنامه حسابی خشن بود و ما نیز همین قصد را داشتیم . این نیز سر آن دارد که تمثیلی دیگر از موقعیت انسانی باشد که از غمزدگی ها پیکار جویانه پا بیرون می‌نهد ، علیه فقدان هوش یادانش میجنگد، و تا دستیابی به نوعــی ادراك می‌جنگد

بگمان من، بهترین چیزهائی که انسانها بدست آورده‌اند ، پیکار آنان بوده است علیه‌ی نابرابری ها و دشواری‌های مطلقاً شکست ناپذیر . »

این کشش استعاری ، که در «میکی وان» حسابی درخشید، در تمامی فیلمهائی که پن تاکنون ساخته‌است ، نمایان است « البته همیشه امکان دام‌گستری وجود دارد - امکان تظاهر به انجام چیزی که آدم فی‌الواقع انجام نمی‌دهد

نیت اصلی من ، سوای استثنای پذیرفتنی « میکی وان »، همیشه این بوده است که بــا آفرینش عرصه‌ای عمومی بین فیلم و تماشاچی، وشناخت این واقعیت که سینما يك مديوم مردمی است، حاصل کارم جذاب و سرگرم کننده باشد . درقلمرو فیلم چیز بالکل اسرارآمیز و پوشیده وجود ندارد . مطمئناً فیلم شعر نیست . نخست باید ارج ویژه‌ای به قصه گذاشت . و بعد اگر جربزه‌اش داشته باشی که نواهای تأکیدی گونه‌گونی به فیلمت بخشی و اشاراتی استعاری در آن بگنجانی، کارت محشر می‌شود. اما آدم نباید درمرحله‌ی اول وابماند . فکر می‌کنم که تاحدی در «میکی وان» از این لحاظ وامانده‌ام. دلم میخواهد به گذشته برگردم و این اثر را از نو بسازم و در آن قصه‌ی آسان فهم جالبی را بگذارم و تماشاگری را که توی صندلی لمیده و «کذرت بو داده» خوران حیران است که می‌تواند از فیلم دل بکند یا نه ، سر شوق بیاورم .

شاید اینجوری خوب نباشد یا شاید همیشه‌ای بهتری باشد . احساس «عاقبت‌بینی» من این است که فیلم به چیزی دمبهم يك جایش می‌لنگد . درست همانطور که « میکی وان » بدل خیلی‌ها نشست .

ادامه دارد



● «دیک کاوت»



● مایک داگلاس



● جانی کارسن و همسرش «جوآن»

بزرگان تلویزی

اختصاصی برای «فیلم وهنر»

نوشته :سعید صالحی

● شبکه‌های تلویزیونی امریکاصاحب یکی ازمتنوع‌ترین برنامه‌های تلویزیونی جهان می‌باشندکه ازتعداد بیشماری «شو» که‌موردنظر این‌مطلب‌می‌باشد ، تشکیل یافته‌اند . این‌شوها که به طرق مختلف تهیه وعرضه می‌گردند ، بخاطرهمین تقسیم‌بندی ، دارای بینندگانی خاص‌خود می‌باشندکه بندرت بینندگانی برای تماشای همه‌آنها نظرخوش ومساعد نشان داده‌است . این‌برنامه‌ها که‌امروزه دارای‌قوانین مشخص‌وثابتی‌شده‌اند وتاحدودی ازمـدار آن‌پافراتر نمی‌گذارند ، تماما درشهر سینمائی هالیوود تهیه و از همانجاپخش‌یابرای‌فرستنده‌های تلویزیونی امریکاارسال‌میگردند. درشبکه‌های‌منظم‌تلویزیونی‌آمریکاسه‌نوع«شو» وجوددارد که‌هر کدام روال‌جدا ومستقیم‌دارند .

شوهائیکه داستان‌دارهستند وبه‌صورت سریالهای‌تلویزیونی پخش‌میگردند‌مانند ، **«راك‌هادسن‌شو»** ، **«دیك‌وان دایك‌شو»**یا **«جیمز گارنرشو»** که‌ضمناهفتگی‌هستند . شوهای دیگری‌نیزوجود دارندکه موزیکالی می‌باشند و جنبه سرگرم‌کننده دارند مثل ، **«دین‌مارتین شو»** یا **«بابی‌دارین‌شو»** وگروه سوم که موردنظر اینجامی‌باشد ، شوهایی‌هستندکه بصورت مصاحبه وگفتگو انجـام می‌پذیرد والبته برای‌تنوع وجلوگیری ازخشکی برنامه‌ها که‌ملال آورمی‌شوند ، قسمت‌های کمدی یارقص‌وآواز هم‌درخلال آنهاقرار می‌دهندکه این دسته ازبرنامه‌های تلویزیونی ، برخلاف دو طبقه دیگرکه تعدادشان ازحساب خارج است ، منحصر به‌پنج برنامه کلی‌می‌شودکه به‌ترتیب عبارتنداز :

مایك‌داگلاس‌شو ، مروگریفین‌شو ، دیوید فراست‌شو ، جانی‌کارسن‌شو ، دیك‌کاوت‌شو .

این‌برنامه‌ها که توسط‌بزرگترین مجریان‌تلویزیونی امریکا اداره واانجام‌می‌گردد ، ازظریف‌ترین و پرطرفدارترین‌برنامه‌های تلویزیونی امریکا بشمارمی‌روندکه ازنظرارزش ومقامی که دربین طبقات‌مختلف‌دارند ، ازپرهیجان‌ترین وپرسر وصداترین‌برنامه‌ها نیزمحسوب می‌شوند که بینندگان تلویزیونی رویشان‌سخت حساب می‌کنند .

درذیر برای‌آشنائی بااین گروه که «بزرگان تلویزیونی امریکا» بایدنامیدشان ، برنامه‌هریك رابطور جداگانه موردتدقیق قرارمیدهم وامیدوارم موقعیتی پیش بیاید که بینندگان تلویزیون ایران نیزموفق‌بدیدار آنهابشوند (گرچه اینك ازطریق تماشای تلویزیون‌امریکاواقع‌درتهران‌این‌امر امکان‌پذیراست)ولی‌قابل استفاده‌برای‌همگان ازنظرزبان اصلی‌نیست . بهرحال‌این‌برنامه‌ها اززمره دیدنی‌ترین برنامه‌های تلویزیون‌های امریکا بشمـار می روندکه اولینش «مایك‌داگلاس‌شو» نامدارد .

این‌شوها که‌در بعدازظهر ساعت‌سه‌ازشبکه‌تلویزیونی(CBS) پخش‌میشود ، ازنظر محتوا واجرانسبت به‌بقیه ساده‌تر وسبك‌تـر می‌باشد وبیشترجنبه خانوادگی دارد‌زیرا معمولا درساعتی‌که این شوپخش‌می‌گردد، تنهاکسانی که‌درخانه وناظر‌برنامه‌های‌تلویزیونی هستند خانمهای خانه‌دار می‌باشندکه این شو جوابگوی خواسته آنهاست . برنامه **«مایك‌داگلاس»** که‌ضمنا رقیبی‌برای برنامه‌های «مروگریفین» از(NBC) بشمار میرود وتاحدودی شباهت و روال برابری‌دارند ، باآوازی‌که خودشخصا اجرامی کند آغازمی‌شود و پس‌ازآنها چهاریاپنج مهمانش به‌روی صحنه می‌آیند ودرخـلال برنامه به‌بحث‌وگفتگو واحیانا اجرای قطعه‌ای‌کمدی یاموزیکال می‌پردازندکه مانع‌ازخشکی برنامه می‌شود . این‌شوها که هفته‌ای پنج‌روز یعنی‌بجز روزهای‌تعطیل ، تهیه‌وپخش‌میگردند ، بخاطـر مهمانهائیکه در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند ، چون ازطبقات آشنای‌اجتماع برگزیده‌می‌شوندوقطعاطرفدارانی‌دارند،ازبرنامه‌های پربیننده‌ی تلویزیون‌های‌آمریکا محسوب‌می‌گردند .همچنین کسانیکه به‌عنوان مهمان‌برای شرکت دراین برنامه‌ها می‌آیند و دعوت مهماندار تلویزیونی خویش‌را پذیرامی‌شوند ، میدانندکـه باگروه کثیری ازعلاقمندانشان مواجه‌خواهندشد واین‌برای هرسه زاویه این برنامه‌ها (مهماندار ، مهمان و بیننده) اقناع‌کننده و خشنودپذیر است .

برنامه **«مایك‌داگلاس»** ازکانال‌پنج پخش‌می‌گردد وحدود





● «دیوید فراست» و «دایان کارول»

یونی امریکا

نود دقیقه بطول می‌انجامد ودرهر برنامه نیزحتما یك آوازه خوان یا یك هنرپیشه سینما و تلویزیون شرکت دارد . این برنامه از نظر خانواده‌های امریکائی یك برنامه ایده‌آل بشمارمی آید بطوری که وقتی «پت بن» خواننده معروف وهنرپیشه قدیمی باخانواده پر جمعیتش در آن شرکت می کند ، تعجب آور نیست که بینندگان‌نه روزپی‌درپی بهشرح ماجراهای زندگی «پت بون» پای تلویزیون بنشینند وبه آوازهایش هم گوش فرادهند . زیرا عرضه کننده ومصرف کننده برنامه هردومی‌دانند که چه‌چیزی از یکدیگر می‌خواهند و اداره کنندگان برنامه‌هم که هدفی جزعرضه کالایشان برای‌مصرف ندارند ، همان‌چیزی‌را که بیننده‌می‌خواهد بدوعرضه‌می‌نمایند.

برنامه بعدی متعلق به **«مرو گریفین»** است. این‌برنامه هرروز ازکانال چهار وازشبکه تلویزیونی (NBC) پخش‌می گردد ونود دقیقه نیز بطول می‌انجامد . برنامه **«مروگریفین»** هم با آوازی که خود شخصا اجرا می کند آغاز می گردد و متعاقبش مهمان‌هایش بروی صحنه فراخوانده می‌شوند و اگر هنری داشته باشند ابتدا به‌معرض تماشا قرارمی‌دهند واگرنه ، به سؤالاتی که‌توسط مهماندار برنامه یعنی **«مروگروفین»** از آنها به‌عمل می‌آید پاسخ می گویند . برنامه **«گریفین»** بیشتر گردخوانندگان وهنرمندان‌سینما و کلاب‌های‌مشهور دورمیزند که این‌ازویژه گی‌های خاص برنامه اوبشمارمی‌رود وبشدت درهر برنامه رعایت میکردد.

برنامه‌های این دوشومن معروف یعنی **«مایك داگلاس»** و **«مرو گریفین»** درتئاترهای بزرگی انجام می‌پذیرد که کسانیکه به هالیوود ولوس آنجلس رفته باشند، حتماً سردرهای بزرگ وچشمگیر مرکزتهیه‌دوبرنامه معروف‌را که باتئون‌های متعددی زینت‌یافته‌اند، به‌چشم دیده‌اند .

سومین برنامه از **«دیوید فراست»** است که شومن تکروی بحساب می‌آید . این شخص که برنامه‌اش بطورسوا و جداگانه‌ای نسبت به‌دیگرشوها تهیه وپخش می گردد، تنها برنامه‌ایست که‌رقیبی ندارد وجداازاین حسابهای تجاری به‌حیاتش ادامه می‌دهد.برنامه **«دیویدفراست»** درمقایسه بادیگرشوهر جدی‌تر و خشك می‌باشد ومهمانهایش را نیز شخصیت‌های سیاسی واجتماعی تشکیل‌میدهند، بطوریکه می‌توان گفت این برنامه‌خاص طبقه روشنفکر امریکاست وقطعاً خواسته آنها را نیزبرآورده می‌سازد.

لازم به‌توضیح است که برخلاف اکثربرنامه‌ها یاشوهای ذکر شده دودسته اول که بطور هفتگی پخش می گردند ، این برنامه‌ها روزانه هستند وتوجه داشته‌باشید که هرروزقریب چهاریاپنج‌مهمان ازگروههای مختلف اجتماع داشتن، پس‌ازمدتی، چه‌تعدادبیشماری افراد مشهوردراین برنامه‌هاشرکت خواهندکرد واگرشخص‌بیننده، فردی صمیم وعلاقمند باشد با چه افکار وایده‌های مختلفی آشنا می‌شود ونیز شخص مجری برنامه بخاطر انتخاب مهمانهایش چه اطلاعاتی باید درزمینه‌های مختلف رشته‌ای که مهمانش داراست ، کسب‌ودراختیارداشته‌باشد که بازچنین فردی‌پس ازمدتی نه‌چندان دراز، چه‌معلومات وسیعی درباره موقعیت‌های اجتماعی‌افراد کسب می کند که‌خودمطلبی است‌بس مهم‌وقابل‌توجه که‌ازنکات‌باارزش این برنامه‌ها به‌شمار می‌رود .

بجزاین سه برنامه ، یك‌شوی نیمروز هم ازشبکه (CBC) پخش می گردد که‌توسط **«ویرجیناگراهام»** اجرا می گردد که بسیار سطحی ونوخالی میباشد . ضمناً این تنها برنامه‌ایست که اجرایش بعهده یك‌زن‌میباشد وطرفداران فراوانی هم درمیان‌طبقه خانه‌دار دارد ولی ازنظر کلی چندان بااهمیت وقابل‌توجه نیست و خیلی عامیانه وهمه پسند تهیه وپخش می گردد.

ضمناً بدنیست اضافه کند که بینندگان حاضر در استودیوی ضبط این شوها، تماماً باخریدن بلیطهائیکه ازگیشه‌محلهای تهیه برنامه‌فروخته میشود وبدینطریق‌مقداری ازخرج تهیه برنامه‌تأمین می گردد، میتوانند ازاین برنامه‌ها دیدن کنند . خرج تهیه قسمت دیگراین‌برنامه‌هانیز توسط آگهی‌های متعددی که درفواصل‌برنامه‌ها پخش میشوند جبران میکردد که اصولاتلویزیون‌های امریکابدون آگهی یعنی «هیچ» واین نکته‌ایست که گاهی بشدت منزجر کننده می‌شود .

ادامه دارد

نقد و منتقد در ایران...

از: ایرج صابری «۳۷۰»



جمشید ارجمند:

- پیدایش کار نقد یك ضرورت تاریخی وجبری است
- منتقد نماینده یك وجدان اجتماعی است
- منتقدینی که درجستجوی مفاهیم معضل هستند، اسیر بی‌دانشی و درك غلط خود هستند
- منتقد باید باتوجه به ضرورت‌های زمان ومکان خود دست به انتقاد بزند

ضرورت کار نقد

● «جمشید ارجمند» نـقد سینما وضرورت وجود آن را چنین توضیح میدهد.

ـ ... ازلحظه‌ای که تاریخ بوجود آمد، هنرهم پیداشد. تصور اینکه یکنفر غیراجتماعی صاحب هنری باشد، محال می‌نماید، چون یك هنرمند همه داده‌های ذهنی ودانسته‌های خود را از اجتماعش میگیرد تصوری که ما از انـدوه یاعشق داریم متأثر از زندگی در اجتماع میباشد. ناگزیر هرانگیزه‌ای که آفرینش هنری را موجب می شود، زائیده زندگی اجتماعی است وبنابراین با پذیرفتن این فرض که هنرفرزندجامعه است، پس باید قبول کنیم که انتقادهم زائیده اجتماع میباشد.

اصولا هنر با خودش پدیده منتقد را می‌پروراند چون هنر برای عرضه به اجتماع زائیده شده است.

درطی تکامل هنر کسی پیدا میشود که بیشتر ازیك بیننده عادی می‌بیندو باندازه خود هنرمند از دیدن یاحس کردن یك اثر هنری متأثرمی‌شود ودلش میخواهد که بیشتر روی آن فکر کند و حرف بزند.

بدین ترتیب پدیـده منتقد بوجود می آید ـ یعنی کسیکه کار هنری را بمحك خودش میزند، البته این محك هم تماماً معیار شخصی خودش نمیتواند باشد زیرا منتقدهم مثل هنرمند مقداری از داده‌های ذهنیش را از اجتماع خود میگیرد.

وظیفه انتقاد

ـ ... انتقاد در یك سطح وسیع و کلی محك آزمایش هنر است وغل وغش را از اصالت‌ها کنار میزند مثل یك صافی خوب وبد را جدا میکند وبه توده مردم می‌نمایاند.

منتقد درجایگاه قضاوت می نشیند واز حقوق هنر راستین در قبال ناراستی‌ها دفاع میکند حتی نقش منتقد ازاین هم پراهمیت‌تر است. منتقدان میتوانند آفریننده روش ها وتعیین کننده خط مشی هنرمندان زمان باشند. هنرمند اگر به اصالت کار خود علاقمند باشد واگر وجدان هنری داشته باشد منتقـد را آئینه افکار عمومی خواهد دانست بسیاری ازهنرمندان هستند که صریحاً به وجود منتقد معترضند واو را زائد و مزاحم و آشوبگر میدانند اما واقعیت همانست که پذیرفته شده است یعنی هنر بدون انتقاد نمیتواند زیست نماید.

ضرورت کار منتقد هـم یك ضرورت تاریخی است، چون بفرمان دستگاه یا سازمانی بوجود نیامده است.

پیدایش هنر جـبر است، قطعاً انتقاد هم بخاطر ضرورتی بوجود آمده است وقتی ضرورتی تاریخی شد دیـگر نباید دنبال توجیه و تحلیل رفت.

وظیفه منتقد سینما

ـ ... واینکه منتقد سینما در کارخود چه میخواهد؟ و چه هدفی دارد؟ باید به کار نقد فیلم ـ که کار تازه‌ای هم است توجه کنیم...

منتقد سینمائـی کـی است که با حلاجی، نـوشتن انتقاد و خرده گـیری بر فیلمها نـه تنها راهنمائی توده مردم را در شناخت سینما بطور کلی و قضاوت درباره آثار هر فیلمساز را بطور جزئی به عهده میگیرد، بلکه با تحلیل و تجزیه فیلمها بسازندگان آنها نیز هشدار ووجدان عمیق‌تری می‌بخشد بنابر این منتقد اصلاح گر و گوشزد کنندهٔ انحرافات است.

در اینجا ممکن است یـك فیلمساز مؤلف بگوید آنچه را که او انحراف مـیداند، من قبول نمیکنم.

فیلمساز حق دارد و درست میگوید چون او دارای یك تشخیص فردی است ولیکن وجدان منتقد وجدانی است مستقل یعنی اینکه نه هنرمند است که دلبستگی‌های فردی نسبت به هنرش داشته باشد و نه درجایگاه فردفرد مردم عادی است که آسوده و بدون مسئولیت بگذرد.

منتقد را باید نماینده یك وجدان اجتماعی بدانیم البته به شرطی که واجد تمام خصوصیات نمایندگی باشد.

متر منتقد

ـ ... مسئلـه‌ای کـه پیش می آید اینستکه منتقد چه متری بایدداشته باشد به تصور من متر و معیار منتقد درزمان‌های مختلف فرق میکند.

زمانی که فرضاً «آندره بازن» نقد میکرد، انتقادهایش بیشتر جنبه هنری خالص داشت ـ ولی منتقدی که حالا دربرابر پدیده‌های تازه سینما قرارمیگیرد نمیتواند همان ضوابط «آندره بازن» را داشته باشد.

سینما امروزه خیلی بازشده است و از مرحله خاص استتیك سینمائی چندین قدم فراتر رفته است و اصولا نوعی بی‌توجهی به ضوابط قدیمی پیدا شده حالا دیگر یك درصد فیلمهای قابل اعتنا دارای محتوائی اجتماعی و فلسفی هستند یا محتوائی سیاسی دارند. شایدما در دوره برزخی هستیم که بـه دو نوع منتقد احتیاج داشته باشیم.

کسانی که به نقد سینما ازجهت هنری واستتیك توجه می کنند و دیگران از جهات اجتماعی آن.

ادامه دارد

فیلمسازی آماتوری

از : فریدون . م . صالح

«۴۲»

زمان‌ووقت درفیلم دل‌مهم‌دیگری نیزبازی میکند که بنوبه خود حائز اهمیت‌است وآن قابل درک‌نمودن‌گذشت زمانی است‌که در بعضی‌مواقع بین‌دوصحنه وجوددارد . وقایع‌ئیکه که درپلانها و صحنه‌های متعدد پشت‌سرهم وبدون وقفه وتغییر خاصی از مد نظر تماشاچی گذشته ودارای‌یک‌سلسله مراتب‌بخصوص هستنداین‌احساس برای‌اوپیش می‌آیدکه وقایع نشان داده‌شده دریک‌زمان معین اتفاق افتاده‌است ، ولی‌اگر دربین دوصحنه فرضا چندساعت ویاچند روز (فضای‌زمانی) وجود داشته‌باشد ، بدین‌ترتیب نمائی که درصحنه‌دوم رخ میدهد چندساعت بعدازنمائی باشدکه درصحنه قبل‌ازآن نشان داده‌شده ، فیلمسازبایستی این‌چند ساعتی‌راکه بین‌این‌دوصحنه‌وجود دارد بترتیبی‌بتماشاچی منتقل‌نموده وبرای اواین (فضـای زمان) راقابل‌درک نماید.

امکانات زیادی وجود داردکه میتوان ازآنها، در اینگونه موارد، استفاده‌کرد . بطورمثال اگرصحنه اول باکمک (دیافراگم بسته) آهسته بتاریکی گرائیده وبعدازچند لحظه‌تاریکی، صحنه‌دوم باکمک (دیافراگم‌باز) آهسته‌روشن‌شود میتوان این‌گذشت‌زمان را بتماشاچی منتقل‌نمود (بادرنظر گرفتن موقعیت هنرپیشه ها، نـور صحنه‌وغیره) همچنین اگراین (فضای‌زمان) بین‌دوصحنه چندماه‌یا چندسال باشدآنرا نیزمیتوان باتغییرلباس ، آرایش‌وگریم ، وضع طبیعی مثل‌مناظر تابستانی وزمستانی وعوامل دیگردر فیلم‌منعکس کـرد .

درحقیقت امکان شرح تمام‌مسائل مربوط باین‌موضوع‌وجود نداردوبرای نگارنده نیزمقدورنیست‌که بامثالهای متعدداین‌مسئله رابیشتر توضیح‌دهد چون لزومی بتشریح آنهانیست ، این‌نکته ئی است‌که مستقیما باپتکار وهنرخود فیلمساز بستگی‌دارد . مهم‌اینست که‌گذشت وفضای‌زمانی که بین‌پلانها وصحنه‌ها وجوددارد حتما بـه ترتیبی‌بتماشاچی منتقل شودوالا اوازموضوع داستان فیلم منحرف خواهدشد .

ضمنا عکس این‌مسئله راهم بایستی رعایت نمود . بدیـن ترتیب که اگر گذشت وفضای زمانی‌بین دوپلان یادو صحنه وجـود نداشت بایستی‌پلان یاصحنه بعدی طوری‌تهیه شود که ازچه‌لحاظ‌نور وچه ازلحاظ موقعیت هنرپیشه‌ها ووضع لباس آنها وغیره‌نسبت‌بپلان قبلی‌هم‌آهنگی داشته‌باشد.

بطورمثال دریک‌پلان‌که درخیابانی گرفته شده است، مردی درهوای بارانی که لباسش کاملا خیس‌میباشد ، وارد خانه‌ای میشود حال درپلان‌بعدی اورا نشان‌میدهندکه واردخانه شده و به اطاقش میرود، درحالیکه لباسش کاملا خشک‌است. باوجودیکه چند لحظه پیش‌که واردخانه میشد ازباران شدیدکاملا خیس‌بود . دقت‌نکردن باین مسائل جزئی درصحنه‌ها باعث‌میشود که فیلم اثرمطلوبداروی تماشاچی نگذارد حالت‌طبیعی خودرا ازدست‌بدهد.

همچنین بعضی‌مواقع با توجه به‌نکته(صرفه‌جوئی) فیلمساز مقداری ازوقت رااصلا نشان‌نمیدهد ، بدون‌اینکه‌تماشاچی متوجه آن بـ... فرضاصحنه‌ای موردفیلمبرداری است‌که داخل‌یک مغازه مبل‌فروشی رانشان‌میدهد وهنرپیشه‌های اصلی فیلم که‌مطابق‌سناریو تازه‌باهم عروسی کرده‌اند ومیخواهند یک کمد بزرگ‌خریداری کنند واردآن میشوند . فروشنده آنهارا به‌گوشه‌ای ازمغازه بـرده ، مقداری از قطعات جدا ازهم یک‌کمـدرا نشان میدهد ومیگوید (تنهاچیزی‌که میتوانم بشماتوصیه کنم این‌کمداست‌که حتی‌خودتان میتوانید آنرادرعرض ۱۰دقیقه سوار کنید ، حمل‌ونقل‌آن بسیار آسان‌وراحت‌است وضمنا این‌کمد طوری‌ساخته شده که‌میتوان‌آنرا به‌اندازه‌های مختلف‌درآورد)وبعدبرای‌اثبات گفته‌هایش‌مشغول‌سوار کردن‌قطعات کمدمیشود .

حال‌اگر ساختن‌وسوار کردن این کمد بطور کامل نشان داده شود ، حتی‌درپلان‌های مختلف ، باعث‌طولانی‌شدن بی‌جهت صحنه‌و کسالت‌شدید تماشاچی‌میشود . دراینجا فیلمساز طوری‌سوار کردن کمدرا بایستی نشان‌بدهدکه بجای‌مدت ۱۰دقیقه این کار فرضادر ۲۰ ثانیه انجام‌گیرد . بدون‌اینکه برای‌تماشاچی غیرطبیعی جلوه کرده‌واحساس نمایدکه دراین بین مقداری ازوقت (دزدیـده) شده‌است .

برای‌تهیه این‌صحنه بدین‌ترتیب عمل‌میشود . درپلان اول فروشنده قسمت‌زیر کمد راروی زمین‌میگذارد وبعدیکی از دیواره های‌آنرابرداشته ومشغول‌سوار کردن آن‌است که پلان قطع‌میشود در پلان‌بعدی (که‌مکان دوربین رابایستی حتما عوض‌کرد) بلافاصله باز فروشنده درحال سوار کردن است ولی‌بااین تفاوت که قسمت دیگری ازدیواره کمدرا سوارمیکند ویافرضا داردیکی از درهـا راکارمیگذارد . بهمین‌ترتیب در چندپلان بعدی‌عمل میشود تاکمد ساخته‌وپرداخته‌شود . درآغاز واتمام‌پلان‌ها بایستی‌فروشنده‌درحال سوار کردن وجنب‌وجوش نشان داده وحرکاتش طوری دارای یک (ریتم) معین‌باشدکه این کم‌بود وقت وسوار شدن کمد دریک چنین زمان کوتاهی محسوس‌نباشد .

دراینجا تذکرنکته مهم‌دیگری نیزحائز اهمیت‌است و آن فیلمبرداری ازصحنه‌هائی است که (پشت‌تصویر)متحرک‌بوده‌ویاشیئی متحرکی درصحنه‌دیده‌شود که‌فیلمساز بایستی‌دقت نمایدکه باتعویض هرپلان درصورتیکه مجددایکی از پلان‌های قبلی صحنه رادوباره نشان‌میدهد (پشت‌تصویر) نسبت‌به‌آن پلان‌قبلی باندازه‌مدت‌نمایش پلان‌رابط بین‌آنها ، تغییرنماید که‌برای روشن شدن این موضوع توضیح‌بیشتری داده‌شده‌وضمنا ازفرصت استفاده‌نموده ، طرز‌تبدیل سناریوبه (دکوپاژ) برای‌فیلمبرداری نیزشرح داده‌خواهدشد.

بطورمثال دونفرروبروی هم‌نشسته یاایستاده وباهم صحبت میکنند ودوربین گاهی صورت‌نفراولی وگاهی‌هم صورت‌نفردومی‌را دربرداشت بزرگ‌وگاهی هم‌دربرداشت نزدیک‌هردورا ازپهلو نشان میدهد . صحنه‌ها درخیابانی پرجنب‌وجوش اتفاقمی‌افتدکه سناریو آن‌بشرح‌زیر فرض‌میشود .



دختر شهر باران

نوشته: م. صفار

«۵»

یکی ازچهره‌های سرشناس تبلیغات وسینمای ایران ، خاطرات زندگی خودرا تحت عنوان «دختر شهرباران» اینچنین شرح میدهد :

ــ درکلاس ششم‌ابتدائی درس میخواندم . یکروز بعداز ظهرکه ازمدرسه بخانه برگشتم ، عده‌ای سیاهپوش را درخانه‌مان دیدم وبعدفهمیدم پدرم که مرض قلبی داشت مرده است . فردای آنروزپدرم را در گورستان شهر بخاك سپردند و هفته بعد هنگامیکه من درحیاط کوچك خانه‌مان با دوتن از همکلاسیهایم مشغول بازی بودم « هاشم‌آقا » راکه همسایه دیواربدیوارمان بود بالای پشت‌بام دیدم‌که داشت مارا نگاه میکرد . هاشم‌آقا راننده کامیون بود و اهالی محل از او دل خوشی نداشتند . چندروز بعدکه من کارنامه قبولی‌ام را گرفتم دوان دوان بخانه آمدم‌تا بمادرم مژده‌بدهم‌که قبول شده‌ام . اما مادرم در منزل نبود.

راننده مزبور که‌خون‌ازفرقسرش بیرون میزد ازجا بلند شد و خشمگینانه بطرف‌قهوه‌چی یورش برد و او را محکم بدیوار هول‌داد وبعد دستهایش رابدور گردن اوحلقه کرد وفریادزد ،

ــ می کشمت

هیچکس درمقابل حادثه‌ای که اتفاق‌افتاده بود عکس‌العملی ازخودنشان نمیداد. همه‌مسخ‌شده بودند. خون چشمهای مردراننده راگرفته‌بود. انگشتانش‌بگردن قهوه‌چی‌فشارمیآوردند ومن‌صدای خرخر نفس اورا شنیدم وآنگاه صدای پیرمرد خاموش شد ومثل تکه‌چوبی که بزمین ولش کنند سقوط کرد وافتاد.

زن قهوه‌چی فریاد زد ،

ــ شوهرمو کشتی . قاتل.

من‌ازترس زبانم‌بند آمده بود. خودم‌رابمادرم چسبانده‌بودم‌ودر یك‌لحظه باخودم اندیشیدم که‌اگر پدرم زنده‌بود ومیدید که مادرم باهاشم‌آقا رابطه پیداکرده است حتمامادرم ویاهاشم آقا رامیکشت

راننده‌ای که زخم‌خورده‌بود براثرخون‌زیادی که ازسرش رفته بودنقش‌زمین شده‌وراننده های دیگربلافاصله‌بلندشدند و کامیون های خودرا روشن کردند ورفتند فقط‌مسافرین اتوبوس ها بودند که درآن نیمه شب شوم تماشاگر حادثه‌بودند. هیچکس‌نمیتوانست باور کندتا چندلحظه پیش‌پیرمرد قهوه‌چی زنده‌بود. این‌حوادث آن قدر کوتاه وسریع‌بوقوع اتفاق‌افتاد که‌بکسی‌مهلت‌نداد تابتوانددراجع بآن تصمیمی‌بگیرد.

پس از آمدن مامورین و ژاندارمها ، ما بادوساعت تاخیر سواراتوبوس شدیم وحرکت کردیم وقتی از آنجا دورشدیم من‌نفس راحتی کشیدم وحس کردم که از جهنم گریخته‌ام . من مرگ را با چشمهای خودم دیدم. مرگ‌پیرمرد قهوه‌چی‌را... بصورت مادرم‌نگاه کردم، درچهره او میشد یاس‌و نا امیدی را خواند واز همه بیشتر تنهائی‌را...

اتوبوس هنگامی‌برشت‌رسید که‌افق شیری‌رنگ سحرتمام شهر راپوشانده‌بود . مابلافاصله‌چمدان های‌خودراگرفتیم‌وبخانه‌مان‌رفتیم.

نزدیکیهای ظهرعمو محمود بخانه‌ما آمد ومقداری‌پول بمادرم داد. بعدمرا بگوشه‌ای کشید و پرسیدکه درتهران چکار کردیم‌و کجاها رفتیم . امامن با حادثه‌ای که‌شب گذشته اتفاق افتاده بود زبانم‌بندآمد وفقط گفتم که توی مسافرخانه بودیم .

عمو محمودصورت مرابوسید ورفت. بعد ازبازگشت از تهران، تا چند روز سروکله هاشم آقا پیدا نبود. مثل اینکه بارزده بود برای یکی ازشهرهای خیلی‌دور، شایدم مادرم بهش گفته بود که برای مدتی‌آفتابی نشود. مادرم در مدتی که هاشم آقا نبودآرام شده‌بود. خیلی بمن محبت‌میکرد وانگار که‌داشت کم کم هاشم‌آقارا فراموش میکرد. ولی من‌هروقت بیادم میافتاد که در تهران، در آن مسافرخانه، بین مادرم‌وهاشم آقا چه اتفاقی افتاددلم‌میخواست موهایش‌را بکنم‌وبرش‌فریادبزنم،

ــ تومادرخوبی‌نیستی.

امامن هیچوقت قدرت اینرا نداشتم که در این مورد بامادرم جروبحث کنم، چون هنوز خیلی کوچك‌بودم‌و مادرم‌هم کوچکترین وقعی‌بحرفهای من نمیگذاشت.

پس از تقریباً دوهفته، در حیاط ما بصدا درآمد مادرم‌روی تخت خوابیده بودو من‌داشتم‌توی اطاق بازی‌میکردم بمحض‌شنیدن صدای در ، مادرم مثل‌جرقه‌ازجا پریدو گفت ،

ــ تو نمیخواد بری درو‌باز کنی. من‌خودم میرم.

مادرم‌بلندشد و چادر بسرش کردورفت دررا‌باز کرد. باخودم فکر کردم چه کسی ممکن است باشد که‌مادرم‌با نتظارش‌نشسته‌بود؟ بلافاصله فکرم متوجه هاشم آقا شد.

ازلای‌در اطاق‌با نتهای‌راهرو نگاه‌کردم.

درست حدس زده بودم.هاشم آقا میان دولنگه درحیاط‌ایستاده بودوداشت‌با مادرم‌حرف میزد . گوشهایم راتیز کردم‌تا بلکه گفتگوی آندو را بشنوم. مادرم داشت باومیگفت،

ــ اگر بیای‌توجواب زهرەرو چی بدم. اگردر وهمسایه‌ها بفهمن چیکار کنم، دیگه آبرو و اسم نمیمونه...

هاشم آقاپس ازشنیدن‌حرف های مادرم ، لحظه‌ای تعمق کرد بعد آمد تو و در را پشت سرش بست ،مادرم سکوت کرده بود و حرفی نمیزد. هاشم آقا مقابل

مادرم ایستاد و گفت،

ـ فخری ، خودت میدونی که من چقدر دوستت دارم. بذار مردم هرچی دلشون میخواد بگن... مگه، واسه اونا زندگی میکنیم.

مادرم سرش را پائین انداخت و جواب داد ،

ـ تو راست میگی هاشم ... اماهنوز بیش از چند ماهی از مرگ شوهرم نمیگذره، اگر مردم بفهمن منو تف ولعن میکنن.

انگار که هاشم آقا حرفهای مادرم را نشنید . دستش را بطرف صورت مادرم برد وموهای او را عقب زد. چادر از سر مادرم افتاد. هاشم آقا با اشتیاق نگاهی بسر تا پای مادرم انداخت و گفت،

ـ من هیچوقت از تو سیر نمیشم فخری، هیچوقت...

سپس مادرم را در آغوش کشید وصورت اورا بوسید. مادرم اصلا مقاومتی در مقابل هاشم آقا از خود نشان نمیداد. مثل موشی که بدام گربه افتاده باشد اسیر پنجه‌های هاشم آقا بود... اما رام بود ... هردوشان محکم بیکدیگر چسبیده بودند... مادرم فراموش کرده بود که من در خانه هستم هاشم آقا که شهوت وجودش را گرفته بود،

ـ بیا بریم تو اطاق.

مادرم نالید،

ـ نه، نه . . ولم کن ، زهره اونجاست . اگرمارو ببینه چشم و گوشش وامیشه ، اونوقت دیگه اصلا نمیتوونم حریفش بشم .

هاشم آقا لحظه‌ای بر و بر مادرم را نگریست ، بعد گفت ،

ـ خودم سرشو زیر ممیمالم و خرش میکنم . ناراحت نباش .

آنگاه هاشم آقا با صدای بلند گفت ،

ـ زهره خانم ... کجائی .

مادرم ملتمسانه گفت ،

ـ نه هاشم آقا ، صداش نکن.

من وقتی صدای خشن و زنگه‌دار هاشم آقا را شنیدم فوراً در اطاق را بستم وخودم را روی تخت انداختم و گریستم . ازخودم هم بدم آمده بود ، من در خانه‌ای زندگی میکردم که پاکی در آن کیمیا شده بود . از مادرم هم نفرت پیدا کردم . صدای هاشم آقا داشت می آمد که همچنان توی راهرو قربان صدقه مادرم میرفت. چند لحظه بعد ، صدای بازشدن در اطاق توجه‌ام را جلب کرد سر بلند کردم ، دیدم هاشم آقا در آستانه در ایستاده است وخیره خیره دارد مرا نگاه میکند . ترس برم داشت. مادرم پشت سر هاشم آقا وارد اطاق شد و وقتی دید که من دارم گریه میکنم با عصبانیت فریاد کشید ،

ـ چه مرگته ... از دست تو دیگه کلافه شدم ... آخه واسه چی اینقدر زار میزنی پدرسگ .

این حرف آخری مثل پتکی بود که توی سرم کوفته باشند .

سرم را بلند کردم و با حالت کودکانه‌ای گفتم ،

ـ اگر پدرم سگ بود تو چرا باهاش عروسی کردی؟

هاشم آقا که ناظر گفتگوی من و مادرم بود ، بطرف من آمد و گفت ،

ـ زهره دختر خوبیه ... بلند شو زهره جون، هرچی دلت میخواد بمن بگو تا واسه‌ت بخرم. با عصبانیت رو به هاشم آقا کردم و گفتم ،

ـ شما اومدین تا جای پدر منو بگیرین .

مادرم میان حرف ما دوید و گفت ،

ـ این فضولیها بتو نیومده . نیم وجب قدو بالا گنده‌تر ازخودش حرف میزنه. اصلا بتو چه مربوط که تو کار بزرگترها دخالت میکنی.

هاشم آقا کنار تخت نشست و دستی بسر من کشید و گفت ،

ـ اینقدر مامانت را جوش نده .

دستش را از روی سرم کنار زدم و گفتم ،

ـ شما واسه‌چی اومدین تو خونه ما .

هاشم آقا خندید . دندانهای زردش نمایان شد . چشمهایش براق شد. خودش را کمی جمع وجور کرد ونگاهی بمادرم کرد و گفت،

ـ من میخوام با مامانت عروسی کنم . دلت نمیخوادیه بابای دیگه داشته باشی ؟

ازحرف هاشم آقا چندشم شد اوعلناً داشت میگفت که آمده است جای پدرم را در این خانه پر کند. درحالیکه هنوز من وجود پدرم را درقلبم ودر آن خانه حس میکردم. مادرم با وقاحت خاص خودش را روی صندلی لهستانی رنگ و رو رفته‌ای که کنار اطاق قرارداشت رها کرد و گفت ،

ـ دیگه از دستش خسته شدم کاش اصلا بچه نداشتم .

برگشتم وبمادرم نگاه کردم، نگاهی که پر از انزجار وتنفر بود مادرم که با بی‌تفاوتی وبا نوعی سردی روی صندلی لمیده بود، پایش را بروی پا انداخت ،طوریکه رانهای سفیدو گوشتالویش ازذیر پیراهن گلدارش بخوبی نمایان بود ، دیدن پاهای لخت و پتی مادرم درحضور آن مرد غریبه مرا بحرص واداشت . در یك لحظه با خودم اندیشیدم ،

ـ اصلا بمن چه مربوطه ، بذار هر کاری که دلش میخواد بکند .

واقعاً در آن لحظه همه چیز برایم بی‌تفاوت شده بود ، دیگر روی مادرم بهیچ عنوانی حساسیت نداشتم .

باخودم تصمیم گرفتم دیگر با او کاری نداشته باشم، بهمین جهت ازجایم بلندشدم، اشکهایم را پاك کردم و گفتم

ـ میدونم که شماها رو من ناراحت کردم . معذرت میخوام .

این جمله، باعث خوشحالی هردوی آنها شد ، هاشم آقا دندانهای زرد و کثیفش را با یك لبخند تصنعی نمایان ساخت و گفت ،

ـ گفتم زهره دختر عاقل و فهمیده‌ایه .

من بلندشدم واز اطاق بیرون رفتم، مادرم پرسید ،

کجا میری ؟

ـ توحیاط

دیگر حرفی نزد ندومن رفتم توحیاط روی پله نشستم، صدای هاشم آقا بگوشم رسید که بمادرم میگفت ،

ـ فخری جون، دلم واسه‌ت یه ذره شد. بیا توبغلم.

حس کنجکاویم تحریك شد . دلم میخواست بدانم بین آندو چه میگذرد.

آهسته بلند شدم واز پنجره بداخل اطاق نگاه کردم. مادرم همانطور که روی صندلی نشسته بود بهاشم آقا لبخند میزد وهاشم آقا مقابل او نشسته بود وحریصانه داشت بپاهای او نگاه میکرد . مادرم

بقیه در صفحه ۶۵

پاسخ بچند نامه

تهران ـ آقای مصطفی محمدی

● ازلطف ومحبت شما بی‌نهایت ممنونم . امیدوارم فیلمی که ساخته‌ام بتواند توقع شمارا برآورده کند. حدس شما در مورد دختر شهر باران درست است .

رشت ـ منیژه ـ ف

● زهره اکنون ازچهره های سرشناس تبلیغات وسینمای ایران است . حالا زهره وهاشم هم اکنون زنده هستند و در تهران زندگی میکنند ما برای اینکه لطمه‌ای بخانواده دختر شهرباران وارد نیاید تمام اسامی واقعی آنها را با نام مستعار مصرف کرده‌ایم .

شهسوار ـ مرتضی قاسمی

● نامه شمارا به زهره دادیم . ایشان از محبت شما تشکر کردند وسلام رساندند . فعلا ازافشای نام زهره معذوریم اما اگرخیلی کنجکاو باشید مثل خیلی‌های دیگری او را خیلی زود خواهید شناخت .

دزفول ـ احمدرازقی فرد

● دختر شهرباران در حال حاضر مجرد زندگی میکند. اگر کمی صبر و حوصله داشته باشید میفهمید که او تا بحال بدام چند نفر اسیر شده است و چند نفر خواسته‌اند او را بفریبند.

تهران ـ ملیحه ـ آ

● فکر کنم که دختر شهر باران درحدود ۲۵ سال داشته باشد. اینلدفعه که دیدمشان حتماً سن حقیقی ایشان را سئوال میکنم . وی تا سال ششم دبیرستان درس خوانده ، اما دیپلم خودرا نگرفته است .

●

دوستان عزیز آقایان ، محسن خجسته پور ـ علی فیجانی- پرویز زنجانی پور ، احمدمایائی زاده، حسین والی فرد، مرتضی آتش خیز، عظیم خلیل زاده ـ محمدی نژاد ـ علیرضا الاقانی نامه‌های محبت‌آمیز شمارسید . از لطف همگی شما بی‌نهایت ممنونیم



● مهدیان



● ناهید



● حسین موفق

این گروه کوچه و بازار !

آخرین قسمت

و میرسیم به یك خواننده دیگر از خوانندگان کوچه و بازار که او هم مانند آغاسی و یاسمین، خوزستانی محسوب شده و مقر فعالیت خوانندگی وی نیز هم اکنون ، تاترها و کاباره‌ها میباشد و خواننده مزبور مانده نام دارد و بیست و سه سال سن و تحصیلات او تا سال ششم ابتدائی است .

و اما **مانده** شروع کار خوانندگی‌اش ، با خواندن یك مقدار ترانه‌های دزفولی همراه بود و بخصوص ترانه «سر پل دزفول» که با صدای مانده بصورت صفحه عرضه گشت ، سبب شد که مانده بتواند در میان خوانندگان ترانه‌های محلی خوزستانی جائی برای خود باز کند و سرانجام مانده پس از گل کردن کار و بار همولایتی‌اش آغاسی ، رهسپار تهران گردید و پس از مدتی خواندن ترانه‌های محلی در کاباره‌ها و تاترها ، ترانه‌ای در مایه‌های عربی خواند که «ستمگر» نام آن بود و باقری سازنده آهنگ و محمود خسروانی سراینده شعر ترانه مزبور...

بهر صورت مانده که پس از خواندن ترانه «ستمگر» ، ضمن خواندن ترانه‌های محلی خوزستان خواندن ترانه‌هائی در مایه‌های عربی را ادامه داد و دو سه ترانه‌اش هم از جمله «شب آواز» و «وعده» نسبتاً در میان طرفداران خوانندگان کوچه و بازار ، باصطلاح گرفت ، دو پسر و یك دختر دارد ، و خلاصه از مانده هم که بگذریم به نام **مصطفی رستمی** بر می‌خوریم و رستمی که بیست و شش سال بیشتر از سنش نمیگذرد و از ازدواج خود نیز یك پسر دارا است و سابقاً در زمینه جوشکاری و کنترات ساختمان فعالیت داشت و مدت هفت سالی است که بخاطر خوانندگی از آن دست کشیده و در کاباره‌ها میخواند ، اوائل سال جاری بود که بخواندن ترانه‌ای پرداخت بنام «سقاخونه»،

دیشب اومدم خونه‌تون نبودی
راستشو بگو کجا رفته بودی
یادته قول دادی پیشم بمونی
هی برام عذر و بهونه نیاری
راستشو بگو کجا رفته بودی...

شعر ترانه «سقاخونه» از دارستانی بوده و بدر آهنگساز آن بحساب می‌آید و خلاصه آنکه این ترانه نیز سبب گشت بعد از سالها که از خوانندگی رستمی در کاباره‌ها میگذشت و حدوداً یکدوجین ترانه هم بوسیله او خوانده شده بود ، ترانه‌ای با صدای رستمی سر و صدا بپا کند و در حقیقت نظر کاباره‌های دیگر و همچنین تاترها را بسوی او جلب نماید !

بهر حال رستمی بعد از «سقاخونه» ، بخواندن ترانه دیگری هم در همان مایه‌ها ، اقدام کرد که «شاهچراغ» نام داشت ولی توفیق نسبی «سقاخونه» را بدست نیاورد ، و در ضمن بد نیست بدانید که بتازگی دو ترانه «خواهر» که شعر و آهنگ آن از ساخته‌های احمد دهکی می‌باشد و همچنین «خواب خوش» که منوچهر سلحشور آهنگ آنرا ساخته و رحمان شکوفه‌پور سراینده شعر آنست ، بوسیله رستمی خوانده شد که در حقیقت آخرین ترانه‌های وی تا اینزمان محسوب می‌شود .

«نامرد» هم نام ترانه‌ایست که آهنگ آنرا مهناویان ساخته و شکوفه‌پور نیز سراینده شعر آنست و این ترانه را بعد از ترانه‌های «یاد بچگی» و «بله بگی نمومه» که باز هم مهناویان و شکوفه‌پور در ساختن آنها دست داشته‌اند ، بایستی سومین ترانه خوانده شده توسط **پرویز خسروی** بحساب آورد که در ضمن بیش از همه ترانه‌های این دیگر خواننده تاترها و کاباره‌ها گل کرده است و بعد از خسروی نامی هم از **عباس گلپایگانی** برادر اکبر گلپایگانی بمیان می‌آوریم که وی نیز خیلی بی سر و صدا در تاترها و کاباره‌ها میخواند و به همچنین ، **فرجی** ، **عباس قادری** ، **هوشنگ نادری** ، **برنجی** ، **آزیتا فریبا** ، **مجید فرهنگ** ، **فریده نوری** و **عمیمی نژاد** و عده‌ای دیگر هم جزو خوانندگان کوچه و بازار تاترها و کاباره‌های لاله‌زاری هستند که هنوز ترانه‌های خوانده شده توسط آنها ، بطور قابل توجهی بر سر زبانها نیافتاده ، و در ضمن **محمد صبا** را نیز نباید از یاد برد که تا بحال هشت صفحه با ترانه‌هائی که وی خوانده ببازار عرضه شده است و فقط یك ترانه از ترانه‌های صبا که «دیگه عاشق نمیشم» نام آن بوده تا اندازه‌ای گل کرد . و اما در بین خوانندگان کوچه و بازار چند خواننده خردسال نیز بچشم میخورند و از جمله آنها میتوان **حجازی** را نامبرد که ترانه‌های موفق سوسن و آغاسی را تقلید می‌کند و همچنین **ساسان** که بعد از بازی در فیلم «بابانان داد» به شهرتی رسید و کار و بار خوانندگیش در تاترها و کاباره‌ها نیز رونق گرفت ، و بد نیست بدانید که ساسان هم اکنون ضمن دنبال کردن فعالیت شبانه‌اش در زمینه خواندن در کاباره‌ها و تاترها ، در سال پنجم دبستان مشغول تحصیل است و جالب آن که در فیلم «بابانان داد» از صدای آلیس برای خواندن به جای ساسان استفاده شده بود و خود ساسان که دو سه سالی است به خوانندگی اشتغال دارد ، تا بحال فقط دو ترانه مستقل خوانده که «سر راهی» و «دنیا» نام آنهاست و اولی از ساخته‌های سلیم بود بحساب می‌آید و دومی را هم ناصر تبریزی تنظیم کرده و در ضمن

بقیه در صفحه ۶۰

برنامه مخصوص عیدغدیر گروه
ممتاز سینما های پایتخت

از امشب در سینما های

اونیورسال
پاسیفیک
ایران
#ساینا
تیسفون
موناکو
پرسپولیس
دریا
مراد
کارون
و
آستارا

«تجریش»

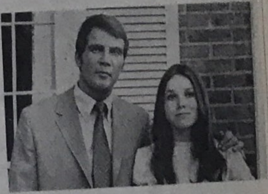


گزارش فیلم

از : پیرایه

آزادی ال بی جونز

کارگردان : ویلیام وایلر



● فیلم «وایلر» فیلمی حرافودرمایه های مد روزی آن دسته از کسانی است که داشتن ایده‌های سیاسی را به حساب نوعی روشنفکری می گذارند. تبعیض نژادی در آمریکا با تاریخ این کشور همراه است. اما در این چندسال جامعه‌ی سفید پوست آمریکائی توجه و علاقه‌اش با این موضوع جلب شده است. فیلمساز ضعف کارگردانی خودرا پشت چنین سوژه عظیم و انسانی پنهان کرده است. حدیث سیاه وسفید نژادی غم‌انگیزی است که داغ ننگ آن تاابد بر پیشانی ملت آمریکا ماندنی است اما این چنین سوژه‌ای (هرچند بزرگ) نمی تواند فیلم مورد بحث را فیلمی اصیل و آگاهانه بسازد در حالی که کارگردان متوسطی سازنده آن است.

زنی که حامل روح سفیدپوست و یک جوان ثروتمند سیاه است وارد شهری در (تنسی) می گردد. خانه سیاه پوستان دور از شهر بنا شده خانه‌هائی کهنه و زشت و ناقص هستند، درمقابل سفیدپوستان با آن خانه‌های سفید و تمیز در لابلای درختان سبز خودرا مالکان واقعی این شهر معرفی می کنند. برخورد جوان سیاه با پلیس گرچه خشونت در آن وجود ندارد اما سخنان پلیس سفید ما را متوجه تفاوت این شهر با دیگر شهرها می سازد (که این البته ضعف فیلم است که به حرف زدن متوسل می‌شود).

در دفتر قاضی (یا وکیل دعاوی) شهر از مکالمه‌ها چنین استنباط می کنیم که فیلمساز جهان خودش را در این شهر از دید پوستان مطرح خواهد کرد. تا ایده‌های فراوان لفظی و تصویری کلافه کننده است. خشونت پلیس آن قدر با اغراق شده است که بنظر یک دروغ بزرگ است مرد محترم وکیل شهر نماینده نسل‌های پس گذاشته آمریکائی و برادرزاده جوانش متعلق به نسل کنونی است که اولی سازش‌کار وتقریبا نژادپرست ودومی درجهت مخالف قرار دارد والبته این معنی‌اش این‌است جوانها آدمهای درست‌حسابی وخوبی هستند. (ال‌بی‌جونز) قهرمان سیاه فیلم که تن به زندگی آرام و در یک معنی برده‌وار در این جامعه سرشار از تحقیر و آزار سیاهان داده است (شغل او مسئول کفن و دفن سیاهان کسی که با فروش تابوت- قبر - زندگی مرفه‌ای برای خود بنا کرده‌است اشاره به زندگی کفتاروار اواست که ازمردن دیگران تغذیه می کند واینکه اگر سیاه‌پوست رفاهی را دراین شهر بدست آورد به قیمت سقوط روحی واخلاقی‌اش تمام میشود). خود در معرض تجاوز وتحقیر مستقیم قرار میگیرد وعاقبت مردن راتنها راه نجات خود تشخیص می‌دهد وبه خفت زندگی سگی خودپایان می‌دهد (درصحنه کشتن «ال‌بی‌جونز» وآن سگ‌پیر که هردو بدست پلیس انجام می گیرد، دوربین هردوجسد را در یک پلان بساهم نشان میدهد حتی در صحنه‌ای که سیاهان دیگر برای بردن جسد «ال بی جونز» آزادشده از زندان سیاه زندگی رفت بادش جمع شده‌اند این وضع به‌چشم می‌خورد). سیاهان دیگرهم رهائی را درمردن میدانند (به‌صحنه‌هائی که «ال.بی.جونز» باپیرزنان‌راجع به مراسم تدفین وراحتی تابوت سخن میگوید توجه کنید)... اما جوانان سیاه به مرگ نمی‌اندیشند ودست به قتل نمی‌زنند و این (شاید) به زعم فیلمساز با بازنشسته شدن و ازبین رفتن پیرهای سفیدپوست و روی‌کار آمدن جوانان سفید اوضاع‌برای جامعه‌سیاه پوست بهترشود که البته جای شك بسیاردارد...

فیلم فاقدکشش سینمای داستانی است...

پیام وحرف خاصی راهم مطرح نمی کندکه تماشاچی را به تفکر وادارد. درمجموع روزنامه یومیه است که وقایع شهری را بازگو می کند (که آنرا مبالغه‌آمیزتر کرده‌است) احساس و علاقه کارگردان درفیلم مشاهده نمیشود. واین شاید به دلیل همدرد و هم‌گام نبودن «وایلر» در درام غم‌انگیز زندگی‌سیاهان است.

ماجرای یک قتل

کارگردان : بلیك ادواردز

● این فیلم شیك وتمیز «بلیك ادواردز» سوای «جیمز - کابرن» و «جنیفراونیل» وجه‌تمایزی دیگری ندارد. دراوائل فیلم بنظرمیرسد که فیلمساز ازبرخورد «جیمز کابرن» وپلیس هدفی را منظوردارد به‌خصوص که «کابرن» یك دکتر غیرقراردادی معرفی میشود. (طرزلباس پوشیدن وطرزرفتار اورابیادبیاورید) اما در پایان که کمیسر پلیس که درطول فیلم چهره غیردوستانه‌ئی داشته‌است به‌یك‌دوست وآدم کمك کننده مبدل میگردد مافیلم بی‌سروته جنائی اماشیك ومرتبی‌را تماشا کرده‌ایم... فیلم ساز بخوبی ازامورفنی سینما اطلاع‌دارد (این‌درفیلم بچشم‌میخورد) امادانش‌وآگاهی اواز این‌حد بالاتر نمی‌رود. اوصرفا بمصور کردن یك داستان جنائی اجتماعی پرداخته است. بدون آنکه بعمق‌مسائل بپردازد... این فیلم‌مثل کتاب‌هائی‌است که باجلدهای‌رنگین‌وزیبا و کاغذاعلا‌منتشر میشود اماوقتی خواننده کتاب راتمام کرد نوشته‌های کتاب تاثیری ازخود بجای‌نگذاشته‌اند در حقیقت خواندن یانخواندن این نوع کتابها یکی است.. دربازارازاین قبیل کتاب‌هازیاد وجود دارد که

خواننده‌شاید ازمیان چندین‌صد کتاب به‌یك‌اثر ناب که تاثیرش‌ماهها وشایدسالها اورا زیرسلطه خود بگیرد میخورد ، درسینما هم‌همین وضع‌موجوداست . به‌خصوص که سینماهنر گرانی است وتجارت سود وزیان مسئله‌اصلی آن‌است ... دراین هنر عامه‌پسند فقط‌چند یا چندین‌نفر می‌توانند هنر وتجارت راچنان درهم بیامیزندکه هم تماشاچی‌عادی‌وهم تماشاچی‌متفکررا راضی کنند . آقای«ادواردز» یقینا ازاین‌دسته‌نیست وضمنادرست‌نیست که ازهمه‌فیلمسازان‌انتظار داشته‌باشیم که‌فیلمساز متفکری‌باشند . آدمهائی‌مثل «لوئی‌بونوئل» می‌توانند نیازوانتظار مارابرآورند . نمایش مجددفیلم فراموش نشدنی تریستانا (درتلویزیون) فرصت گرانبهائی‌برای همه‌کسانی بودکه سینمای‌متفکررا دوست‌دارند وازطریق همین سینمای خاص بااندیشه‌ها واحساسات شگرف‌بشری آشنامی گردند . ووجودچنین متفکران هوشمند درسینما است‌که این‌هنررا به‌مقام والائی‌که در خورآن‌است میرسانند .

از : رضا سهرابی

ویلن‌زن روی‌بام

کارگردان : نورمن جیوسن

به همان‌نسبت که«ویولن‌زن روی‌بام» فیلمی‌لطیف و دیدنی (ودرعین‌حال تبلیغاتی!) است‌باید «نورمن‌جیوسن » ، سازنده‌ی آن را از فکری که توسط فیلم‌های‌قبلیش‌در تماشاگر ایجادشده ، دور دانست . نمونه‌ی‌بارز آثارقبلی «جیوسن» که درآنها خودرابیشتر یك‌تکنیسین سینماو گذشته از آن متوجه‌مسایل‌حاد انسانی نشان داده‌بود. ـ بدون‌اینکه آثار زیادی از«سینما»در این‌فیلم‌ها بجای مانده باشد. «حادثه‌توماس‌کراون»و « درگرمای شب » بود.. اما جیوسن در «ویلن‌زن‌روی بام» نه‌صرفا یك کارگردان تجارتی‌ساز است و نه‌فیلمسازی که‌فقط‌اتکاء به‌سوژه‌ای‌موعظه‌گر و شعاردارائر خودش‌داشته‌باشد .

سوژه‌ی این‌فیلم و توجه‌بخصوص‌به مسایل انسانی در آن ، بی‌شباهت به‌سوژه‌ی‌فیلم‌های«داستانلی کرامر»نیست، امامقایسه‌ی‌اولیه بین این فیلم‌وهریك‌ازفیلم‌های‌اخیر«استانلی کرامر»نشان‌می‌دهد که ازطرفی فرق‌وفاصله‌ی‌بین‌یك‌پرداخت نسبتا مناسب‌ویك‌مشت‌شعار ناچه‌حد است‌وازطرف‌دیگر،دست‌گذاشتن روی‌یك‌سوژه‌ی‌پیام دار و احتمالا پرشعار، اگر کارگردان مناسبی‌پشتوانه‌ی خودداشته‌باشد، نقصی‌محسوب نمی‌شود.

ولی‌می‌بینیم که «جیوسن »با در دست داشتن سوژه‌یی‌که هر فیلمسازی رادروضع معلقی‌قرارمی‌دهدو احتمال‌سقوط‌پیش‌می‌آورد، باکمك میزانسن‌هایی درخدمت محتوی‌فیلم از سقوط ، رهایی پیدا می‌کند.. اما این‌رهایی ازسقوط رهایی کاملی‌نیست .

فیلم، تم‌های‌متعدد ومختلفی‌داردودربسیاری ازدقایق، تنوع تم‌هاو فرمی که‌فیلم‌برحسب این‌تم‌ها پیدامی کند ، تابه‌هنجاری‌هایی راسبب می‌شود که به حاصل کار لطمه وارد می کند . وارد فیلم می‌شویم .

تعدادی از تم‌های‌فیلم‌عبارتنداز، پیوستگی بشر به فرهنگ خاص‌ملی‌وسنتی آباد واجدادیش، جبرزمان که به‌این‌پیوستگی‌خلل واردمی کند، پیوندآدم‌ها به‌زمین و خاك وطن خودشان ،رابطه‌ی ناگسستنی پدروفرزندی ، جبرمخرب‌دستگاه‌حکومت‌و.. البته مقادیر زیادی‌هم‌تبلیغ برای‌دین‌یهود..

از جمله نابهنجاری‌هایی که‌بعضی‌ازتم‌های‌فیلم‌سبب‌می‌شوند، می‌توان نزدیکی بعضی ازصحنه‌هارابه فیلم‌های‌وسترن‌ذکر کرد که ناشی از پیوند آدم‌های اصلی فیلم به زمین و خاك زادگاه‌خودشان است . نمونه‌ی‌این‌صحنه‌هارا در ابتدای‌فیلم‌وضمن‌راه رفتن قهرمان اصلی‌فیلم(تویول)می‌بینیم‌وآن‌پلانهای درشت که‌پاهای او را نشان میدهند که‌در داخل‌گل وخاك فرو میروند ویاآن «پدرم‌ـپسرم» بازی های اواخر فیلم و سوزو گدازهای خانوادگی که‌تاحدودی «ویلن‌زن‌روی‌بام» رابه‌فیلمهای‌هندی نزدیك‌می کند .

نتیجه‌ی‌کار منهای‌مواردی‌که اشاره‌شد وهمچنین‌تبلیغ‌واضح وشدید برای دین‌یهود ، دیدنی‌است . (اینطورکه ازاسم جیوسن Jewson ومعنی‌آن ـ یهودی‌زاده ـ پیداست، «جیوسن» یک کارگردان کلیمی است ، آنهم کلیمی متعصبی که‌از هروسیله‌یی‌که دراختیاردارد برای‌تبلیغ عقایدواعتقادات مذهبی‌خودش استفاده می کندبخصوص که‌خودش‌تهیه کننده‌فیلم‌هم‌بوده ودرنوشتن‌سناریوی آن‌نیزدخالت داشته‌است بدین‌ترتیب بهتراست برخلاف رسم‌رایج او «جویسن»تلفظ‌شود) .

صرفنظر از جنبه‌ی تبلیغی‌فیلم واینکه‌آدمهای موردظلم واقع‌شده‌ی قصه ، یهودی‌هستند وفیلم‌دراصل اختلاف مسیحیان و یهودی‌ها رادرروسیه‌ی تزاری مطرح می کند ، واگر گروه‌آدمها رامتعلق به‌نوع‌خاصی محسوب‌نکنیم ومثلا اگر شخصیت‌های خوب قصه‌فقط به‌عنوان شخصیت‌خوب‌مطرح‌می‌شدند (نه‌اینکه‌چون‌یهودی هستند قطب‌مثبت فیلم‌را تشکیل‌می‌دهند) وشخصیت‌های‌بد، بعنوان شخصیت‌بد (نه‌الزاما‌مسیحی) فیلم‌ازنظر محتوی‌وضع متفاوتی‌پیدا می‌کرد .

«جیوسن» بااینحال حرف خودش‌را رسا می‌زند . توجه کنیم‌به‌صداقت‌وصافی‌زندگی‌روستائیان، مردیهودی‌وخانواده‌اش... فیلم ، یك‌زندگی رامطرح می‌کند ، درنهایت سادگی وصمیمیت ، و«جیوسن» ازرقص‌ها وآهنگ‌های فیلم درالقاء این سادگی کمك موثری می‌گیرد و در واقع همین سادگی منطق دلیلی واقع می شود برای‌فرم موزیکال فیلم که‌توسط « کورئوگرافی» کم‌نظیر «جرومه‌رابینز» ، (کارگردان رقص‌های داستان‌وست‌ساید وچندین فیلم‌معروف موزیکال‌دیگر) درخشندگی خاصی پیدا کرده‌است .. بهترین‌نمونه‌ی این‌رقص‌هارا درصحنه‌یی می‌بینیم‌که پدرخانواده در اصطبل می‌رقصد ودر پاره‌یی لحظات باخدای خودش صحبت میکند .

درطول‌فیلم نشانه‌های‌فراوانی می‌یابیم ازذوق«جیوسن»در کارگردانی‌بسیاری ازصحنه‌هاـ که‌البته بازبیشتردر خدمت همان تبلیغ‌است... مثلا درصحنه‌یی که روستائیان‌درخانه‌های‌خودمراسم شب‌شنبه را اجرامی کنند ، ودرحالتی که‌خانواده‌ی‌موردنظر درفیلم برای این کار آماده‌میشوند،یکمرتبه‌صحنه‌یی‌عمومی ازدهکده‌می‌بینیم‌درشب که چراغهای‌تمام کلبه‌هاروشن‌است‌وازدودنه‌یی بیرون روشنائی‌می‌دهد .

یعنی که این مراسم درتمام دهکده‌توسط یهودیان اجرا می‌شود و همه پایبندسنت و اعتقادات خودهستند (اعتقاداتی که‌در فیلم‌توسط عوامل‌مختلفی از جنك گذشت‌زمان‌ـجبرزمانـ موردتجاوزوخطر واقع می‌شوند) . و بعد به بهترین سکانس‌فیلم بایداشاره کرد ، صحنه‌یی که‌مرد خانواده (تویول) باهمسرش در آشپزخانه صحبت می کند مرد میخواهد که همسرش عشق‌خـود را نسبت به اوزبان بیاورد ولی زن از این کار اباءمی کندوفقط تکیه‌می کند به اینکه

بقیه درصفحه ۵۹



● ساموئل خاچیکیان، چهره جدید کاوه را برای بازی در پلانی از فیلم پیروزی آماده می‌کند



● پیست اسکی آبعلی آن روز در اختیار دو کارگردان خاچیکیان و صفائی (آژیر فیلم) قرار داشت...

آن روز پیست آبعلی در اختیار آژیرفی

● روز شنبه هفته گذشته هوا بقدری سرد بود که تمام خیابانها و کوچه‌ها یخبندان شده بود و برفی که شب قبل باریده بود این یخبندان راشدت داده بود بهمین جهت اتومبیلها بدون زنجیر چرخ قادر بحرکت نبودند خصوصاً برای حرکت درجاده‌ها بهیچوجه این کار امکان نداشت ولی سازندگان دو فیلم «پیروزی» و «جعفرجنی ومحبوبه‌اش» که هردو از محصولات تازه آژیر فیلم میباشد از قبل تصمیم داشتند آنروز برای تهیه صحنه هائی از این دو فیلم که درپیست آبعلی باید فیلمبرداری شود به آنجا بروند.

صبح شنبه که برف و یخبندان کولاک کرده بود قدری کار آنها مشکل شد و با آنکه قرار بود صبح خیلی زود بطرف آبعلی حرکت نمایند برای بستن زنجیر به چرخهای اتومبیل وهمچنین مجهز شدن در برابر سرمای شدید چند ساعت دیرتر از موعد مقرر بطرف آبعلی حرکت کردند..

ساموئل مرا هم دعوت کرده بود تا همراهشان به آبعلی بروم تاشاهد تهیه صحنه‌ای از فیلم تازه او «پیروزی» و همچنین فیلم صفائی و «جعفرجنی ومحبوبه‌اش» باشم.

ساموئل بعد از دیوار شیشه‌ای از هنگامیکه هنوز باسازمان مشعل همکاری داشت تا کنون چندبار تصمیم گرفته فیلم تازه‌ای آغاز نماید ولی هربار بعللی نتوانست تصمیم خودرا عملی نماید تا اینکه بالاخره هفته گذشته بهر ترتیبی بود تصمیمش راعملی نمود و فیلم «پیروزی» راجلوی دوربین برد.

آنروز که برای تهیه صحنه‌ای از فیلمخود به آبعلی میرفت اولین جلسه فیلمبرداری کار تازه بود ... در راه من همراه او و دو چهره جدیدی که ساموئل با فیلم پیروزی معرفی خواهد کرد الهام و کاوه در یك اتومبیل بودیم . از او درمورد کار تازه‌اش سؤال کردم گفت :

- پیروزی سوژه‌ای در روال «خداحافظ تهران» دارد و من میخواهم کرد از نظر فرم کار تازه‌ای ارائه دهم. نخست تصمیم داشتم از وجود هنرپیشگان حرفه‌ای ومعروف در این فیلم استفاده کنم ولی بعد که سناریو آماده شد بقدری از آن خوشم آمد که حیفم دیدم باعجله از روی آن فیلم بسازم واین کار باوجود هنرپیشگان حرفه‌ای که حالا بقول معروف منبری شده‌اند و اگر فیلمی بیش از یکماه طول بکشد دیگر حوصله کار ندارند مشکل بود لذا تصمیم گرفتم ازوجود چهره‌های جدید برای ساختن آن استفاده نمایم که الهام و کاوه دوتای آنها هستند ویکی دیگر هم منصور خاکی است که فکر میکنم این سه بانمایش پیروزی در ردیف هنرپیشگان خوب سینمای ایران درآیند

البته ازوجود هنرپیشگان حرفه‌ای هم در این فیلم استفاده مینمایم . دوتای آنها ایرن وجمشید مشایخی هستند که من از لطفشان بی‌اندازه ممنونم زیرا حاضر شده‌اند تا هرموقع که فیلم طول کشید کارشان را با من ادامه دهند .

ساموئل بعداز این توضیحات صحنه‌ای را که قرار بود آن روز در پیست آبعلی کارگردانی نماید برای الهام و کاوه تشریح کرد و با آنکه قبلا هم باآنها تمرین نموده بود ولی بازهم باندازه کافی بآنها توضیح داد .

در آبعلی هوا آفتابی ولی بی‌اندازه سرد بود. شریفی فوراً ترتیب کار راداد و کمال مطیعی دوربین را درمحلی که ساموئل نشان داده بود آماده کرد. نخست یك لانك شات بسیار زیبا از فضای پیست درحالیکه الهام و کاوه وچندنفر مشغول اسکی بود فیلمبرداری



● الهام‌وشهرآشوب، دوچهره جدیدکه‌بافیلم‌های‌جعفرجنی و محبوبه‌اش ،آژیرفیلم معرفی می‌کند



● رضاصفائی هنگام کارگردانی‌صحنه‌ای ازفیلم‌جعفر جنی و محبوبه‌اش

● الهام وکاوه در صحنه‌ای از فیلم پیروزی



شد وسپس چند پلان مدیوم‌شات وکلوزاپ از آنهاگرفته شد کار فیلمبرداری‌که ازساعت ۹ آغازشده بود باوجود سرمای شدید تا ساعت ۱۱ بطول انجامید وبعداز پایان کار بلافاصله هنرپیشگان وکادر سازنده به‌اتومبیلها رفتند تا باصرف شیرگرم خود را از سرما نجات دهند.

درهمین موقع ساموئل‌کارش بپایان رسیده بودکه صفائی که اوهم برای ساختن‌صحنه‌ای از فیلم تازه‌اش «جعفرجنی و محبوبه‌اش» به‌آبعلی آمده بود پیدا شد. درصحنه‌ای‌که صفائی آن روز درپیست آبعلی کارگردانی میکرد دوچهره جدیدشهرآشوب و منصورخاکی بازی داشتند کار صفائی به‌اندازه ساموئل مشکل نبود وچندپلان مختلف‌از دویدن‌وگردش آنهادرآبعلی فیلمبرداری نمود. صفائی کارش‌راساعت ۱۲و۵ بپایان رساند وسپس به اتومبیل ساموئل‌که منهم‌پیش او بودم واز دور ناظر کارصفائی آمد.

ازصفائی ازکارتازه‌اش‌سئوال کردم اوگفت :

ـ من ازاوایلی که کارسینمائی‌خودم‌راشروع‌نمودم‌همیشه دوست داشتم‌که روزی بتوانم کاری‌برای‌ساموئل‌انجام‌دهم‌زیرا من کارم را ازپیش ساموئل‌واز آژیرفیلم سابق شروع نموده‌ام و همیشه از رهبری وحمایت ساموئل استفاده‌نموده بودم ولی‌این‌فرصت هیچگاه

...فیلم قرار داشت

پیش‌نیامد تامن بتوانم کاری برای ساموئل انجام‌دهم. تااینکه‌امسال ساموئل آژیرفیلم‌را تأسیس کرد ودست‌اندرکار تهیه فیلم شد. وقتی شنیدم‌عده‌ای درابتدای‌کار به‌اوناروزده‌اند ومقادیرمعتنابهی زیان وارد آورده‌اند بقدری‌ناراحت شدم‌که خودم تصمیم گرفتم‌بسراغ او بروم وفیلم خوبی برایش‌بسازم. ساموئل بیش‌ازحد ازمن استقبال کرد وبزودی فیلم معشوقه‌را برای‌او ساختم‌که اینک آماده است. وقتی فیلم تمام‌شد ساموئل‌بمن‌پیشنهاد کرد تافیلم دیگری‌هم‌برای اوبسازم ،این فیلم‌همین «جعفرجنی ومحبوبه‌اش» میباشدکه‌امروز صحنه‌ای ازآنرا در آبعلی‌فیلمبرداری کردیم.

درجعفرجنی ومحبوبه‌اش که‌فیلمی کمدی‌تفریحی است‌علی تابش، کتایون، میری، مرتضی‌احمدی ودوچهره جدیدشهرآشوب‌و منصور خاکی شرکت دارند. تاکنون قسمتهائی ازآنرا در تهران فیلمبرداری کرده‌ایم وهفته آینده برای تهیه مابقی آن به شمال خواهیم‌رفت».

ساموئل ازکارصفائی بی‌اندازه رضایت‌دارد ومعتقداست کارهای اوبرای تقویت‌آژیرفیلم اهمیت‌دارد.

ساعت ۳ بعدازظهر که همه‌نهار خورده‌بودند وهوا پیش از پیش سردشده‌بود اتومبیلهائی که آنهارا برای‌کار به‌آبعلی آورده بود بطرف تهران حرکت کرد...

بزرگان تلویزیونی آمریکا(بقیه)

... وبالاخره به‌دوبرنامه آخر یعنی **«دیك‌کاوت‌شو»** و **«جانی کارسن‌شو»** می‌رسیم. برنامه **«جانی کارسن»** نسبت به‌برنامه **«دیك‌کاوت»** قدمت بیشتری دارد بخصوص که تاقبل‌ازآنکه «دیك‌کاوت» به‌دعوت تلویزیون (ABC) شروع بتهیه‌برنامه برای‌آن شبکه اقدام ورزد، نویسنده برنامه **«جانی کارسن»** بوده است واز نویسندگان مشهور کمدی میباشد که میتوان با **« نیل‌سایمن »** نویسنده **«آدکاپل»** ـ یا **«جفت غریب»** ـ برابرش دانست . برنامه **«جانی کارسن»** هرشب‌در ساعت ۱۱/۵ ازشبکه تلویزیونی (NBC) پخش می گردد و یکی ازمشهورترین وجنجالی‌ترین برنامه‌های‌تلویزیونی امریکامحسوب می‌شود . این‌شو که شاه برنامه کلیه شوهای تلویزیونی امریکا می‌باشد، دارای‌چنان قوانینی‌شده که امروزه باسیاستی‌مشخص‌اداره می گردد . این برنامه نیزحدود نوددقیقه بطول می‌انجامد وهرشب بامعرفی **«ادملك‌ماهون»** که تنها بردست تلویزیونی‌درشوهای‌مختلف میباشد آغازمی گردد وپس‌ازآن شخص **«جانی کارسن»** قریب‌ده‌دقیقه طبق برنامه‌هرشب باجوك‌ها وحرفهایش، برنامه‌اش راافتتاح‌میکند ومتعاقب‌آن‌مهمانهایش‌رافرامی‌خواند ودرخلال‌مدت **«ادملك‌ماهون»** که ازهنرپیشگان قدیمی سینما میباشد، اورا یاری میدهد.

برنامه **«جانی کارسن»** ازانتلکتوئلی‌ترین‌برنامه‌ها محسوب است وطبقه‌روشنفکر بخصوص ـ روی‌آن زیاد حساب میکنند وشهر سینمائی‌هالیوود که‌برنامه‌ها درآنجاتهیه وضبط می گردد، بامخلفاتش یعنی بازیگران، کارگردانها ودست‌اندرکاران سینمایی، همه‌چشمشان به برنامه این مرد برجسته تلویزیون میباشد کـه هر برنامـه‌اش بازگوکننده حقایق وافتخارات بیشماری برای افراد میباشد.

دربرنامه‌های **«جانی کارسن»** همه‌گونه شخصیت اجتماعی را می‌توان مشاهده نمود . ازشخص **«مك‌گاورن»** یا **«جان‌لیندسی»** شهردارنیویورك، تارام کننده حیوانات‌سیرك بهمراه‌پلنگ قوی‌هیکل یا یك‌کودك چهارپنج ساله هنرمند سیاه‌که دربرنامه‌های اوشرکت داشته‌اند. نام **«جانی کارسن»** امروزیك نام‌طلائی ویرافتخار درکلیه شبکه‌های تلویزیونی‌امریکامی‌باشد که به‌طرزی‌محرمانه بردەمی‌شود، ولی به‌عقیده‌این‌قلمزن‌برنامه‌های اوبیش ازاندازه باوجودچهارچوب جا افتاده و محکمش «تکراری و یکنواخت» می‌باشد زیرا تاکی باید شاهد این اداهای روشنفکرمآبانه افرادکه در لوای افکار برجسته، خواستار حقنه‌کردن چیزهای تکراری هستند بود؟اصولا استعمال یك استیل وروش دائمی برای‌کارهای‌هنری یك‌...خطرناك است که‌گرچه امکان دارد حصار استواری دور آن ایجادکند ولی این حصار باعث رکود و قرقره‌کردن همان یك مورد معرفی‌شده می‌گردد و شخص بانی، به‌ناچار درراهی‌که ناخودآگاه برگزیده شده، به پیشروی‌مکررات ادامه‌می‌دهد و این زمانیست کـه «هنر» بازیچه دست افرادمی‌گردد .

ضمنا یکی‌ازنکته‌های‌جالب‌ونمایش‌برنامه‌های «جانی کارسن» البسه‌گوناگون اوست کـه‌برای بینندگان علاقمندش تفریح جالبی بشمارمی‌رود. این شخص که‌به قولی‌ازیك استخوانبندی مورد ایده‌آل خیاطها برخوردار می‌باشد! طبق قراردادی که بایکی‌ازکمپانیهای تهیه‌لباس که حاضر به تهیه‌هرگونه لباس برای اوشده دارد، هرشب درهربرنامه‌اش، بالباسی‌شیك‌وجدیدبرروی‌صفحه چندایچی‌تلویزیون ظاهر می‌گردد که خیلی بندرت پیش‌آمده لباسی را در طول سال چندبار امتحان کرده باشد. البته اینهم ازخواص یك زندگی‌تجاری که فقط احتیاج به یك نام خوش آهنگ دارد!

بجز **«جانی کارسن»** که ازچنین موقعیتی برخوردار می‌باشد **«باب‌هوپ»** کمدین سالخورده قدیمی نیز باقراردادی که بایکی ازکمپانیهای سازنده اتومبیل دارد ، هرساله نخستین اتومبیلی‌که ازاین‌کارخانه مشهور به بیرون‌صادرمی‌گردد به‌جناب ایشان‌تحویل می‌گردد که توجه دارید تبلیغی بیش نیست ولی تبلیغی‌کـه برای مبلغش هیچگونه خرجی برنداشته است .

وبالاخره‌به برنامه آخر که متعلق به **«دیك‌کاوت»** می‌باشد می‌رسیم. این مرد باآن قدکوتاه‌وچهره بازش‌که تاحدی‌جدی بنظر می‌رسدومی‌تواند نمونه‌یك‌انگلیسی اصل‌ونسب دارهم باشد، اززمره افرادیست که استعدادکمدی نویسی را در وجودش بحد وفور جمع دارد وباشم قویش براحتی نیز از آن بهره می‌جوید.

این مردهمانطور که دربالا ذکرشد تاقبل ازهمکاری باشبکه تلویزیونی(ABC) همکارپشتکاردار **«جانی کارسن»** بوده وازجمله کسانیست که‌برنامه **«جانی کارسن»** راتوان بخشیده است. برنامه‌های او نسبت به دیگر شوهاگرچه باید با این تفاسیریك برنامه خاص کمدی باشد، برعکس برنامه‌ایست آموزشی‌که بینندگانش را نیز افرادی تشکیل می‌دهند که درمهمانشان ازهمه‌گونه شخصیتی‌می‌توان یافت. خصیصه برنامه او تهیه قسمتهایی خارج از استودیومی‌باشد که تاکنون هیچیك از مجریان تلویزیونی بدان توجه نداشته‌اند . فی‌المثل **«دیك‌کاوت»** برنامه‌ای داشت بخاطربزرگداشت **«میك‌جگر»** که‌به هنگام اجرای‌کنسرت اخیر اودرپشت صحنه، مهمان مردم‌ونیز مقابل‌س تهیه و ضبط شده و بعد با دعوت او بـه استودیو پخش گردید، ایضا انتخاب مهمانات اودرقیاس بارقبایش بایك‌سبك‌خاص توام است. بطورمثال او برنامه‌هایی داشته که تمام مهمانهایش را افرادی ازیك طبقه اجتماع تشکیل می‌داده‌اند چیزیکه‌گرچه توام باتنوع نیست وشاید خسته کننده‌بنظرآید ولی‌این حسن‌را داراست که بیننده باعقاید مختلفی از افراد یك طبقه از اجتماع آشنایی پیدا می کند وبهتر می‌تواند نتیجه‌گیری کرده واز برنامه مستفیض گردد، اما در مقابل چون برنامـه بطورکلی برای همگان قابل استفاده نبود وحتی می‌توان‌گفت کسالت‌باربود، شبکه تلویزیونی مزبور یعنی (ABC) تصمیم به قطع وکنسل نمودن‌برنامه‌گرفت و برای این منظورآنرا به یك رفراندوم عمومی واگذارکـردکـه **«دیك‌کاوت»** برنده‌گردید و برنامه‌اش ادامه‌یافت‌ولی بااین توفیر که از آن پس برنامه اونیز نظیر سایرین صاحب مهمانان‌مختلفی شد و این سبك خاص نیز ازحدآزمایش پافراتر نگذاشت زیرا بینندگان برنامه بحداقل تعداد تقلیل یافته بودند.

بهرحال اینان بودند برجسته‌ترین و معروفترین مجریان تلویزیونی امریکا کـه امروزه مسیرفکری بینندگان شبکه‌هـای تلویزیونی خویش را یقین می‌سازند ونقش حساس و مؤثری‌در تهیه وپخش برنامه‌های ارزنده تلویزیونی عهده‌دار می‌باشند .

تذکر وپوزش

بقیه مطلب بزرگان تلویزیونی آمریکا راکه در صفحات ۴۲و۴۳ چاپ شده‌است در این صفحه ملاحظه میفرمائید که اشتباها ادامه دارد درذیل آن آمده‌است.

درضمن دنباله مطلب دختر شهر باران ـ خاك و پی‌تا درصفحات ۶۰ و ۶۱ چاپ شده‌است که درذیل مطلب در صفحه دیگری قید گردیده که بدینوسیله ازخوانندگان خود پوزش‌می‌طلبیم.

... وبالاخره بعدازمدتها انتظار بزودی دربزرگترین گروه سینمائی تهران و سینماهای بزرگ شهرستانها
شاهد نمایش پر سروصداترین فیلم ایرانی سال خواهید بود

مرجان ـ بوتیمار ـ علی تابش و محمد بانکی

در اثری استثنائی از: ناصر رفعت

ضعیفه









با شرکت: فرشته مهمان ـ ابراهیم فخار ـ کهنمولی ـ فرخ‌لقا هوشمند ـ گیتی فروهر و هنرمندی پیمان

ضعیفه فیلمی است متفاوت با آثار مشابه ایرانی که مسلما دیدن آنرا به دوستان خود توصیه خواهید نمود

پخش از: حسام‌فیلم

دهه‌طلائی، همبستگی شاه و مردم و پیروزی بزرگ انقلاب سفید را بملت ایران تبریک میگوئیم

مدیریت شرکت آژیر فیلم با مسئولیت محدود

ممتازترین آثار سینمای ایران برای بهارامسال از آژیر فیلم است

بعداز خدا حافظ تهران اینك ...



پیروزی

باهنرمندی :

جمشید مشایخی ـ ایرن

و با معرفی

الهام ـ کاوه ـ منصور خاکی

کارگردان : ساموئل‌خاچیکیان فیلمبردار: کمال مطیعی

«رضا صفائی» اولین اثرخودرا که روی آن‌ادعا دارد عرضه میدارد



معشوقه

باهنرمندی :

بهمن مفید ـ کتایون ـ
شهروز رامتین ولی‌لی
(بنقش معشوقه)

سناریست : حبیب‌الله‌کسمائی مدیر فیلمبرداری : کمال مطیعی

یك‌فیلم کمدی پرتحرك از « رضاصفائی

جعفر جنی و محبوبه‌اش



با هنرمندی :

علی تابش ـ کتایون ـ
میری ـ مرتضی‌احمدی
منصور خاکی
و بامعرفی شهرآشوب

سناریست:حبیب‌الله‌کسمائی مدیر فیلمبرداری : کمال مطیعی

یك‌فیلم استثنائی از برخورد خانواده‌ها



شیر یا خط

با هنرمندی :

ایرن ـ جمشید مشایخی
و بهمن مفید

کارگردان : رضا صفائی مدیر فیلمبرداری : کمال مطیعی

آدرس : میدان فردوسی شماره ۳۵۳ ـ طبقه چهارم ـ تلفن : ۳۱۲۹۷۵

انقلاب سفید شاه و مردم ، بزرگترین رویداد تاریخی ایران است ، پایان نخستین دهه
انقلاب بزرك ایران راصمیمانه تبریك می‌گوئیم .

مدیریت دیاموند فیلم

امسال یك فیلم **همایون، خوشبخت، مستانه، مفیدی، مهری ودادیان وسرکوب**

در **خیالاتی** در **خیالاتی** در **خیالاتی** در **خیالاتی** در **خیالاتی** در **خیالاتی**

باهنرمندی: پوری بنائی ـ گوگوش ـ رامش ـ آرزو ـ فرشید فرزان ـ مرتضی عقیلی ـ میری ـ ناتاشا ـ فاضلی و لی‌لی

سناریست و کارگردان : منوچهر نوذری

مدیر فیلمبرداری : قاسمی وند

سعیدراد

درفیلم

قزاق

سناریست وکارگردان: ناصر محمدی



وبا شرکت :

کارمن اسکوئی ـ محسن سهرابی ـ رمضانی‌فر ـ تجدد

وبا معرفی **شاپرك**

مدیرفیلمبرداری : جمشیدالوندی

منوچهر وثوق

درفیلم مردی بنام

طاهر

کارگردان : قدرت‌اله بزرگی



وبا شرکت :

مرتضی عقیلی ـ لیدا دانشور ـ اکبر فتحعلی علاءالدین‌فرشچی ـ کاظم سالکی ـ گرجی ـشاپرك

وباهنرمندی بوتیمار

مدیرفیلمبرداری : رضاانجم‌روز

گزارش فیلم (بقیه)

سالها با آن مردزندگی کرده، پس اورا دوست‌دارد.

دراین قسمت، دوربین درپشت محوطه‌ی اجاق،درحالی‌که بخار از روی ظرفهای غذا بلند می‌شود، قرار داده شده‌است و اشیاء جلوی دوربین گرمی خاصی به صحنه میدهد. بعدازچندپلان که زن بالاخره عشق خود را به زبان‌می آورد ، دوربین در نقطه‌ی مقابل محل قبلی قرار داده شده و آشپزخانه را از زاویه‌ی مقابل نشان میدهد. زن‌وشوهر پشت به دوربین‌رو به آشپزخانه‌ـرو به‌زندگی‌ـ نشسته‌اند.. بعدازقطع‌چندنظامی‌سوار بر اسب‌دیده‌میشوندوصدای‌پای آنها آرامش‌صحنه‌ی‌قبل‌رادرهم‌میریزد. همین نظامیها، زندگی ساده‌ی‌روستاییان‌را به‌خطرمیاندازندو آنها را ازهم می‌پاشندـ کاره‌جیوسن»، ازاین نمونه‌ها فراوان دارد ، که به فیلم «ویلن‌زن روی‌بام» تمایزمی‌بخشدوباوجود تمام‌ضعفها ونیات خاصی که پشت فیلم خوابیده، آن را دیدنی ونسبت‌به‌سایر آثار«جیوسن» قابل تاکید میسازد... ولی فیلم طولانی‌وکشدارو کسل‌کننده بنظر میرسد وتماشاچی را تاحدودی خسته‌می‌کند ، اما آیا خود زندگی کشدار و کسل‌کننده نیست؟

بهرحال «ویلن‌زن روی بام» فیلمی است‌که بنظر میرسد برای‌یهودی‌ها وبرای‌کشیدن غیریهودی‌ها به سمت دین یهود و یا لااقل بمنظور نمایش ظلمی‌که به قوم یهود واردشده ساخته شده است ولی بهرحال برای‌آنهایی‌که به این تبلیغات توجهی ندارند وآنهایی‌که به سینما می‌اندیشند نیزچیزکی دارد.

مختار (بقیه)

ساختمان فیلم ازلحاظفنی دچار مصائب‌ومشکلات فراوانی‌میشود. در یکچنین اوضاعی وقتی شما اعتراض کنید میگویند«این آقا عبوس‌وبدخلق است» آدم‌که نمی تواند هرروز جلوی در سینما بایستید وبه‌یکایك مردم درباره وضعیت فیلم توضیح‌بدهد.حالامن برای‌جلوگیری ازتکراراین‌مسایل دیگرذره‌ای هم‌تخفیف قائل نمی شوم.

برای پیشگیری ازهراعمال زور وحق خوری دیگری آدم‌باید سفت‌و سخت‌بایستدوشرایط‌خودش را بگوید.

همین چندروزپیش پیشنهادی برای بازی دریك فیلم داشتم‌که ازنظر من میشود امیدی بهش داشت‌ولی‌بخاطریك‌مسئله‌بخصوص جلوی تهیه‌کننده ایستادم و گفتم باید اینطور بشود و چون قبول نکرد در همان وهله اول‌وپیش‌از اینکه کار به‌جائی بکشدکه‌دیگر راه بازگشتی نباشد،خدا حافظی کردم و ازقید فیلم گذشتم. فکر میکنم با رعایت این روش‌ازاین پس دیگر با هیچکس دچار هیچ اختلافی نخواهم شد.

● **باین‌ترتیب در شرایط فعلی رسیدن به ایده‌آلی که از آن حرف میزنی مشکل بنظر می‌رسد. آیاتومی‌توانی‌درروش خود استقامت‌کنی‌وادامه‌بدهی؟**

مختار: موضوع‌مهم‌شخصیت‌و احساس آرامش خود آدم است. من فعلا موقعیت خوبی درنزد تماشاگران وهمچنین فیلمسازان ایرانی دارم وتعداد نامه‌هائی‌که در روز برای من می‌رسد نشان می‌دهد که‌خوشبختانه‌موقعیت‌خودم را بعنوان یك جوان اول‌محبوب در بین مردم حفظ کرده‌ام، ولی اگرحتی روزی برسدکه دیگر پیشنهادی‌هم برای بازی نداشته باشم ترجیح می‌دهم کار نکنم‌تابه هرکاری تن دردهم.

حقیقت اینست که در سینما بودن ولی از خود دور بودن را دیگردوست‌نمی‌دارم.

کوچه و بازار (بقیه)

ناگفته نماند که ساسان بتازگی بازی در فیلم دیگری را هم موسوم به «گدای میلیونر» باتمام رسانیده است.

دیگر آنکه نام چند خواننده محلی را هم بایستی در لیست خوانندگان تاترها و کاباره‌ها نادیده نگرفت واز جمله **مصطفی پایان** خوانندهٔ آذربایجانی که چندی است دور اینگونه فعالیتها را تقریبا خط کشیده ونیز **منتجم ونجم‌الدین** که هر دو از خوانندگان محلی شیرازی میباشند وبالاخره **قدمی** که ترانه‌های کرمانشاهی را در کاباره‌ها و تاترها اجرا می‌کند.

وتازه‌ترین نامی که به گروه خوانندگان کوچه و بازاری افزوده گردیده‌است، **مصطفی جاویدان** میباشد که بعد از خواندن ترانه‌های «یاهو علی مدد» و چند ترانه دیگر در مایه‌های مذهبی و همچنین ساختن ترانه‌هائی برای خوانندگان کوچه وبازار، مورد توجه

مجددا کاباره خوانی را از سر گرفته وچند ترانه جدید نازی افشار که آهنگ آنهارا نوریان ساخته وبامدادجویباری اشعارشان راسروده، درخشش نسبی مجدد نازی‌را سبب گردیده واز جمله این ترانه‌ها «باآتیش بازی نکن» و «واله‌بابااین‌دله» رامیتوان نام برد.

ودرخاتمه یادی هم ازخواننده فقید **داودمقامی** کنیم که او نیز در بین خوانندگان کوچه‌وبازار، جائی برای خود داشت و بعد از خواندن ترانه‌هائی موفق همچون «منصوره» و «فریبا» و «بهشت و جهنم» و «وای‌وای»، سرانجام در سن سی‌وچهارسالگی بدرود حیات گفت وپس‌ازمرگ مقامی، برای تصاحب یکی دوترانه باقیمانده وی که هنوز صفحه نشده‌بود، رقابتی میان کمپانیهای صفحه‌پرکنی در گرفت، وضمنا همکاران داود درکاباره‌ها و تاترها نیز مراسم تشییع جنازه باشکوهی برای او …

خاک (بقیه)

نشده است. بنظرمن کنترل یک گروه‌عظیم کار سختی بشمارمی‌رود، اماتمام افراد گروه وظیفه شناس وآدمهای ساده و راحتی هستند.

ساعت یازده پس‌از چرتکی سرمیز صبحانه میروم. میزهای دیگرشلوغ‌است. من سرمیزی که نظام‌الدین‌شفائی، رفته‌است‌میروم، نظام‌شفائی چهره‌تازه کاری‌است که درفیلم داش آکل، بنقش شوهر مرجان ظاهرشد ودراین فیلم هم جزواکیپ کیمیائی است. اوخیلی دوست‌دارد تاموقعیتی پیداکند و خودی‌نشان‌بدهد. اماخوب، چه جوری‌بکم … بعضی وقتها نقشها وکاراکترها به‌قیافه افراد نمی‌خورد وشاید بهمین‌دلیل است‌که کیمیائی برای‌فیلم جدیدش‌نقش مهمی باوواگذار نکرده. اما بنظرمن کسی که علاقه‌داشته‌باشد، بالاخره‌موفق خواهدشد و این بستگی‌بخود افراد دارد.

هنگام‌خوردن صبحانه بهروز هم‌میاید. من‌تابایـن لحظه اورا ندیـده‌ام. وقتـی از در وارد میشود، ناخودآگاه‌باهیبت‌تازه‌اش توجه مرابخود جلب‌میکند. سبیل گذاشته. موهایش‌تاحدی‌بلندشده است ودیگر قیصری نیست! من میترسم که پس‌ازنمایش فیلم‌خاک «مدخاکی» در میـان جوانها و هنرپیشگان سینمارواج‌پیدا کند! این‌دردی است که‌همه‌ماداریـم،

درد تقلید!!

بابهروز خوش‌وبش‌میکنم. امافرصتی پیش‌نمیآید تابیشتردر باره‌مسائل‌مختلف، خصوصافیلمی که‌در آن بازی دارد حرف‌بزنیم صحنه‌ای‌راکه امروزقرار است کیمیائی کار کندا‌حتیاج به «ژنراتور» دارد. گویا دوروز قبل‌هم قـرار بوده این‌صحنه گرفته شود، اما نبردن‌ژنراتور کارآنها رابتعویق انداخته‌است. کیانی‌مسئول تهیه ژنراتور است زیرا اومدیر تهیه فیلم می‌بـاشد. کیانی امروز بکیمیائی قول‌داده‌است که‌تاغروب ژنراتورمیرسد. کیمیائی هم‌قبول میکند وقبل‌از اینکه به‌ژنراتور احتیاجی داشته‌باشد صحنه‌هـای خارجی‌را میگیرد. صحنه‌هائـی که‌میشود ازنور آفتاب استفـاده کرد.

ساعت دوازده گروه حرکت میکند. در صحنه‌ای‌که امـروز قـرار است فیلمبرداری شود، بهروز وثوقی، ساغر (یک‌چهره جدید) و «گارسیا» بازی دارند. گارسیا یک‌زن خارجی‌است. او زبان‌فارسی را باندازه کسانی‌که انگلیسی‌ویازبان خارجی‌دیگری بلد نیستند میداند. او در یکی از کاباره‌های تهران برنامه‌اجرا میکند. خـوش برخورد و مثل تمام‌خارجی‌ها خونـرد است. قد بلندو کشیده‌ای‌دارد ونقش زنی‌را بازی‌میکند که‌شوهرش‌مرده وحالا اوصاحب ثروت‌واملاک‌شده‌است.

ادامه‌دارد

جهان سینما (بقیه)

● راجـرمـور، سنت و جیمز باند!

«گای هامیلتون» فیلم تازه ازسریال آثارجیمز باندی تحت عنوان «زندگی کن و بـگذار بمیرند» راآماده‌کرد. دراین‌فیلم که‌بقولی پرفروش‌ترین فیلمهای جیمز باندی تمام دوران سینما خواهدبود، یکسری وسایل‌اختراعی عجیب‌وغریب وصحنه‌های تکـان دهنده‌نظیر کلنجاررفتن‌جیمزباند با ۸۶ نهنگ گرسنه دریک استخر و … گنجانیده‌شده‌است. راجر-مور ایفاگرسنت واخیرا «برت-سینکلر» در «کاوشگران» به‌نقش جیمزباند ظاهرشده و «جین‌سیمور» و «گلوریاهندری» نقش‌های‌مقابل اورا ایفا کرده‌اند. فیلم بعـدی راجرمور از سریـال جیمزباند «مردی‌بااسلحه‌طلائی» نام دارد.

● جنگ بین زنها و مردها

«ملویل شاولسون» سازنده فیلمهائی‌چون «کبوتر روم» و «سایه غول پیکر بیفکن» فیلم کمدی «جنگ‌بین‌زنها و مردها» رامیسازد که «جک لمون» به‌نقش نویسنده فیلم‌های کارتونی در آن نقش‌اول‌را ایفا میکند. جیـون روباردز ونوستاره‌ای باسم «لیزا» دیگر نقش‌های فیلم‌رابازی می‌کنند.



قزاق

سناریست و کارگردان: ناصر محمدی



منوچهر وثوق

در فیلم مردی بنام

طاهر

— ببینید آقا این آدرس بیمارستانی است که در آنجا آپاندیسم را عمل کردم!

درجنوب) فیلمبرداری شده و اثری مشحـون از حادثـه، هیجان وخشونت‌اینک بـر پرده سینماهای تهران‌است.

اریکسال روی‌تنظیم این سناریو وقت‌صرف کرده‌است.

بهرحال این فیلم‌استثنائی سال کمدر «هونجان» (دهکده‌ای درمیان کوههای سربفلک کشیده بختیاری بازیبائیهای بکر بـا معماری‌خاص‌زمان‌تسلط‌انگلیسها

دختر شهر باران (بقیه)

برای اینکه بیشتر هاشم آقا را حریص وتشنه کند، دامنش را بالا زد و گفت،

– چقدر هواگرم شده

هاشم آقا دیگر مهلت نداد تامادرم حرفی بزند سرش را روی پاهای مادرم گذاشت و شروع ببوسیدن پاهای مادرم کرد. . . آوخ که چه دردناك وكشنده بود دیدن این صحنه برای من... هر چه میکردم که نسبت بمادرم وآنچه که دارد اتفاق میافتد بی تفاوت باشم نمیشد.

هاشم آقا ازشهوت میلرزید ومادرم سر اورا روی سینه‌اش میفشارد ومیگفت،

– اگر تونبودی، من تنهائی باید چیکار میکردم؟

هاشم آقا هم دیوانه‌وار باو جواب داد،

– هاشم بقربونت بره ، مگه میشه من نباشم. هاشم جونت همیشه هست... همیشه ...

من وقتی این صحنه را دیدم داشتم از هیجان میلرزیدم. راستش يك لحظه بخودم اندیشیدم . من که دختری نو بالغ بودم وقتی هاشم آقا چنك بسینه مادرم میانداخت سینه‌های کوچك من مورمور میشد کم کم داشتم با دیدن این صحنه بدنیای ناشناخته‌ای پا میگذاشتم که تا آنروز هرگز بآن نیندیشیده بودم .

دنیائی که مرا از گذشته‌ام جدا میکرد. با کنجکاوی بیشتر و بانوعی عصبانیت داشتم از پنجره مادرم وهاشم آقا رانگاه میکردم که ناگهان صدای در حیاط شنیده شد .

بی تا (بقیه)

داریوش يك اجرا کننده‌ی مسلط به کار خود است. امکانات سینما را می‌شناسدو درکار خود از آن استفاده می‌کرد ویرداختی قابل قبول از سناریو تحویل می‌دهد.

حسن کار **«هژیر داریوش»** بیشتر در این است که مسایل دنیای مورد نظر درسناریو را کاملا حس کرده ونوع پرداخت تصویری نتیجه‌ی این حس است. و فیلم فرمی‌ساده که زندگی ساده ومحتوی ساده آن را ایجاب می‌کند، دارد. بدون ادا و اصولی که معمولا فیلمسازان تحصیلکرده درکارخود نشان می‌دهند .

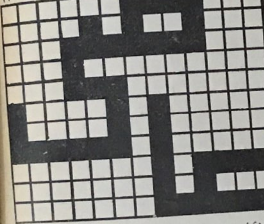
در این فیلم شاهد يك بازی درخشان از **گوگوش** هستیم ، بازی‌یی که تا به حال درمیان هنرپیشگان زن سینمای ما نظیر نداشته است. **گوگوش**، يك استعداد بزرگ در بازیگری است.

همچنین فیلمبرداری خوب **هوشنگ بهارلو** (که کار کم نظیرش در فیلم پستچی نیز فراموش نشدنی است) به فیلم کمك قابل توجهی می کند .ومجموعه‌ی عوامل فیلم با اضافه‌ی موزيك دلنشین **چکناواریان** (که مرتب هم از رادیو پخش می‌شود ا) يك فیلم ساده و بی‌پیرایه را نتیجه می‌دهد که بهرحال در اوضاع فعلی ، جای مناسبی برای خود دارد .

مسابقات

جدول «عاصی»

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳



عمودی:

۱ـ فیلمی بکارگردانی امیرشروان . ۲ـ بازیگر فیلمهای طوقی وساحره . ۳ـ فیلمی باشرکت سیمین غفاری . ۴ـ فیلمی از جلال مقدم . ۵ـ کارگردان فیلم ساحره . ۶ـ ...... کولو داماد فیلمی ازبهروز وثوقی ـ ۷ـ فیلمی باشرکت منوچهر وثوق.همایون ۸ـ ...... تا جاهل فیلمی از پرویز نوذری ـ کارگردان کافر ۹ـ ...... مرد و یک شهر فیلمی از مرجان ـ فیلمی از ژورک ۱۰ـ یکشبه فیلمی ازمختار ـ فیلمی ازخسرو پرویزی ـ سناریست فیلم آب‌نبات چوبی . ۱۱ـ فیلمی ازفردین ـ فامیل آکتور فیلم الکلی . ۱۲ـ فیلمی از عباس کسائی ـ نام کارگردان فیلم فاتح دلها ۱۳ـ فیلمی باشرکت طهوری وناصر ملک‌مطیعی ـ اثری ازمهرجوئی

طراح ـ حسین باباگلی (اصفهان)

جدول این دوستان رسید، متشکریم:

قاسم آب‌حیات (یزد) ـ علیرضا قربانی (رامهرمز) ـ سهراب صائمی (تهران) ـ عباس خراسانیان (بجنورد) ـ حسین کوکائی (یزد) ـ ب. انصاری (اصفهان) ـ محمود محمدیان (بوشهر) ـ عبدالعلی اصغری (تهران) ـ احمد داشش (تهران) ـ محمدرضا جهانگیری ـ رحیم عدالتیان ـ رضامرادیها (اصفهان) ـ مسعودخاک دوست (شهرری) ـ خسروقشقایی (تهران) عباس‌روشن (بابل) ـ حسین کره‌ای (خرمشهر) ـ غلامرضا شاهینی (گرگان) ـ احسان صلح‌جو (تهران) ـ فتح‌اله بنی‌اسدی (شهرری) ـ عباس‌عوضی (بوشهر) ابراهیم صدیقی (شهرری) ـ احمد کسائیان (تهران)

طرح مسابقه از: عبدالعلی رخشان

مثبت و منفی

مسابقه تازه و ابتکاری

مسابقه تازه ما « مثبت » و « منفی» نامدارد و بدین‌صورت است که ما هرهفته نام یك هنرمند (کارگردان ـ هنرپیشه مرد ـ هنرپیشه زن وغیره) را چاپ‌می‌کنیم و نام بیست فیلم مختلف را درزیر اسم هنرمند ذکر شده چاپ می‌کنیم که ۵ فیلم از بیست فیلم مربوط بکسی خواهد شد که نامش بمسابقه‌گذارده شده است.

کسانیکه مایل بشرکت درمسابقه هستند میبایست نام صحیح ۵ فیلم را نوشته و برای‌ما ارسال دارند. ما برای هر پاسخ صحیح ۲ امتیازمثبت قائل میشویم و بدین ترتیب جمع امتیازات جهت ۵ پاسخ ده خواهد شد حال اگر از میان ۵ پاسخی‌که برای ما نوشته‌اید یك‌یاچند پاسخ غلط باشد ما بازای هرپاسخ غلط دو امتیازمنفی قائل می‌گردیم‌ودرحقیقت‌جمع‌امتیازات منفی از امتیازات مثبت کسر خواهد شد و بهمین علت نیز نام این مسابقه «مثبت» و«منفی» است .

ما هرهفته مابین‌کسانی‌که ۸ یا ۱۰ امتیاز بدست آورند بقیدقرعه جوایزی بشرح زیرتقدیم خواهیم داشت .

جایزه اول یك رادیو ترانزیستوری یك موج ـ جایزه دوم یك عدد ساعت مچی مردانه ـ جایزه سوم سه عدد خودنویس به‌نفرـ جایزه چهارم ۵ بلیط لژ به ۵ نفر از تهران و جایزه پنجم ۵ جلد کتاب به۵ نفر از شهرستانها .

پاسخ‌ها بایدحتماً بایك‌ریال تمبر باطل نشده وآدرس دقیق‌فرستنده همراه باشد .

هنرمند موردنظر : سعید راد

نام فیلمها : ساحره ـمردی درتوفان ـ فراراز‌تله‌ـ ده‌سایه خطرناك ـ مردی از جنوب ـ کافر ـ بازگشت ـ بی‌ستاره‌ها ـ شهربهاءـصادق‌کرده‌ـمرد ـ کشتی‌نوح‌ـ سرگروهبان‌ـ خداحافظ رفیق ـ ازدواج ایرانی‌ـآقای هالوـ طغرل ـ فریاد ـسه‌قاپ .

برندگان مسابقات شماره ۴۱۳

برندگان گربه‌پنج‌دم

آقایان وخانمها : حمیداشرفی (برنده ساعت مچی) لاله مجتبی‌زاده (برنده خودنویس) آندرانیك ـ پ (شیراز) زهرا گلنوش (قم) محمدساسانی(بجنورد) فاطمه‌کریمی (مشهد)هوشنگ ابوالقاسمی(تبریز) برنده‌۵جلد کتاب ـ قدیر محمودی ـ هادی کمالی ـ پروانه ملکی ـ محمود صفری ـ شهر و مهدی‌زاده ـ رحیم عباسی‌ـ عبداله محتشمی ـ بهزاد همت‌پورـعموقلی‌هادوی‌ـ قادرمجیدی(برنده بلیط لژسینما).

پاسخ‌صحیح‌مسابقه گربه پنج‌دم : (فیلم ملوقی‌ـ کارگردان وسناریست ، علی‌حاتمی ـ فیلمبردار : مازیارپرتو ـ تهیه‌کننده مصیبی ، هنرمندان بهروز وثوقی ، آفرین‌وناصرملك‌مطیعی) .

برندگان جدول ۴۱۳

نوشادمهدوی(رشت)نعیم‌حکیمی ـ منیژه رضائی(زاهدان) محمدکریم رسائی ـ کاظم‌مطلبی (اهواز) برای برندگان توسط پست سفارشی جایزه‌ها ارسال شد .

نظرها

صادق کرده

دنیای سیاه یک انسان

● امتیاز «صادق کرده» اساسا ایجاد فضائی سیاه و مالیخولیائی است که از همان پلان اول خیالی داخلی فیلم جامی افتد و در سراسر فیلم حفظ می‌شود (بدون اینکه در ایجاد آن، تدابیر کلیشه‌ای بکار رود، ومی‌بینیم که مثلا در صحنه‌ای هم که «صادق» و رفیقش از مکانی بازو روشن واز میان جمعیت می گذرند، همچنان این فضا در فیلم هست). البته در این فیلم، این فضا «آشکارا» بخاطر (مثلا) القاء تیرگی و تباهی که زندگی آدمها را احاطه کرده نیست، بلکه میتواند مثلا جزو «علائق» فیلمساز (و شاید مثلا مشخصات کار او) قلمداد شود. همانطور که آدمها هم «آشکارا» بعنوان انسان مطرح نبوده و برای القاء مفهومی در فیلم نیامده‌اند بلکه صرفا بوجود آورندهٔ یک ماجرا هستند، نا گفته نماند که همین «آشکار بودن» اینکه صرفا نقش ماجرای صادق کرده مورد نظر فیلمساز بوده و تأکید خودش قابل توجه و تحسین است، و یا شاید بتوان آنرا «بی ادعا بودن» فیلمساز نام گذاشت. (با این حال می‌بینیم که ـ بکمک همین فضا ـ در بعضی لحظات، تیرگی زندگی «صادق» را بنحو مؤثری القاء میکند. پلانی از «صادق» در گورستان که سرش را میان دستهایش گرفته و روی سنگی نشسته)

آنچه که از زندگی «صادق» توجه تماشاچی را جلب میکند، صرفاً «کشتار» او است، و «فرم» فیلم (سریع و مؤثر و بدون تأکید نشان داده شدن قتلها و اینکه پس از هر قتل دوربین بروی صورت «صادق» می‌آید ـ وحالت صورت او و جنبهٔ فیزیکی‌اش برای ارتکاب قتل ـ، دوربین تأکیداتش بروی آدمها و اشیاء عموما در خدمت جنبهٔ دراماتیک حادثه است) مانع از آن می‌شود که شخصیت درونی «صادق» و انگیزهٔ او مورد توجه تماشاچی قرار گیرد، واین قتلها در حد همان جنبهٔ حادثی‌اش برای تماشاچی موجه است، و بالاجبار (اجبار از نظر مادی بودن آدمها ـ وفرم فیلم ـ)، وقتی فیلم ازجهت عاطفی به «صادق» نگاه میکند، جنبهٔ احساسی‌اش رقیق می‌شود ـ که البته مقداری هم بخاطر بازی مبالغه آمیز هنرپیشگان است، و باید گفت که از جنبهٔ عاطفی نیز تأکیدات دراماتیک بروی آدمها ـ بخصوص پدرزن صادق وجود دارد.

احمد رضا مغفوری (شیراز)

صادق کرده

نشانه‌های یک نبوغ

○ تقوائی را با فیلمهای کوتاهش بخوبی میشناسیم اما صادق کرده اولین فیلم طولانی است که از او می‌بینیم کاری باین ندار یم که صادق کرده یک ماجرای حقیقی است. ما فیلم را در نظر میگیریم صادق کرده به نظر من یکی از بهترین فیلمهائی است که در ایران ساخته شده. فیلم با پرداختی عالی همراه می باشد رابطه آدمها خیلی راحت و روان است آدمها همه قابل لمس میباشند ـ از همه بهتر شخصیت «گروهبان دوالیخان» وخود صادق ـ حرکت دوربین بسیار نرم میباشد به همراهی تکنیک سادهٔ تقوائی توجه کنید قطعه‌های فیلم، سکانس تجاوز قطع می‌شود وسپس تمائی از گورستان را می‌بینیم. اگر ایرادی بر فیلم صادق کرده بگیریم پرسوناژ آن مرد رشتی است و را بطه‌اش با تجدد سکانس فلاشبک چنان زیبا است که مانند یک شعر باقی میماند گفتیم که پرداخت فیلم عالی است توجه شود به سکانس‌های ـ گورستان ومرگ صادق ـ و بوسیدن دست «سیفور» بوسیله صادق کرده که بی‌نیاز از توصیف هستند همچنین موزیک فرهت و بازی‌ها...

نادر مظلومی (اهواز)

تپلی

کارگردانی که باید باو امید فراوان بست

● نخستین آشنائی ما با (میرلوحی ـ سناریست) همراه بافیلمهای موفق رقاصه و کاکو بود و باشهامت میتوان گفت که شاید بهترین سناریوهائی باشند که تاکنون از فیلمهای ایرانی دیده‌ایم، خصوصا سناریو تمیز وبدیع میرلوحی در رقاصه گویای این حقیقت است، چون باپرداخت دقیق میرلوحی در درجه اول و سپس کوشش مثمر (قریب) در برگردانیدن آن بصورت تصویر، رقاصه را تا اوج فیلمهای خوب ومعتبر جاوید پیش می‌برد.

و اما (تپلی) ما را باکارگردانی آشنا می‌سازد که نمونه کار حساب شده‌اش را درسناریوهای مستند او دیده‌ایم و خوشبختانه در چهارچوب کارگردانی هم نه تنها از اعتبار و منزلتش نمی‌کاهد، بلکه اورا درحدوالاتری از کارسناریونویسی قرارمیدهد. میرلوحی در تپلی علاوه برسمت سناریستی، کارگردانی فیلم را نیز بعهده دارد ...... و تو آن هنگام که تپلی در برابر چشمانت نقش می‌گیرد به این می‌اندیشی که آیا سازنده آن یک فرد (ایرانیست) ؟ کما اینکه این حقیقت را بسختی میتوان قبول کرد، چون واقعا تپلی با آن فضا و پرداخت صادقانه و دقیق برای تو ئیکه سالها شاهد قر کمر و عشق و عاشقی متداوله آنچنانی بوده‌ای غیرقابل هضم است تا با یک چنین فیلم (تپلی ـ ایرانی) مواجه گردی.

من اولین تیتراژ خوب ایرانی را در تپلی می‌بینم که گویای حقیقتی تلخ است، و آنرا میتوان اولین تیتراژ سخنگو نامید. چرا ؟، چون دست همیشه (مظهر) یست، و ما در تیتراژ تپلی دست را مظهر قدرتی می‌یابیم که نمیتواند. اسی و تپلی درفیلم دو مظهر قدرتند، بترتیب قدرتی که (می‌فهمد) وقدرتی که (مطیع و آرامست) و شاید هم نمیتواند محیط اطرافش را بخوبی درک کند. او بیشتر (سرگرمی‌ها) را دوست دارد، تا اندیشیدن به حقایق جوانبش. میرلوحی بایکدستی خاص فیلم را بسرحد کمال می‌رساند تا آنجا که خود را همپای سوپراستارهائی چون مهرجوئی و بیضائی قرار میدهد. برداشت او از اثر موفق (جان اشتاین بک) «موشها و آدمها» وبرگردانیدن آن به آدمهای اصیل ایرانی کاملا حساب شده و دقیق است. بازیها همگی چشمگیر است که در میان بازی‌ها عقیلی وهمایون فوق‌العاده می‌باشد. خوشکام هم بنقش (فتنه) زنی که کمبود دارد و برای ارضای خواسته‌های خویش بهر عملی دست می‌زند بازی کاملا جاافتاده‌ای را به اتمام می‌رساند. دیگران نیز با اینکه چندان میدانی برای عرضه بازیهای جالب ندارند در عین حال بازیهای درخشانی از خودشان میدهند. فیلمبرداری صادقپور از پوئن‌های مثبت فیلم محسوب میشود، همچنانکه موزیک شاهکار منفردزاده برای این فیلم. گروه سازندگان (تپلی) را می‌ستائیم و آنانرا در برداشت موفقشان تمجید می‌کنیم.

ع ـ استحکامی (جهرم)

بلوچ

هدفی که دنبال میگردد

● آغاز فیلم مترسکی است بر پهنه دشت بیکران به نشانه صفا ـ صمیمیت ـ تعصب و ازجان گذشتگی مردان صحرا ـ مردانی که بلوچ یکی از هزاران نمونه آنهاست.

مسئله‌ای که در آخرین اثر مطرح گردیده همان مسئله انتقام شخصی است که درچند اثرقبلیش نیز بآن پرداخته والحق که موفق هم شده.

بلوچ بدنبال متجاوزینی که باعث از هم پاشیدن آرامش زندگیش شده‌اند روانه شهر می شود و باورود به شهر در لجن‌زار تمدن اشرافیت و عفونت شهری غرق میگردد ودر آخر نا امید از زندگی فلاکت بارش دست زنش را که بدنبالش به شهر آمده و بدام بدنامی افتاده گرفته و بزاد گاهش بازمی گردد و ثابت میکند

فدائی

ضعف دیگری برای سینما

● فدائی‌هم همان شعارهای بعضی از موج نوئیها است و همان حرفهای معمولی غیرت ـ مردانگی و بی‌ناموسی است که از زمان قیصر سینما را دچار یکنوع ابتذال کرده است .

داستان بازهم مربوط به ۲ مرد وبمیان آمدن پای‌یك زن آوازه خوان است که درآخر به‌کشته شدن یکی و بوصال رسیدن دیگری است فیلمساز دراین فیلم‌نه‌تنها چیزی بمردم نداده بلکه چیزی هم ازآنها گرفته وآن‌گرفتن ۲ ساعت وقت است. فیلم‌برای تماشاچی فضای خسته‌کننده دارد بازیها همه بی‌روح وخشك‌بداست بدترین‌بازی راخانم وجستا کرده‌است ازعیبهای بیشمارفیلم‌موزیك پخ کرده فیلم‌بود که‌بافیلم‌هیچ هماهنگی نداشت.

درنیمه داستان فیلم‌معطل بودن کارگردان معلوم بود که بزحمت‌میخواهد داستان فیلم راکش دهد.

ازصحنه‌های خوب فیلم فقط میتوان روبروشدن پری‌وکریم در اطاق وفرار کردن مردم ازکریم را نام برد . خلاصه اینکـه علامه‌زاده بافدائی نمیتواند چیزی باشد .

همایون قمری (خرم آباد)

که بلوچ تاهنگام مرگ نیزباید بلوچ باقی بماند .

کیمیایی در بیشتر لحظات فیلم موفق است و بااین فیلمش نشان میدهد که فیلمسازیست‌فهیم و متفکرچه‌زیباست سکانسی ازفیلم که بلوچ، خورد شده و ناامید ، از پشت پنجره بکومه‌های‌تف زده نفتان نگـریسته و بیاد دوران گذشته‌اش اشك ازدیده می‌بارد.

در آخر چه خوبست یادی نمائیم از دیگریاران کیمیایـی (وثوقی ـ منفردزاده ـ حقیقی‌و ایرن و ....) بویژه وثوقی که توانسته‌با بازی هنرمندانه‌اش‌یکی ازشاه نقش‌های دوران‌بازیگریش را بوجود آورده و یکبار دیگر نام خود رابعنوان هنرمند برتر درسینما تثبیت نماید .

سعید ـ سعیدی (برازجان)

دکترعبدالحمید حمیدی

پستچی

اما هیبت‌اله‌خان نمیخواهد این‌راقبول کند وتصمیم‌دارد با همان ۸راس گوسفندکه‌برایش باقیمانده دومرتبه‌قدرت وشوکت‌اولیه را بدست‌آورد واین شدنی نیست بخاطراینکه اسباب شوکت او آسیب پذیر است (گوسفندها) ودراینجاست که برادرزاده اووارد میشودبرادرزاده سمبل‌استعمارنو است‌معشوقه‌ای‌دارد که سمبل‌ثروت وصنعت‌اوست(این‌صنعت همیشه‌احتیاج بمواد اولیه دارد می‌بینیم که زن‌دائما مشغول خودن‌است) قدرت بهره‌برداری از آنرا هم دارد (صحنه‌عشقبازی) ولی‌این‌ازخصائل ممالك‌ثروتمنداست که با وجود بی‌نیازی باچشمشان بدنبال‌دارائی‌ممالك دیگر است‌نکته‌قابل توجه‌اینکه هیبت‌اله نماینده اشرافیت وطبقه ارتجاعی داخلی‌است باجوان از فرنك برگشته که نماینده استعمار نواست بااینکه‌در افکار متفاوتند ولی‌اصل ونسبشان‌یکیست (قوم‌وخویشند) برادر زاده دارای افکاری‌نواست ولی‌نه‌ازجهت مثبت‌اونمی‌خواهـد بـا گوسفند سروکارداشته باشد نه‌برای اینکه ازگوسفند بدش‌میآید اوچیزی‌را میخواهد که کارگوسفند رابکند وعیب آنرا که آسیب پذیری‌باشد نداشته‌باشد اوخوك‌میخواهد اماهمین‌خوکهاراهم‌بحال طبیعی‌نمی‌خواهد بلکه‌آنهارا برای‌استفاده‌بیشتر آنطوری‌که می خواهد نگهدارد (نرهااینطرف ماده‌ها آنطرف بچه‌هاوسط) .

طبقه‌اشراف واستعمارنو باوجود منطبق نبودن کامل خـط فکری بالاخره باهم‌بتوافق میرسند . کمـا اینکه هیبت‌اله‌خان و برادرزاده هم‌رسیدند ودرگرماگرم همین توافق‌است که نقی‌چون خودرا مغبون‌می‌بیند هجوم‌میکند که‌عامل بدبختی‌را ازبین ببرد اماهیبت‌اله‌خان زرنگتر ازآنست که اسلحه‌پردردسترس اوبگذارد ونقی که ازهمه‌جا مانده‌شده ناچارازخود انتقام میگیرد و این‌یك فاجعه‌است. واما نقی‌بعنوان‌یك‌فرداز گروه کشورهای جهان‌سوم نیز قابل‌بررسی است شغل‌بخور ونمیری دارد وانباشته از عقده‌های مختلف است‌تحرك‌ندارد وازلحاظ کاری فعال‌نیست وهمین حقوق بخوورونمیر خودراهم بواسطه تنبلی بایك‌نفر ازخود بدبخت‌تـر قسمت میکند بیشتر بدشانس متکی‌است تابفعالیت سالم ومثبت وسیله‌حرکتش یك‌دوچرخه است که نشانه‌عقب‌ماندگی اوست (در نمائی‌می‌بینیم که‌مشغول‌رکاب‌زدن‌است‌واتومبیلی باسرعت‌از اوسبقت میگیرد) عقده‌های مختلف ازاوانسان آنورمالی ساخته وهمانقدر که‌دردست گرفتن کلفتها مثل‌برموم نرم‌است در مقابل ضعفا بیرحم است (اذیت کردن مرد کوروفقیر) قساوت کردن دیگران دربارهٔاو نیزجالب است‌چون هرکسی طبق‌برداشت کاملاشخصی وطبق منافع خودش دربارهٔاو قساوت‌میکند ولی‌بارزترین صفت او مطیع بودن است که باتاکید ازطرف یکی‌ازهمشهریانش ابرازمیشود .

فیلم‌پستچی‌راباید‌بخاطر محتوای غنی‌و کاملش حتما‌دیدولی فیلم‌جدا ازاین محتوی متاسفانه از لحاظ پرداخت ظاهری نقائص فراوانی داردبطوریکه اگراشارات سمبلیك فیلم راکناربگذاریم وآنرا فقط‌بخواهیم ازلحاظ ظاهری‌بررسی کنیم‌فیلمی غیرمنطقی ودورازذهن جلوه‌گرمیشود روابط‌آدمها و جریان زندگی آنها طبیعی‌نیست آدمها بی‌ریشه‌اند وخوب‌شناسانده نمیشوند‌ماموربانك راا‌گر مثلا‌نماینده بانك‌بین‌المللی توسعه‌وازموم یاصندوق جهانی پول یادول ثروتمندندانیم به‌یك کاریکاتور بیشتر شبیه است ویا همینطور دونفرماموری‌که برای‌جلب دکتر شفیقی آمده‌اند مثل اینکه موپشان‌را آتش زده‌باشند خیلی‌ناگهانی پیدامیشوند‌واعمال دکترشفیقی جلوی‌افراد ده‌حرفها وحرکاتش وبعد ایمان آوردن آندونفرهیچکدام منطقی‌نیستند این‌چیزی‌نیست مگرهمانطـور که‌گفته‌شد کتابی‌بودن‌معلومات‌وسیع مهرجوئی درروابط‌بین‌المللی ونشناختن جریان‌زندگی طبیعی اشخاصی‌که او فیلمش‌را درباره آنان‌ساخته‌است

تریبون آزاد

گنه کرد در بلخ آهنگری

● قلمفرسائی جناب بحری تحت عنوان « ابتذال درسینما» مندرج در مجله گرامی امید ایران شماره ۹۳۵ صفحات (۱۲ و ۲۲)، این ضرب المثل را بیادم آورد و موجب شدچند سطری پاسخ ونکاتی را نیز گوشزد کرده باشم راستش هرچه فکر کردم دیدم در این اواخر فیلمی با نام (دزد وپاسبان) نمایش داده نشده که جناب ایشان اینچنین بفیلم دزد وپاسبان بدوبیراه گفته‌اند که این بی توجهی نویسنده را شامل است، و آنطور کـه حقیر اطلاع دارد فیلم دزد و پاسبان ساخته کارگردانی دیگر بود که اززمان نمایش آنهم ماههاست گذشته

لابد منظورشان فیلم (استواروپاسبان) بوده که گویا باچشم بسته بسالن سینما رفته‌اند و حتما نام فیلم را هم از بغل دستی پرسیده‌اند و بعدش هم بخیال خود درخلال اینکه در مورد فیلم استوار و پاسبان نه (دزد و پاسبان) طومار مینویسند وارد کلیات شده و خواسته‌انـد خودی هـم نشان دهند که مثلا ماهم اهل بخیه‌ایم و آخرش هم‌حتما خودجناب هم متوجه نشده‌اند که چه مینویسند و اصولا بااین تـوقعات مافوق خویش از سینمای ایران چه‌چیز بخصوصی را طالب هستند. چراکه فرمایشات جناب بحری تنها پیرامون ساخته نظام فاطمی دورنزده ، تاعلاوه براینکـه مطلب تاحدودی منطقی بنظر آید جای ایراد هم نباشد. ایشان اسب قلـم را جولان داده و هـرچه راکه سرراهشان بـوده بعقیده بنده ناشیانه لگدمال کرده‌اند که جای تاسف دارد ، نمیدانم یکی هست که از این جناب بپرسد فیلمی که نظام فاطمی ساخته‌چه ربطی به (صادق چوبك) و کیمیائی، میرلوحی، نصرت کریمی و منطقی و دیگران دارد که ساخته‌های اینها را هـم ابتذال نامیده وحتی عالی نبودن فیلم تپلی را هـم داخل پارانتز گذاشته‌اند. اگرمنظور این جناب اینست که مثلا کیمیائی و میرلوحی و کریمی و.... نمیتوانند باب میل اوفیلم بسازند پس بفرمایند فیلم کارگردانی کنند تاببینیم‌خود این جناب کدام دسته گلی را آب میدهند.

مردحسابی،اینهم شدانتقاد که ازهرچه فیلم‌وفیلمساز هست ایـراد گرفته‌ای ؟ فیلمهای تپلی داش آکل ، قیصر ، درشکه‌چی و و و ... چه ایرادی داشتند که تازه اینها را هم قبول نداری؟ گویا ایشان فکر میکنند درمحیطی‌مثل امریکا و انگلستان و فرانسه باآداب و رسوم ملت آنها زنـدگی میکنند و بااینکه جزو اعقاب فلینی هستند که میخواهنددر ایران هم فیلمهائی نظیر ساتریکون ساخته شود.

غرض از این پاسخ دفاع از فیلمهای بقول ایشان (مبتذل) نیست وحتما هم باید فیلمها دارای سوژه‌های عالی باشند و خوب ساخته شوند البته نه بآن معنی که بخواهیم عموما سرتاپا هنری باشند چرا که سینما در این مرزوبوم نوعی وسیله تفریح برای اکثریت مردم هم بشمار میرود. در اینصورت اگر فیلمهای قیصر و داش آکل و رقاصه‌وهالو و درشکه‌چی و ..... را ازیك کارگر ساده بگیریم‌اورامجبور بدیدن کدام فیلمی بکنیم ؟ دیدن فیلمهای ساتریکون ویا شاه‌لیر و معرفت جسم و ..... که هیچکدام از اینها آداب و رسوم مامردم شرق را ندارند و عموما ادبیات مملکتشان نیز برای اکثریت مانامانوس و ناآشناست.

بنده‌قصدندارم دراین‌پاسخ ازفیلم ساتریـکون و یا ساتریکون‌های دیگرایرادبگیرم وشایدهم‌صحیح نباشدچون خودم‌هم فیلمهای هنری خوب ، می‌بینم ، نکته‌ای که هست میخواهم جناب‌بحری تاحدی‌نیزمتوجه دیگرقضایا باشند و زیادهم بحساب روشنفکری (پوزش‌از روشنفکران واقعی) مورا ازماست‌نکشند وبجای‌اینکه بخودزحمتی دهندو تاریخ سینمای ایران‌را تقسیم‌بندی‌فرمایند .. (اگرامکان داشته باشد) همین‌چندتافیلم خوبی‌را که درحال‌حاضر داریم‌قبول داشته‌باشند تاانقلاب‌هنری هم‌بوجود بیاید وفیلمهائی هـم مطابق‌میل‌ایشان ساخته‌شود.

مطلبی دیگر که درحاشیه این پاسخ‌اضافه میگردد موضوع‌هنری‌بودن فیلمهاست البته‌این‌عقیده شخصی است که نگاهی بفیلهای عالی وخوب گذشته نشان میدهدکه آنهـا دارای‌اصالت بودند وچقدر در گذشته فیلمهای خوبی‌داشتیم (سوءتفاهم نگردد) منظورم‌اینست که میدیدیم و هنوز هم که گهگاه درسینماها ویا تلویزیون بدیدن‌آنها می‌نشینیم باز هم‌لذت‌بخش‌است ولی‌درحال‌حاضر بجزچند تائی معدود ، هنرجدید چه‌چیزی راارمغان آورده‌است ؟ جزسکس ولختی وهمجنس‌بازی وهزاران مسخره دیگر که میتوان گفت فساد بوجود میآورند ویافساد وکثافت وتباهی رافزونی می‌بخشند . نمیخواهم مطلب‌بدرازا بکشدواحیانا عقیده شخصی بنده موجب‌خشونت خواننده‌گردد بهمین‌جهت باسخنی‌دیگر بپاسخم خاتمه‌بدهم وآن اینکه دراینجا بایستی‌از آقـای منوچهر جوانفر یادکنم که‌مقاله ایشان‌را درمجله فیلم‌وهنر خواندم که خیلی‌صادقانه‌بود ، نوشته‌بودند منتقدین گرفتار نوعی‌خودخواهی هستند ومیل‌دارند از تماشاچی متمایـز باشند وبرخلاف اینکه شعور خواننده وتماشاگر را بـالا ببرند خودشان‌را عرضه‌میکنند و امیدوارم جناب بحری‌هم نوشته‌ایشان راخوانده‌باشند ، وضمنا وقتی مقاله‌ای‌باعنوان ابتذال درسینما مینگارند ازمبتذلهای فیلمهای - ارجی‌هم یادکنند که‌گمان نمیرود این‌نکته‌نیز زیادبیمورد باشد ، ولی‌اگرچنانچه‌این جناب‌درمورد فیلمهای ایرانی‌حساسیت دارند بهتراست چندتاکارگردان وهنرمنداز کشورهای‌خارج بخودمان سفارش‌دهند تاآنهادرایران باشرایط‌زمان‌ومکان ومحیط‌زیست ، بادرنظر گرفتن شرایط‌سانسور ، ازآداب و رسوم‌مردم ایران‌زمین فیلم‌بسازند که بی‌گمان آنموقع‌ایراد خواهندگرفت که مثلاازنوشته فلان نویسنده‌اقتباس شده ویا اینکه باصل‌نوشته‌نویسنده لطمه‌وارد آمده‌است.

امید است این دوست محترم‌ازاین پس‌درمقاله‌های خود زیادهم روی کلمات مبتذل‌وابتذال و ابتذالیات تاکید نکنند که‌یقین‌است‌نمیتوانند کلمه مبتذل‌را آنطور که لازمست توجیه کنند وازطرفی دیگر بهنگام ایرادگرفتن و انتقاد نوشتن‌انگشت بجاهای حساس‌بگذارند که مفید وموثر افتد نه‌اینکه همه‌را ازدریچه دیدخود بنگرند ومصرهم باشند که گفته‌هایشان درست ومنطقی‌است.

علی - احمدی

خوانندگان هم حرفی دارند

● آیا کسی که بسینما علاقمند است باید از فیلمسازها پرت و پلا بشنود. مدتی پیش سناریوئی نوشتم و پیش عده‌ای از تهیه‌کننده‌ها و کارگردانها بردم. همه مرا تحقیر کردند و گفتند بیخود نوشته‌ای. چرا آنقدر این آدمها مغرور و خودپسندند.

ج - ساداتیان

● چندی ایرج قادری بازیگر فیلمهای یکنواخت وچندش آوری شده که تمام آنها صحبت از انتقام وچاقوکشی است، بهتر نیست این هنرمند معروف تیپ خودرا تغییر دهد ودر فیلمهای متفاوتتری بازی کند.

بهروز بهادری - روح‌بخش فنائیان (تهران)

● خواستم از تهیه کنندگان ستارخان که باخرج گزاف آنرا ساخته‌اند بپرسم که در زمان مشروطیت اسلحه «ام-۶» یا «برنو» وجود داشته است یا خیر، بهتراست در وقت تهیه فیلم باین مسائل توجه کنند.

حسین قدیمی (تهران)

● شهرما دارای دوسینما است - کاپری وستاره. ما ازفیلمهای تازه فقط اسمشان را می‌شنویم سینما کاپری در عرض یکسال گذشته چهار بار فیلم قدیمی دور دنیا باجیب خالی را نمایش داده وتماشاچی فیلم باید درحسرت دیدن یک فیلم خوب باشد وتنها مسئله‌ای که برای صاحبان سینماها مطرح نیست تماشاگراست وبس وخر خودشان را میرانند.

غلامعلی مطلبی (سمنان)

فیلمها و هنرپیشه‌ها

۲۱ـ **زری‌خوشکام** آدمک
۲۲ـ **سهیلا** مومیرم برای پول
۲۳ـ **مرتضی‌عقیلی** کاکو
۲۴ـ **نیلوفر** طوفان نوح
۲۵ـ **ژاله‌سام** دیوار شیشه‌ای
۲۶ـ **ظهوری** واریته بهاری
۲۷ـ **رضافاضلی** خانم‌عوضی گرفتی
۲۸ـ **وحدت** پنجمین ازدواج

ادامه‌دارد



شما خوب قضاوت کنید، اگر من «داش آکل» هستم پس بهروز وثوقی چه‌میگوید ؟!

علی‌سبحانی (قم)

هنرمندان محبوب شما در کجامتولد شده‌اند ؟

فروزان : بندر پهلوی
پوری‌بنائی : اراک
بهروزوثوقی : خوی
ایرج‌قادری : تهران
آرمان : تبریز
پرویزصیاد : لاهیجان
ایرن : آمل
وحدت : اصفهان
ملک‌مطیعی : تهران
فردین : تهران
مختار : نیشابور
مهناز : رشت
شجاعی : قم
آغاسی : اهواز
ایرج : کاشان
بیک‌ایمانوردی : اردبیل
کتایون : لاهیجان
رامش : تهران
مهدیان : سبزوار
موفق : ماکو
ضیاء : رشت
رویا : اصفهان
ارحام‌صدر : اصفهان
سعیدراد : تهران
همایون : مشهد
فرخزاد : تفرش
دلکش : بابل
نصرت‌کریمی : تهران

تهیه از : غلامرضامحبی

«موزیسین‌ها چه میگویند»

منفردزاده : موزیک متن فیلم بایستی بدور از هیچگونه تقلید کورکورانه همین لحظات فیلم بوده وموزیسین بایدتا به‌آن‌حد بکارش مسلط باشد که لحظات فیلم‌را درک نموده بوسیله موسیقی آن را ارائه بدهد.

حنانه : با یک دید کلی و برداشتی همه‌جانبه از آنچه که فیلم می‌خواهد به‌تماشاگر نشان‌دهد نمی‌برای موزیک متن برمی‌گزینم که‌مکمل فضای فیلم باشد.

واثقی : همانطوری که ارکستر میتواندصدای خواننده را یاری کند و سبب هرچه بیشتر جلوه‌گرشدن آن گردد. موزیک متن نیزقادراست برای ارزش بسیاری ازفیلمها موثرباشد.

میرزاده : ازایرادات مهمی که می‌توان ازبسیاری از فیلم سازان وطنی گرفت این‌است که آزادی عمل کامل بموزیسین نمی‌دهند ودرحقیقت می‌خواهند خودشان رابک موزیسین قلمداد کنند.

فرستنده : محمدرضاعباسی (تویسرکان)

دوست یابی

● باعلاقمندان سینمای هند وآهنگهای هندی حاضر بمکاتبه هستم.

سمنان - اول بازار - کوی نجفی - شماره ۲۹ - قربانعلی ایمانی

● مایل بمکاتبه بادوستداران مجله فیلم وهنر وهنرمندان سینمای هندمی باشم.

یزد - خیابان پهلوی - جنب بانکسپه قدیم - مغازه ابوالقاسم آگاهی - سیدمحسن هاشمی

● با دوستداران سینما و هنرمندانی چون فردین، بهروز وثوقی - بیک ایمانوردی حاضر بمکاتبه‌ام

تویسرکان - دبیرستان شاهپور - کلاس پنجم طبیعی - فریدون جهانی

● حاضرم بابرادران و خواهرانیکه دوستدار سعیدراد - نقی‌مختار، فریبا خاتمی و فریدون گله هستند مکاتبه کنم

لاهیجان - خیابان اسکندر آباد - بازارچه امیرشهید - دبیرستان ایرانشهر - کلاس سوم - حسن محمودی

● چون قصد ساختن فیلمهای کوتاه رادارم، باعلاقمندان این رشته حاضر بمکاتبه هستم.

قزوین - راه‌آهن - دبیرستان بیوک‌گنجی - کلاس چهارم طبیعی - محمدعلی حاج اکبری

● بادختران وپسران علاقمند بسعیدراد - گوگوش - فردین - رایان اونیل - مرجان حاضر بمکاتبه هستم.

اصفهان - میدانشاه - کوی خلفا - جنب اداره آگاهی - پلاک ۱۵ - محسن نگهبانی

● حاضر بمکاتبه با کلیه دختران وپسران طرفدار بهروز وثوقی - کهبانی - گوگوش - مرتضی‌عقیلی - منفردزاده وسعید راد هستم

گنبدکاوس - دبیرستان دولتی کاوس - کلاس سوم B1 - ا. عاشوری

موزیک

از : منصف

عهدیه و یک ترانهٔ دیگر درمایه‌های محلی !

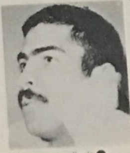


● عهدیه که صدای او را در فیلمهای مختلف ، بجای بسیاری از ستارگان سینمای ایران شنیده‌ایم ، برای خواندن بجای مرجان در فیلم « سراب » اثر فریدون ژورک انتخاب شده‌است و این روزها سه ترانه با صدای عهدیه برای گنجانده شدن در فیلم مزبور درحال ضبط میباشد و یکی ازاین سه ترانه عنوان «دوشیزه‌ها» دادا است و ترانه دیگر نیز «کی میدونه» در چهارمحال و سومین ترانهٔ عهدیه در فیلم «سراب» ترانه‌ایست درمایه‌های محلی وبااین ترتیب عهدیه که هرچندگاه یکبار خواندن ترانه‌های محلی را عهده‌دار میگردد و آخرین کارش در این زمینه نیز ترانه « دختر چوپان » بوده که عطاءالله خرم آهنگ آنرا تنظیم نموده و سعید بهری هم سرایندهٔ شعر آن بوده است ، یکبار دیگر بخواندن اینگونه ترانه‌های محلی میپردازد والبته اینبار درفیلم «سراب» ، وبدنیست که ازنام آهنگساز و ترانه‌سرای سه ترانه‌ای که باصدای عهدیه در فیلم مزبور گنجانده میگردد نیز ذکری بشود که کسانی نیستند بجز حسن واقعی سازندهٔ آهنگ و مسعود هوشمند سراینده اشعار ترانه‌ها.

« نیاز » بجای « نماز » !

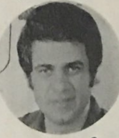
● بالاخره ترانه پر-رو- صدای « نماز » که شعر آنرا شهیار قنبری سروده و اسفندیار منفردزاده آهنگساز آن بحساب می‌آید ، با صدای رامش ومنتهی با عنوان جدید « نیاز » از رادیو پخش شد و باین ترتیب رامش به فریدون فروغی که او نیز درصدد اجرای ترانه « نماز » از رادیو بود پیش جست و البته نباید نادیده گرفت که ترانه « نماز » با صدای فریدون فروغی درفیلم « زن باکره » گنجانده شده است و البته صفحه « نماز » ، هم با صدای رامش وهم باصدای فریدون فروغی ببازار عرضه شده وبعداز ترانه « جمعه » که شعر آن ازشهیار قنبری بود و اسفندیار منفردزاده سازندهٔ آهنگ آن وفرهاد و گوگوش دو خواننده‌ای بودند که هردواین ترانه راخواندند و درفیلم « خداحافظ رفیق » نیز ترانه مزبور با صدای فرهاد گنجانده شده بود ، یکبار دیگر یک ثمرهٔ کار منفردزاده وشهیار قنبری دراختیار دو خواننده قرار گرفته است !

خوانندهٔ متن « فراق » ، « بندری » و « معشوقه » !



● تابحال در متن سه فیلم « فراق » و « بندری » و « معشوقه » ترانه‌هائی با صدای مرتضی گنجانده شده و درضمن بدنیست بدانید که مرتضی علاوه برخواندن درمتن فیلمها ، فعالیتی نیز در زمینهٔ خوانندگی در رادیو و تلویزیون دارد و ترانهٔ « عشق زودگذر » نیز آخرین ترانه خوانده شده توسط مرتضی در رادیو محسوب می‌شود وضمنا یک ترانه جدید هم بانام « راههای بسته » کار جدید مرتضی برای خواندن دریکی از شوهای تلویزیونی میباشد

منوچهر و « دزد دل » !



● منوچهر سخائی که در دورهٔ مجدد فعالیت خوانندگی‌اش همکاری پی‌گیری با جهانبخش پازوکی داشته و ترانه‌هائی ساخته و پرداخته پازوکی که توسط منوچهر اجرا گردیده‌است سر و صدای نسبتا قابل توجهی بپا کرده وازجمله ترانه‌های « پنجره‌ها » و « برگرد » را میتوان نامبرد ، به تازگی یکباردیگر ثمره‌ای جدید ازهمکاری خویش باپازوکی را ببازار عرضه کرده و برمبنای شعری که پرویز وکیلی سروده وجهانبخش پازوکی نیز آهنگی برروی این شعرساخته است ، منوچهر ترانه‌ای خوانده که نام « دزد اومده » و یا « دزد دل » را برای آن برگزیده‌اند ، وناگفته نماند پازوکی که معمولا شخصا اشعاری برروی آهنگهای خویش سروده ، چندی است ضمن ادامه این روش ، مقادیری هم با استفاده ازاشعارسایرشعرا ، اقدام بساختن آهنگهائی چندمی کند و ازجمله همین ترانه « دزداومده » را میتوان نامبرد که هم‌اکنون جزو ترانه‌های پرطرفدار روز محسوب‌می‌شود .

دزد اومده (دزد دل)

شعر : پرویز وکیلی
آهنگ : جهانبخش پازوکی

چشم : چشم : چشمو ازآهو دزدیده
لب : لب : لبش مثال سرمره
در خوشگلی به آینه

سینه‌رو از قو دزدیده
از مرمره کرمون سره
حکاینه ، حکاینه

دزد : دله ، دزد دله
دزد دلای غـافله

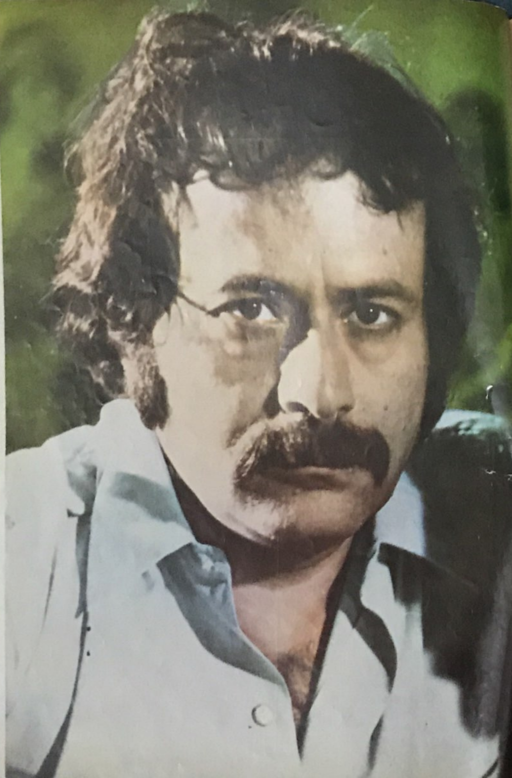
با اونکه شب ابر زده
آی آسمان غم زده

صبح شده آفتاب سرزده
دست رودلاتون بذارین

دزد اومده ، دزد اومده
دزد دله ، دزد دله ...

کنسرت درشهرستانها

● بمناسبت دهه انقلاب ، از تاریخ ۳۰ دی تا ۷ بهمن‌ماه ، دوازده گروه متشکل ازعده خوانندگان رادیو وتلویزیون وهرگروه بایک سرپرست به یکی ازنقاط ایران رفته‌اندو کنسرتهائی درشهرستانهای مختلف میدهند و بدنیست بدانیدکه : بزرگ لشکری ، عباس شاپوری ، جوادلشکری،سعید شهامت محمد میرنقیبی ، تیموری ، حبیب‌الله بدیعی ، غبائیان ، انوشیروان روحانی،مارسل ، همایون‌خرم‌و یوسف رشیدی سرپرستی دوازده گروه مزبوررا عهده‌دارمیباشد.ضمنا خوانندگانی چون : نیلا ، فیروزه ، رامین ، شجریان ، رامش ، بهشته ، رسالی ، جوهری ، سیمین غانم،گلوریا روحانی ، ایرج ، ناصر ، مهستی ، ژاله ، ویلسون ، مصطفی‌پایان ، الهه ، فرشته ، شهیدی ، سپهر ، رویا ، مرجان ، روانبخش ، نجمی ، زیبا،کوروس سرهنگ‌زاده ، هایده ، سیمابینا ، فرزانه ، مسعودی ، محمد نوری ، گیتی،عهدیه ، وفا ، یزدانیان ، حمیرا ، گلپایگانی ، سوگل ، سولی،فرخزاد،سعیده ، افشین،نرگس ، عقیلی ، پوران ، طلوعه،وفائی‌و گوگوش به : قزوین ، همدان ، بروجرد ، خرم‌آباد ، اندیمشک ، کرمانشاه ، شاه‌آباد غرب ، قصرشیرین ، خسروی ، سنندج ، مریوان ، مراغه ، تبریز ، خوی ، سدارس ، بندرعباس ، میناب ، قم ، قوچان ، مشهد ، بجنورد ، کرمان ، زاهدان ، زابل ، رشت ، پهلوی ، چالوس ، گنبدکاوس ، گرگان ، ساری،شاهی ، اصفهان ، شیراز ، اهواز ، سوسنگرد ، دزفول ، کهکیلویه ، رضائیه و نهاوند سفر نموده‌اند.



شوخی، شوخی

بگو ، مگو

● **جمیله** را گفتند : چرا قسم خودت را شکستی و میخواهی دوباره برقصی ؟

گفت : قسم خورده بودم که در کاباره‌های ارباب برقصم وحالا هم روی سوگند خودم هستم .

● از **حسین موفق** پرسیدند ، مگر تو چند تا زن داری ؟

گفت : دو تا و نصفی !

● از «**دکتر شاهرخ رفیع**» پرسیدند : چرا بجای تهیه فیلم گانگستر و کلاهبردار شدی ؟

گفت : مگر بین تهیه فیلم و کلاهبرداری فرقی هم هست !!

● از «**پوری بنائی**» پرسیدند ، چرا از سینما به تلویزیون می ـ خواهی بروی ؟

گفت : چون تو سینما هرتب ازآد مسکس میخواهند ، همان چیزی که من ندارم .

● از « **شهناز تهرانی** » پرسیدند : سابقا با یکی وحالا باهمه هستی ، چرا ؟

گفت : چون میخواهم «**مهوش**» را بهتر بشناسم !

جنجالی ترین رفراندوم سال

سکسی ترین - پرروترین — کم روترین و جاهل ترین چهره سال و چاخان‌ترین فیلم‌سال ۵۱ را انتخاب کنید

● حال که در ماه های آخر سال ۵۱ قرار داریم صفحه «شوخی، شوخی» به رسم بعضی از مطبوعاتچی ها رفراندومی ابتکاری و توطهو. ترتیب داده است که پیش بینی میشود جنجال بزرگی بدنبال خواهد داشت

ما همه خوانندگان خودرا برای شرکت در این رفراندوم که بمنظور تعیین :

۱ــ سکسی‌ترین ستاره سال :
۲ــ پرروترین چهره سال :
۳- کم‌روترین چهره‌سال:
۴ــ جاهل‌ترین هنرپیشه سال:
۵ - چاخان‌ترین‌فیلم سال:

ترتیب داده‌شده است دعوت میکنیم

● از هفته آینده آراء رسیده بتدریج در این صفحه منعکس میشود و نتایج کلی این رفراندوم درشماره مخصوص سال اعلام خواهد شد. جوایز ویژه‌ای هم برای برندگان در نظر گرفته شده است که بخاطر حفظ جنبه سورپریزه‌ی آن فعلا ازمعرفی آنها معذوریم .

توجه : نامه‌های خود را مستقیماً برای صفحه «شوخی، شوخی» ارسال نمائید .

معمای سال:

مردی که در اقتصاد درجه دکترا داشت ابتدا تهیه کننده وسپس کلاه‌بردار از آب در آمد.

تعیین نمائید رابطه‌ی بین اقتصاد و سینما و کلاهبرداری را !!!

کلمات قصار با تفسیر

● **نصرت کریمی** : من یك یك ایرانی هستم !

ـ عجب ! واقع می‌فرمائید؟

● **فریدون فروغی**: من خواننده بزم میلیونرها نیستم

ـ چون هنوز ازمن دعوتی در اینمورد نشده است!

● **وفائی** : یك دختر « دو سال و نیمه» بنام مژگان دارم که صدای قشنگی دارد و آواز میخواند!

ـ عجب بچهٔ نابغه‌ای! و اما آن بچه‌توی دامی سر کارچطور ؟

● **هایده** : شوهرم بچه بود!

ـ و شبهاجای خودش را خیس میکرد

● **جمیله** : فکر نمی کنم روح « ارباب» از رقصیدن من در شکوفه نو آزرده بشود!

ـ چون دیگر حالا برایش خرجی ندارد!

● **منوچهر وثوق**: میخواهم یك بازیگر واقعی باشم

ـ ولی نمیتوانم!

دکتر به سهیلا یك هفته استراحت داد



دکتر ـ بیا اینجا استراحت کن!

● **آغاسی دوتا گوسفند نذر کرده بودکه فیلم اخیرش فروش کند .**



آغاسی ــ مثل اینکه نذرمن قبول شده ؟
ـ نه بابا ، اینها آمدن گوشت نذری بگیرن !



ورود به‌عالم سینما یك تصادف است.
ــ چیزی نیست باکارگردان تصادف کردم هنرپیشه‌شدم!

دل هنرمندان

● **ثریابهشتی :** دلش برای ازدواج لك‌زده .

● **نادیا :** دلش برای رقصیدن وفرمادن پرپرمی‌زند.

● **هایده :** دلش این روزها پاپیچش شده واو را بدادگاه حمایت خانواده کشانده‌است.

● **گیتی :** هنوزهم دل‌بدل می‌کند ولی کوشومنی که‌قدرآنرا بداند .

● **فروزان :** دلش مرتب بهانه‌میگیرد .

● **پوری بنائی :** به دلش هم کرمت می‌بندد .

● **شهنازتهرانی:** دل دار شده‌است .

● **سهیلا :** دلش‌میسوزد.

● **گوگوش :** حتی بدلش هم بدهکار است .

● **مهستی :** دلخور است

● **ایرن :** دل‌درددارد.

● **مرجان :** دلش‌میخواهد اماملاحظه‌می کند.

بدبیاری سکسی

● یکی از تهیه کنندگان فیلمهای فارسی که آدمی دله و چشم‌چران بود روزی ببهانه دید زدن به دختری که برای هنرپیشه شدن وارد دفترش شده بود ، پیشنهاد می کند که دامنش را بالا بزند اما دخترك میگوید ، نه، خجالت میکشم

تهیه کننده که آب از لب و لوچه‌اش سرازیرشده بود اصرار می کند ومی گوید ، اگر اینکار را بکنی صدتومان بتو میدهم.

دخترك راضی می‌شودو کمی پیراهن خودش را بالا می‌زند و صدتومان را می گیرد

تهیه‌کننده که چشمانش گرد شده بود می گوید ، اگر قدری بالاتر ببری صدتومان دیگرمی‌دهم.

دخترك اینکار را هم‌می کند وصدتومان دیگر را می گیرد و باز تهیه کننده اصرار و پیشنهاد می کند.

بقیه‌درصفحه ۶۰

صداقت ترانه‌ای‌که ازترقیات و اختراعات شگرف بشر متمدن درقرن بیستم سخن میگوید!!

وفائی:

«تلفن» میکنم جواب نمیدی چرانیر!!
کسی‌را مثل من عذاب‌نمیدی چرانیر!!
نکته: چندی پیش بعد از مدتی گرفتاری بالاخره توانستم
تلفن بخرم!ــ وفائی

مضامینی که شما کوك کرده‌اید...

آدرس هنرمندان

● **نشانی‌فروزان:** روی تخم چشم، چشم‌چران‌ها

● **نشانی‌فردین:** جهنم خیابان هفتم

● **نشانی بهروزوثوقی** باید مسعود کیمیائی را پیدا کرد

● **نشانی ناصر ملك‌مطیعی:** سابید فیلم سرکار غضنفر را دید چون آدرسش روی سانلور تصاب فیلم نوشته شده

● **فریدون فرخزاد:** ازجمعیت حمایت‌حیوانات‌باید سئوال گردد

ارسالی‌ـ حسین کرکانی

رضایت خاطر

● روزی معلم‌تصمیم گرفت که «لیلا فروهر» را بخاطر بی‌انضباطی تنبیه کند به او گفت ،

ــ فکرنکنی که من برای رضایت خاطرخودم ترا تنبیه می کنم «لیلافروهر» درجواب گفت،

ــ پس لابد برای رضایت خاطرمن است!

ارسالی:حسن‌جعفتائی

مضرات تجرد!

پیتراوتول: ازدواج عبارت ازمکتبی است که در آن‌مرد تحمل ورنج وبدبختی ونظم وترتیب و خانگری وخودداری و بسیاری ازصفات عالی دیگر رامی آموزد اما خودمانیم اگرمردمجرد بماند به‌کدامیك ازاینها احتیاج‌دارد؟

ارسالی: مینا ایمانی

درکلاس‌درس

● آموزگار ــ پسر تودرچه ماهی متولد شدی؛

میری ــ ماهی‌سفید

● ● ●

آموزگار، بگو ببینم فرق رنگه وررنگه چیست؟

ــ پهرنیاـ ازکلاس تادفتر

ارسالی: محمدتقی‌آشوری

درمطب دکتر

● پزشك، یك شیشه برای شما نوشتم که باید روزی چهار قاشق سوپ‌خوری ازآن‌بخورید.

حابون، متاسفانه‌نمیتوانم، قربان!

ــ چرا؟ خوردن دارو برای شما لازم است

ــ میدانم اما درمنزل ما بیشتر از «قاشق‌ـ و بخوری‌نداریم!

ارسالی:حسن‌جعفتائی

فواید راستگوئی

● «تونی کرتیس» تعریف میکرد ، موقعی که بچه بود و در محلات فقیرنشین نیویورك زندگی می کرد روزی یك پسر گنده‌تر از او سر راهش را می گیرد و باو میگوید ، شنیده‌ام که تو یهودی هستی، درست‌است!

تونی با ترس‌ولرز به دروغ میگوید: نه!

پسرك یك‌جفت‌سیلی آبدار بیخ‌گوش او می‌اندازد ومیگوید، یك کشیده برای اینکه دروغ گفتی ودومی برای اینکه یهودی هستی!

تونی می‌گوید، دلم از این میسوزد که اگر راستش راگفته بودم لااقل یك‌چك‌بیشتر نمی‌خوردم!!

ارسالی‌ـ مینا ایمانی

پدر دلسوز

● روزی‌عالیجناب نصرت‌خان‌کریمی دراطاقش‌زیرکرسی لم‌داده ودرحال چرت‌زدن بود که صدای‌پسرش «بابك» را میشنود کەدرکوچه، بابچه‌ها دعوامی کند وحرفهای بدبد با آنها میزند.پدر دلسوز ازجای گرم ونرم‌خود بلندمی‌شود وپسرش را صدامی‌کند و می‌گوید ،

ــ ببینم ، این‌فحش‌ها راازکجا یادگرفتی ؟

«بابك» جاخورده وباترس‌ولرز جواب‌میدهد ،

ــ راستش را میخواهی من‌این حرفها را از «عمو‌دداکائی» یادگرفتم .

ــ خوب چشم‌بدلم روشن ، حالا که اینطوره‌دیگه‌حق‌نداری با «عمو‌دداکائی» بازی‌بکنی !

سلامت و نشاط فراوان با
شیر و شیرکاکائو پاستوریزه

پاک

تهیه شده از شیر تازه گاو



شیر و شیرکاکائو پاستوریزه

پاک

تهیه شده درکارخانجات لبنیات پاستوریزه پا